

	The Advent of Divine Justice	ظهور عدل الهی
	<i>To the beloved of God and the handmaids of the Merciful throughout the United States and Canada.</i>	احباء الله و اماء الرحمن در سراسر امریکا و کانادا ملاحظه فرمایند:
	Best-beloved brothers and sisters in the love of Bahá'u'lláh:	برادران و خواهران من در محبت جمال ابهی،
1	It would be difficult indeed to adequately express the feelings of irrepressible joy and exultation that flood my heart every time I pause to contemplate the ceaseless evidences of the dynamic energy which animates the stalwart pioneers of the World Order of Bahá'u'lláh in the execution of the Plan committed to their charge. The signature of the contract, by your elected national representatives, signaling the opening of the final phase of the greatest enterprise ever launched by the followers of the Faith of Bahá'u'lláh in the West, no less than the extremely heartening progress recorded in the successive reports of their National Teaching Committee, attest, beyond the shadow of a doubt, the fidelity, the vigor, and the thoroughness with which you are conducting the manifold operations which the evolution of the Seven Year Plan must necessarily involve. In both of its aspects, and in all its details, it is being prosecuted with exemplary regularity and precision, with undiminished efficiency, and commendable dispatch.	هر دم که شواهد بی پایان قوای محرکه ملهمه‌ای که آن پیشاهنگان غیور نظم جهانی حضرت بهاء الله را در سبیل اجراء وظائف محوله‌شان به همت و مجاهدت برانگیخته است به خاطر آورم چنان وجد و سروری در دل و جانم موج زند که از عهده وصفش چنانکه باید برنیام. قراردادی ^۱ که اخیراً امنای منتخب آن جامعه امضاء نموده‌اند به منزله آغاز آخرین مرحله از مراحل بزرگترین اقدامی است که تا کنون پیروان امر الهی در مغرب زمین بر عهده گرفته‌اند. همچنین پیشرفت‌های امیدبخشی که متوالیاً در گزارش‌های لجنه تبلیغ منعکس شده همه بدون شک بر وفاداری و ثبات و پایداری و دقت و مواظبتی شهادت می‌دهد که آن یاران در اجراء خدمات متنوعی که مستلزم تکمیل نقشه هفت‌ساله است از خود ظاهر نموده‌اند و در دایره این هر دو خدمت، حتی در جزئیات کار، با نهایت نظم و ترتیب و دقت و کاردانی کامل و اجراء شایسته به تمشیت امور پرداخته‌اند.
2	The resourcefulness which the national representatives of the American believers have, in recent months, so strikingly demonstrated, as evidenced by the successive measures they have adopted, has been matched by the loyal, the unquestioning and generous support accorded them by all those whom they represent, at every critical stage, and with every fresh advance, in the discharge of their sacred duties. Such close interaction, such complete cohesion, such continual harmony and fellowship between the various agencies that contribute to the organic life, and constitute the basic framework, of every properly functioning Bahá'í community, is a phenomenon which offers a striking contrast to the disruptive tendencies which the discordant elements of present-day society so tragically manifest. Whereas every apparent trial with which the unfathomable wisdom of the Almighty deems it necessary to afflict His chosen community serves only to demonstrate afresh its essential solidarity and to consolidate its inward strength,	همانند و همعنان با آن کاردانی و لیاقتی که نمایندگان جامعه بهائی امریکا در ماه‌های اخیر و در اقدامات اخیرشان از خود بروز داده‌اند، همانا وفاداری و حمایت‌های کریمانه و بی‌چون و چرائی است که افراد جامعه بهائی در هر مرحله بحرانی و در هر مرحله از مراحل توسعه و پیشرفت‌هایش از خود ظاهر ساخته‌اند. ملاحظه فرمائید چنین همکاری و چنین همبستگی و پیوستگی و توافق و اتحاد و اتفاقی که در میان دوائر تشکیلات بهائی موجود، و سبب تقویت حیات پوینده بنیان هر جامعه فعال بهائی است، چقدر با تمایلات مخرب و غم‌انگیز عناصر متخاصم و مخالف جامعه کنونی جهان تفاوت و تضاد دارد. ولیکن هر امتحان و بلیاتی که بنا به حکمت‌های بالغه الهیه نصیب جامعه برگزیده‌اش می‌گردد نتیجه‌اش جز این نیست که بار دیگر وحدت و همبستگی افراد جامعه بهائی را مشهوداً به اثبات رساند و قوت و قدرت باطنیش را شدتی بیشتر بخشد اما بر عکس هر وقت بحرانی تازه در این عصر فاسد رو به زوال پدید آید بیش از پیش

^۱ - اشاره به قراردادی است که محفل ملی برای اتمام مشرق‌الاذکار به امضاء رسانده است.

	each of the successive crises in the fortunes of a decadent age exposes more convincingly than the one preceding it the corrosive influences that are fast sapping the vitality and undermining the basis of its declining institutions.	پوسیدگی و تأثیرات مخربش را در بنیان مؤسّسات منحلّ جامعه کنونی انسانی ظاهر و مبرهن می‌سازد.
3	For such demonstrations of the interpositions of an ever-watchful Providence they who stand identified with the Community of the Most Great Name must feel eternally grateful. From every fresh token of His unfailing blessing on the one hand, and of His visitation on the other, they cannot but derive immense hope and courage. Alert to seize every opportunity which the revolutions of the wheel of destiny within their Faith offers them, and undismayed by the prospect of spasmodic convulsions that must sooner or later fatally affect those who have refused to embrace its light, they, and those who will labor after them, must press forward until the processes now set in motion will have each spent its force and contributed its share towards the birth of the Order now stirring in the womb of a travailing age.	لهذا پیروان اسم اعظم شاکر و سپاسگزارند که حامی و حارسشان دست قدرت پروردگار است، و هر زمان که بدرقهٔ جدید عنایتش برسد، یا آنکه بلائی آسمانی نصیب اهل بهاء گردد، در هر دو حال قلوبشان از جام امید سرشار و از جرأت و شجاعت آکنده شود و با عزمی جزم، از یک طرف هر فرصتی را که گردش چرخ تقدیر در داخل امرالله درمقابلشان نهاد مغتنم شمارند، و از طرف دیگر از تشنّجات دردناک دنیای خارج که دیر یا زود نصیب کسانی که خود را از نور حقیقت محروم کرده‌اند گردد و به هلاکشان کشاند، هرگز مضطرب و هراسان نگردند بلکه خود و نفوس مؤمنه‌ای که بعد از ایشان بر خدمت امرالله قیام خواهند کرد باید همچنان سمنند همّت بدوانند تا زمانی فرا رسد که جریان وقایع کنونی عالم نیرو و توانش فرو نشیند و هر یک از آن وقایع و حوادث سهم خود را در تولّد نظم بدیعی که جنین‌اش حال در رَحِم عصری پرآشوب و مبتلا به دردِ زایمان به جنبش افتاده است، ایفاء نماید.
4	These recurrent crises which, with ominous frequency and resistless force, are afflicting an ever-increasing portion of the human race must of necessity continue, however impermanently, to exercise, in a certain measure, their baleful influence upon a world community which has spread its ramifications to the uttermost ends of the earth. How can the beginnings of a world upheaval, unleashing forces that are so gravely deranging the social, the religious, the political, and the economic equilibrium of organized society, throwing into chaos and confusion political systems, racial doctrines, social conceptions, cultural standards, religious associations, and trade relationships—how can such agitations, on a scale so vast, so unprecedented, fail to produce any repercussions on the institutions of a Faith of such tender age whose teachings have a direct and vital bearing on each of these spheres of human life and conduct?	این بحران‌های مکرّر و متواتر که در فواصلی ناهنجار و با نیروی مقاومت‌ناپذیر هر روز تعداد بیشتری از افراد بشر را فرا می‌گیرد هرچند موقت است ناچار، چنانکه امروز نفوذ محنت‌بار شومش در سراسر عالم گسترش یافته آن قدر ادامه خواهد یافت تا آنکه تأثیراتش را در جامعه انسانی تا حدّی معین بر جای گذارد. چگونه شروع اضطرابات جهان کنونی که نیروهای عنان گسیخته‌اش توازن اجتماعی و مذهبی و سیاسی و اقتصادی جامعه منظم بشری را برهم زده و نظام‌های سیاسی و مبادی نژادی و مفاهیم اجتماعی و معیارهای فرهنگی و پیوندهای مذهبی و روابط تجاریش را مشوّش ساخته و به هرج و مرج انداخته، چگونه می‌توان گفت که این همه آشفتگی و آشوب با این مقیاس وسیع و بی‌سابقه در مؤسّسات امر نوزاد الهی که تعالیمش تمام جوانب و فعالیت و رفتار مردم جهان را در بر می‌گیرد تأثیر و نفوذی نداشته باشد؟
5	Little wonder, therefore, if they who are holding aloft the banner of so pervasive a Faith, so challenging a Cause, find themselves affected by the impact of these world-shaking forces. Little	پس تعجب نباید کرد اگر فشار قوای خانه‌برانداز کنونی در نفوسی که پرچم این آئین جامع فراگیر این امر مبارک عظیم را بلند افراشته‌اند تأثیر کرده باشد. تعجب نباید کرد که اهل

	wonder if they find that in the midst of this whirlpool of contending passions their freedom has been curtailed, their tenets contemned, their institutions assaulted, their motives maligned, their authority jeopardized, their claim rejected.	بهاء ملاحظه نمایند که در بحبوحه این گرداب هائل آزادیشان محدود و تعالیشان تحقیر و مطرود گردد و بر مؤسسات و تشکیلاتشان حمله شود و نیات و مقاصدشان در معرض تهمت و افتراء درآید و حقوق و اختیاراتشان به مخاطره افتد و دعاویشان مردود گردد
6	In the heart of the European continent a community which, as predicted by ‘Abdu’l-Bahá, is destined, by virtue of its spiritual potentialities and geographical situation, to radiate the splendor of the light of the Faith on the countries that surround it, has been momentarily eclipsed through the restrictions which a regime that has sorely misapprehended its purpose and function has chosen to impose upon it. Its voice, alas, is now silenced, its institutions dissolved, its literature banned, its archives confiscated, and its meetings suspended.	در قلب قاره اروپا کشوری ^۲ است که به فرموده حضرت عبدالبهاء بنا بر استعداد روحانی و موقعیت جغرافیایش مقدّر است که انوار درخشان امر الهی را به ممالک مجاوره بتاباند. این کشور در این زمان بر اثر سوء تفاهم شدیدی که رژیم حاکمش نسبت به مقاصد و فعالیت‌های امرالله یافته است موانعی را بر جامعه بهائی تحمیل نموده که آنرا موقتاً به خسوف مبتلاء ساخته است چنانکه حال موقتاً ندایش خاموش و مؤسساتش منحل و مطبوعاتش ممنوع و سوابق اداریش ضبط و جلساتش تعطیل گشته است.
7	In central Asia, in the city enjoying the unique distinction of having been chosen by ‘Abdu’l-Bahá as the home of the first Mashriqu’l-Adhkar of the Bahá’í world, as well as in the towns and villages of the province to which it belongs, the sore-pressed Faith of Bahá’u’lláh, as a result of the extraordinary and unique vitality which, in the course of several decades, it has consistently manifested, finds itself at the mercy of forces which, alarmed at its rising power, are now bent on reducing it to utter impotence. Its Temple, though still used for purposes of Bahá’í worship, has been expropriated, its Assemblies and committees disbanded, its teaching activities crippled, its chief promoters deported, and not a few of its most enthusiastic supporters, both men and women, imprisoned.	در آسیای مرکزی در شهری که به این شرف و افتخار ممتاز گشته است که حضرت عبدالبهاء آنرا مقرّ اولین مشرق‌الاذکار جهان برگزیده‌اند و همچنین شهرها و قراء و قصبات دیگر آن ولایت که امر مظلوم حضرت بهاءالله در نتیجه نشاط و اقدامات فوق‌العاده‌ای که در چندین ده سال گذشته از خود ظاهر ساخته حال در پنجه حکومتی گرفتار گشته که از نفوذ و اشراق انوارش بیمناک شده و در صدد است امر الهی را در آن صفحات به کلی ناتوان و معطل سازد و هر چند هنوز باب مشرق‌الاذکار ^۳ برای عبادت بهائیان باز است اما ملکش مصادره شده و محافل روحانیه و لجناتش ممنوع و تبلیغ و ترویجش متوقف و مروّجین سرشناسش به اخراج از کشور محکوم و بسیاری از پیروان ثابت‌قدمش از زن و مرد زندانی و مسجون گشته‌اند.
8	In the land of its birth, wherein reside the immense majority of its followers—a country whose capital has been hailed by Bahá’u’lláh as the “ <i>mother of the world</i> ” and the “ <i>dayspring of the joy of mankind</i> ”—a civil authority, as yet undivorced officially from the paralyzing influences of an antiquated, a fanatical, and outrageously corrupt clergy, pursues relentlessly its campaign of repression against the adherents of a Faith which it has for well-nigh a century striven unsuccessfully to suppress. Indifferent to the truth that the members of this innocent and proscribed community can justly claim to rank as among the most disinterested, the most competent, and the most ardent lovers of their native land, contemptuous of their	در مهد امرالله که در آن اکثر بهائیان ساکنند و پایتختش از قلم اعلی به «ام‌العالم» ملقب و به «مطلع فرح‌العالمین» مخاطب گشته حکومتش که هنوز راسماً از سیطره فلج‌کننده علمای متعصب و مرتجع و بسیار فاسد مذهبی بیرون نیامده حال با کمال شدت به سر کوبی بهائیان یعنی پیروان امری مشغول است که یکصد سال است کوشیده ولی نتوانسته است قلع و قمعش نماید. چنین حکومتی از این حقیقت چشم بر بسته است که پیروان این امر محروم و مظلوم به حق در زمره منصف‌ترین و لایق‌ترین مردم آن کشورند که به وطن خویش عشق می‌ورزند، اما چون عالم را نیز یک وطن می‌شمارند چنان حکومتی که طرفدار ملیت‌پرستی مفرط و محدود است هرگز قدر این مفهوم را نمی‌داند و از این روی

^۲ کشور آلمان

^۳ منظور مشرق‌الاذکار عشق آباد است

	<p>high sense of world citizenship which the advocates of an excessive and narrow nationalism can never hope to appreciate, such an authority refuses to grant to a Faith which extends its spiritual jurisdiction over well-nigh six hundred local communities, and which numerically outnumbers the adherents of either the Christian, the Jewish, or the Zoroastrian Faiths in that land, the necessary legal right to enforce its laws, to administer its affairs, to conduct its schools, to celebrate its festivals, to circulate its literature, to solemnize its rites, to erect its edifices, and to safeguard its endowments.</p>	<p>بهائیان را که دامنه نفوذ روحانیشان در ایران به بیش از ششصد جامعه محلی بسط یافته و تعدادشان بسیار بیشتر از یهودیان و مسیحیان و زردشتیان آن کشور است از اعطاء حقوق قضائی و تنفیذ قوانین دینشان و اداره امورشان و برگزاری اعیادشان و نشر مطبوعاتشان و اجراء شعائرشان و ارتفاع ابنیه مخصوصه و اداره مدارس و حفظ موقوفاتشان بکلی منع کرده است.</p>
9	<p>And now recently in the Holy Land itself, the heart and nerve-center of a world-embracing Faith, the fires of racial animosity, of fratricidal strife, of unabashed terrorism, have lit a conflagration that gravely interferes, on the one hand, with that flow of pilgrims that constitutes the lifeblood of that center, and suspends, on the other, the various projects that had been initiated in connection with the preservation and extension of the areas surrounding the sacred Spots it enshrines. The safety of the small community of resident believers, faced by the rising tide of lawlessness, has been imperiled, its status as a neutral and distinct community indirectly challenged, and its freedom to carry out certain of its observances curtailed. A series of murderous assaults, alternating with outbursts of bitter fanaticism, both racial and religious, involving the leaders as well as the followers of the three leading Faiths in that distracted country, have, at times, threatened to sever all normal communications both within its confines as well as with the outside world. Perilous though the situation has been, the Bahá'í Holy Places, the object of the adoration of a world-encircling Faith, have, notwithstanding their number and exposed position, and though to outward seeming deprived of any means of protection, been vouchsafed a preservation little short of miraculous.</p>	<p>و نیز در این ایام در ارض اقدس که قلب و مرکز اعصاب آئین جهان‌آرای بهائی است شعله خصومت‌های نژادی و برادرکشی و تروریسم شدیداً زبانه کشیده و چنان آتشی افروخته است که هم زیارت زائران بهائی را که بمنزله دَوْران خون در مرکز جهانی است متوقف ساخته و هم در اجرای طرح‌هایی که برای حفظ و اتساع مناطق حول و حوش اماکن مقدسه آغاز شده وقفه‌ای ایجاد نموده است. امنیت جمع قلیل بهائیان محلی که مواجه با امواج روزافزون آشوب و طغیانند به خطر افتاده مقامشان به عنوان جامعه‌ای بی‌طرف و شاخص از نظر دور شده و آزادیشان در انعقاد بعضی از احتفالاتشان محدود گشته است. تواتر قتل‌های دوجانبه ناشی از تعصبات نژادی و دینی که دامن روساء و نیز پیروان سه دین عمده این کشور آشوب‌زده را فراگرفته چنان است که قطع ارتباطات عادی را در داخل و خارج کشور تهدید می‌کند. با وجود وخامت اوضاع در این کشور اماکن مقدسه بهائی مقصد و مرکز توجه بهائیان جهان و با وجود تعدادشان و عدم حراست ظاهریشان بنحوی معجزه‌آسا محفوظ و مصون مانده است.</p>
10	<p>A world, torn with conflicting passions, and perilously disintegrating from within, finds itself confronted, at so crucial an epoch in its history, by the rising fortunes of an infant Faith, a Faith that, at times, seems to be drawn into its controversies, entangled by its conflicts, eclipsed by its gathering shadows, and overpowered by the mounting tide of its passions. In its very heart, within its cradle, at the seat of its first and venerable Temple, in one of its hitherto flourishing and potentially powerful centers, the as-yet unemancipated Faith of Bahá'u'lláh seems indeed to have retreated before the onrushing forces of</p>	<p>جهانی که امروز دچار هیجان‌ها و کشمکش‌های متضاد گشته و از داخل به صورت خطرناکی در شرف تجزیه و فرو ریختن است در چنین مرحله بحرانی تاریخش با آئین نوزادی مواجه گشته است. آئینی که گاه به نظر می‌رسد که در گیر و دار مجادلات و مناقشات این جهان گرفتار گشته و در کشاکش مخاصماتش افتاده و در سایه‌های تاریکش از جلوه‌اش کاسته و در تلاطم امواج اختلافاتش غوطه‌ور شده است. مثلاً در قلب و مرکز جهانی و در مهد امرالله و در مقر اولین معبد عظیم الشان بهائی و در یکی از</p>

	<p>violence and disorder to which humanity is steadily falling a victim. The strongholds of such a Faith, one by one and day after day, are to outward seeming being successively isolated, assaulted and captured. As the lights of liberty flicker and go out, as the din of discord grows louder and louder every day, as the fires of fanaticism flame with increasing fierceness in the breasts of men, as the chill of irreligion creeps relentlessly over the soul of mankind, the limbs and organs that constitute the body of the Faith of Bahá'u'lláh appear, in varying measure, to have become afflicted with the crippling influences that now hold in their grip the whole of the civilized world.</p>	<p>پر رونق‌ترین جوامعش که بالقوه بسیار نیرومند می‌توانست باشد در همه اینها در مقابل هجوم قوای شدید متخاصم که بشریت را مرتباً قربانی خود ساخته به نظر می‌رسد که آئین حضرت بهاء‌الله که هنوز از پنجه ظلم و ستم رهایی نیافته به عقب رانده شده است و به گمان چنین می‌رسد که هر روز قِلاع مستحکم چنین آئین متینی یکی پس از دیگری محاصره شده و به تصرف قوای مهاجم درآمده است و چون نور آزادی فرو نشیند و خاموش شود و غوغای مخاصمات هر روز بلندتر گردد و آتش تعصب با شدتی بیشتر در سینه مردمان شعله زند و یخ‌بندان لامذهبی سخت روح مردمان را منجمد سازد، به نظر می‌رسد که تمام اینها تا حد معینی در اعضاء و جوارح هیکل امرالله نیز تأثیر کرده و نفوذ خانه‌براندازش که تمام جهان متمدن را قبضه کرده در جامعه بهائی نیز مشهود افتاده است.</p>
11	<p>How clearly and strikingly the following words of 'Abdu'l-Bahá are being demonstrated at this hour: <i>"The darkness of error that has enveloped the East and the West is, in this most great cycle, battling with the light of Divine Guidance. Its swords and its spears are very sharp and pointed; its army keenly bloodthirsty."</i> "This day," He, in another passage has written, <i>"the powers of all the leaders of religion are directed towards the dispersion of the congregation of the All-Merciful, and the shattering of the Divine Edifice. The hosts of the world, whether material, cultural or political are from every side launching their assault, for the Cause is great, very great. Its greatness is, in this day, clear and manifest to men's eyes."</i></p>	<p>اما این بیان مؤثر حضرت عبدالهءا چقدر به وضوح نمایانگر این ایام است که می‌فرماید: «ظلمت ضلالت است که شرق و غرب را احاطه نموده است و با نور هدایت در این کور عظمت در جنگ و ستیز است و سهم و سنانش بسی تند و تیز و لشگرش بسیار خونریز.» و در مقام دیگر می‌فرماید: «الیوم قوای رؤسای ادیان باجمعهم متوجه تشیت انجمن رحمان و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظمت و عظمت امر در انظار واضح و لائح.»</p>
12	<p>The one chief remaining citadel, the mighty arm which still raises aloft the standard of an unconquerable Faith, is none other than the blessed community of the followers of the Most Great Name in the North American continent. By its works, and through the unfailing protection vouchsafed to it by an almighty Providence, this distinguished member of the body of the constantly interacting Bahá'í communities of East and West, bids fair to be universally regarded as the cradle, as well as the stronghold, of that future New World Order, which is at once the promise and the glory of the Dispensation associated with the name of Bahá'u'lláh.</p>	<p>حصن حصین مهمی که باقی مانده و بازوی توانائی که پرچم امر شکست‌ناپذیر الهی را برافراشته، همانا جامعه پیروان اسم اعظم در قاره امریکای شمالی است. اعضاء برازنده آن جامعه که با اقدامات خویش، و با حفظ و حراست حضرت احدیت، عضوی ممتاز در هیکل جوامع مرتبطه بهائی در شرق و غرب عالم است، بحق در خور آنند که کشورشان مهد نظم جدید جهانی و نیز حصن حصین آن نظم بشمار آید؛ نظمی که هم موعود و هم مظهر جلال و عظمت دور حضرت بهاء‌الله است.</p>
13	<p>Let anyone inclined to either belittle the unique station conferred upon this community, or to question the role it will be called upon to play in the days to come, ponder the implication of these pregnant and highly illuminating words uttered by 'Abdu'l-Bahá, and addressed to it at a time when the fortunes of a world groaning beneath the burden of a devastating war had</p>	<p>هر کس که بخواهد مقام بلند یکتائی را که به جامعه بهائی امریکا اعطاء گشته کم بشمرد، یا در نقش مهمی که در آینده ایام ایفا خواهد کرد شک و تردید نماید، خوب است در این کلمات بارور و روشنگر حضرت عبدالهءا تأمل نماید که در وقتی که ناله جهان زیر بار سنگین جنگی مهلک به عنان آسمان رسیده بود، خطاب به آن جامعه بیان فرموده</p>

	reached their lowest ebb. <i>“The continent of America,”</i> He so significantly wrote, <i>“is, in the eyes of the one true God, the land wherein the splendors of His light shall be revealed, where the mysteries of His Faith shall be unveiled, where the righteous will abide, and the free assemble.”</i>	است: «قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشورِ ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.»
14	Already, the community of the believers of the North American continent—at once the prime mover and pattern of the future communities which the Faith of Bahá'u'lláh is destined to raise up throughout the length and breadth of the Western Hemisphere—has, despite the prevailing gloom, shown its capacity to be recognized as the torchbearer of that light, the repository of those mysteries, the exponent of that righteousness and the sanctuary of that freedom. To what other light can these above-quoted words possibly allude, if not to the light of the glory of the Golden Age of the Faith of Bahá'u'lláh? What mysteries could 'Abdu'l-Bahá have contemplated except the mysteries of that embryonic World Order now evolving within the matrix of His Administration? What righteousness if not the righteousness whose reign that Age and that Order can alone establish? What freedom but the freedom which the proclamation of His sovereignty in the fullness of time must bestow?	جامعه بهائی امریکای شمالی که هم محرک اصلی و هم نمونه و الگوی جامعه‌های آینده است که باید در سراسر نیمکره غربی در ظلّ امر حضرت بهاءالله بوجود آید، اینک، با وجود ظلمتی که همه جا را فرا گرفته است استعداد و قابلیت خود را نشان داده و ثابت کرده است که مشعلدار انوار است و مخزن اسرار و «کشور اسرار» و حصن حصین آزادگان و «احرار». اگر آن کلمات مبارکه که مذکور شد به عصر ذهبی آئین حضرت بهاءالله دلالت نداشته باشد دیگر به چه چیز اشارت دارد؟ اگر بیان «ظهور اسرار» مربوط به اسرار مستوره در جنین نظم جهانی نباشد که حال در رحم تشکیلات اداری بهائی پرورش می‌یابد دیگر به چه امری دلالت دارد؟ اگر مقصود از کشور ابرار کمالات حاکم بر عصر ذهبی در ظلّ نظم بهائی نباشد دیگر چه معنائی از آن می‌توان دریافت؟ اگر از ذکر حرّیت و آزادی مقصود آزادی حقیقی نباشد که در ظلّ سلطنت الهی در زمان مقررّ مقدرّ به وجود آید دیگر به چه امری اطلاق تواند شد؟
15	The community of the organized promoters of the Faith of Bahá'u'lláh in the American continent—the spiritual descendants of the dawn-breakers of an heroic Age, who by their death proclaimed the birth of that Faith—must, in turn, usher in, not by their death but through living sacrifice, that promised World Order, the shell ordained to enshrine that priceless jewel, the world civilization, of which the Faith itself is the sole begetter. While its sister communities are bending beneath the tempestuous winds that beat upon them from every side, this community, preserved by the immutable decrees of the omnipotent Ordainer and deriving continual sustenance from the mandate with which the Tablets of the Divine Plan have invested it, is now busily engaged in laying the foundations and in fostering the growth of those institutions which are to herald the approach of the Age destined to witness the birth and rise of the World Order of Bahá'u'lláh.	جامعه مروجان متشکل امر حضرت بهاءالله در قاره امریکا یعنی اخلاف و اعقاب روحانی مطالع انوار در عصر رسولی که با نثار جان ظهور امر یزدان را تثبیت و اعلان نمودند نیز باید به نوبه خود نظم موعود جهانی را نه از راه شهادت بلکه با فداکاری‌های شهیدانی زنده در عالم امکان اعلان نمایند. نظمی که یگانه موجد و آفریننده‌اش امر الهی است و به منزله صدفی است که گوهر گرانبهای مدنیت جهانی را در آغوش خویش پرورش می‌دهد. در زمانی که دیگر جامعه‌های بهائی عالم از جمیع جهات به هجوم تندبادهای شدید مبتلا گشته جامعه بهائی امریکا که به حکم تقدیر حی قدیر محفوظ و مصون مانده و از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء جان و توان یافته است حال مشغول پی نهادن مؤسّساتی است که بشیر و طلیعه عصری خواهد بود که شاهد تولّد و ارتفاع نظم جهانی حضرت بهاءالله در بسیط جهان است.
16	A community, relatively negligible in its numerical strength; separated by vast distances from both the focal-center of its Faith and the land wherein the preponderating mass of its fellow-believers reside; bereft in the main of material resources and lacking in experience and in prominence; ignorant of the	جامعه امریکا که هم از حیث تعداد افراد نسبتاً قلیل و هم از مرکز و قلب امر الهی و هم از مهد امرالله موطن اکثریت قاطع هم کیشانشان بسیار دور است و از منابع لازم مادی محروم و از تجربه و اشتها بی‌بهره و از ایمان و عقاید و شیم وعادات نفوسی که امرالله

	<p>beliefs, concepts and habits of those peoples and races from which its spiritual Founders have sprung; wholly unfamiliar with the languages in which its sacred Books were originally revealed; constrained to place its sole reliance upon an inadequate rendering of only a fragmentary portion of the literature embodying its laws, its tenets, and its history; subjected from its infancy to tests of extreme severity, involving, at times, the defection of some of its most prominent members; having to contend, ever since its inception, and in an ever-increasing measure, with the forces of corruption, of moral laxity, and ingrained prejudice—such a community, in less than half a century, and unaided by any of its sister communities, whether in the East or in the West, has, by virtue of the celestial potency with which an all-loving Master has abundantly endowed it, lent an impetus to the onward march of the Cause it has espoused which the combined achievements of its coreligionists in the West have failed to rival.</p>	<p>را به آنان ابلاغ کرده بی‌خبر و از زبان‌های اصلی کتب مقدس خویش بی‌اطلاع و اجباراً بر ترجمه‌های ناقص از معدودی از آیات مشتمل بر احکام و تعالیم و تاریخ متکی، جامعه‌ای که از بدایت صباوتش به امتحانات شدید از جمله به نقض و فتور بعضی از اعضاء متقدمش دچار و از اوان تولدش هر روز با قوای فساد و انحراف اخلاق و تعصبات شدید مواجه و مقابل چنین جامعه‌ای بدون کمترین معاضدت و امداد جامعه‌های دیگر شرق و غرب جهان در کمتر از نیم قرن به امدادات ملکوتی آسمانی که حضرت عبدالبهاء به جوهر محبت به آن تفویض فرموده است موفق شد که چنان محرک پیشرفت و تقدّم امر الهی گردد که تمام جامعه‌های بهائی دیگر مغرب زمین مجموعاً از رقابت و همسریش عاجز و ناتوان مشاهده شوند.</p>
17	<p>What other community, it can confidently be asked, has been instrumental in fixing the pattern, and in imparting the original impulse, to those administrative institutions that constitute the vanguard of the World Order of Bahá'u'lláh? What other community has been capable of demonstrating, with such consistency, the resourcefulness, the discipline, the iron determination, the zeal and perseverance, the devotion and fidelity, so indispensable to the erection and the continued extension of the framework within which those nascent institutions can alone multiply and mature? What other community has proved itself to be fired by so noble a vision, or willing to rise to such heights of self-sacrifice, or ready to achieve so great a measure of solidarity, as to be able to raise, in so short a time and in the course of such crucial years, an edifice that can well deserve to be regarded as the greatest contribution ever made by the West to the Cause of Bahá'u'lláh? What other community can justifiably lay claim to have succeeded, through the unsupported efforts of one of its humble members, in securing the spontaneous allegiance of Royalty to its Cause, and in winning such marvelous and written testimonies to its truth? What other community has shown the foresight, the organizing ability, the enthusiastic eagerness, that have been responsible for the establishment and multiplication, throughout its territory, of those initial schools which, as time goes by, will, on the one hand, evolve into powerful centers of Bahá'í learning, and, on the other, provide a fertile recruiting ground for the</p>	<p>کدام جامعه دیگری را می‌توان یافت که طرح مؤسسات اداری امرالله یعنی پیشاهنگ نظم جهانی حضرت بهاءالله را ارائه داده و نبضش را به طپش آورده باشد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که به انسجام و پایداری کامل بتواند چنان لیاقت و انضباط و عزم جزم و همت و استقامت و وفاداری و جانفشانی را از خود ظاهر سازد که کلّ از ضروریات بنا و توسعه دائمی بنیانی است که در آن مؤسسات نوزاد امرالله باید نشو و نما و رشد نماید؟ کدام جامعه توانسته است اثبات نماید که بر چنان بینش روشن و به چنان ادراک بلندی از فداکاری و اتحاد و اتفاق رسیده باشد تا بتواند در سال‌های بحرانی کنونی در مدت کوتاهی بنای شامخی را مرتفع سازد که به حقّ بزرگترین هدیه‌ای است که جهان غرب تا به حال به امر حضرت بهاءالله تقدیم کرده است؟ کدام جامعه ای را می‌توان یافت که حقّاً بتواند ادّعا نماید که با مساعی جمیله فقط یکی از افراد منقطع فروتنش بی‌ظہیر و معین بتواند یکی از افراد خاندان سلطنت را در ظلّ امرالله درآورد و او را به نوشتن بیانی‌های در شهادت بر حقانیت امرالله برانگیزد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که با پیش‌بینی و قابلیت و شور و شوق مدارس را در سراسر کشور خویش تأسیس کرده باشد که در آینده ایام به مراکز فعال و سودمند آموزشی بهائی تبدیل گشته زمین حاصلخیزی را برای مهیا ساختن مبلغین و مربیانی جدید جهت تقویت نیروهای تبلیغی بوجود آورد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که توانسته باشد مهاجرینی را با کمالات لازمه و ملکات فاضله از قبیل شجاعت و انقطاع و استقامت و انجذاب و از خودگذشتگی برانگیزد که ترک</p>

enrichment and consolidation of its teaching force? What other community has produced pioneers combining to such a degree the essential qualities of audacity, of consecration, of tenacity, of self-renunciation, and unstinted devotion, that have prompted them to abandon their homes, and forsake their all, and scatter over the surface of the globe, and hoist in its uttermost corners the triumphant banner of Bahá'u'lláh? Who else but the members of this community have won the eternal distinction of being the first to raise the call of *Yá Bahá'u'l-Abhá* in such highly important and widely scattered centers and territories as the hearts of both the British and French empires, Germany, the Far East, the Balkan States, the Scandinavian countries, Latin America, the Islands of the Pacific, South Africa, Australia and New Zealand, and now more recently the Baltic States? Who else but those same pioneers have shown themselves ready to undertake the labor, to exercise the patience, and to provide the funds, required for the translation and publication, in no less than forty languages, of their sacred literature, the dissemination of which is an essential prerequisite to any effectively organized campaign of teaching? What other community can lay claim to have had a decisive share in the worldwide efforts that have been exerted for the safeguarding and the extension of the immediate surroundings of its holy shrines, as well as for the preliminary acquisition of the future sites of its international institutions at its world center? What other community can to its eternal credit claim to have been the first to frame its national and local constitutions, thereby laying down the fundamental lines of the twin charters designed to regulate the activities, define the functions, and safeguard the rights, of its institutions? What other community can boast of having simultaneously acquired and legally secured the basis of its national endowments, thus paving the way for a similar action on the part of its local communities? What other community has achieved the supreme distinction of having obtained, long before any of its sister communities had envisaged such a possibility, the necessary documents assuring the recognition, by both the federal and state authorities, of its Spiritual Assemblies and national endowments? And finally what other community has had the privilege, and been granted the means, to succor the needy, to plead the cause of the downtrodden, and to intervene so energetically for the safeguarding of Bahá'í edifices and institutions in countries such as Persia, Egypt, 'Irâq, Russia, and Germany, where, at various

خانه و خانمان نمایند و با انقطاع تام در بسیط زمین پراکنده شوند و پرچم حضرت بهاءالله را در اقصی نقاط جهان برافرازند؟ چه کسانی را جز افراد آن جامعه مبارکه می توان یافت که به این امتیاز و فخر عظیم نائل شده باشند که اول بار ندای یا بهاءالابهی را به مراکز و مناطق مهم عالم چون نقاط تحت دو امپراطوری انگلیس و فرانسه، آلمان، خاور دور، ممالک بالکان، کشورهای اسکاندیناوی، امریکای لاتین، جزائر اقیانوسیه، آفریقای جنوبی، استرالیا، نیوزیلند و اخیراً به ممالک بالتیک برسانند و امرالله را در آن مناطق تمکن بخشند؟ چه کسانی را جز همان مهاجران غیور می توان یافت که برای ترجمه و طبع کتاب به چهل زبان از لغات عالم و دیگر آثار مقدسه مبارکه که انتشارش شرط اساسی جمیع خدمات منظم تبلیغی است هر نوع مشقتی را به جان تحمّل نمایند و با تبرّعات کریمانه مالی وسائل انتشارشان را فراهم کنند. کدام جامعه را می توان یافت که در توسعه و حفظ حول و حوش مقامات مقدسه بهائی و ابتیاع اراضی لازم برای تأسیس معاهد بین المللی در مرکز جهانی چنان سهمی عظیمی داشته باشند؟ کدام جامعه را می توان یافت که چنین فخر و شرفی یافته باشد که اولین جامعه ای باشد که اساسنامه محفل ملی و محلی خویش را تدوین کرده و اصول دو منشور لازم را جهت تنظیم خدمات و تعیین اقدامات و حفظ حقوق آن مؤسسات تدوین کرده باشد؟ کدام جامعه ای را می توان یافت که به تأسیس موقوفات ملی و تسجیل رسمی آنها موفق گشته و راه را برای ایجاد موقوفات محلی هموار کرده باشد. کدام جامعه ای را می توان یافت که به این امتیاز ممتاز شده باشد که قبل از آنکه به فکر جامعه های دیگر خطور نماید موفق شده باشد که اسناد شناسائی رسمی محافل روحانی و موقوفاتش را از حکومت فدرال و حکومت های ایالتی به دست آورده باشد؟ بالاخره چه جامعه دیگری را می توان یافت که بر حمایت از نیازمندان و دفاع از ستمدیدگان و بذل مساعی در حفظ ابنیه و مؤسسات بهائی در کشورهای ایران و مصر و عراق و آلمان که بهائیان هر از چندی مورد تضییقات دینی و فشارهای نژادی واقع می شوند توانائی و وسائل لازم را در اختیار داشته باشد؟

	times, its fellow-believers have had to suffer the rigors of both religious and racial persecution?	
18	Such a matchless and brilliant record of service, extending over a period of well-nigh twenty years, and so closely interwoven with the interest and fortunes of such a large section of the worldwide Bahá'í community, deserves to rank as a memorable chapter in the history of the Formative Period of the Faith of Bahá'u'lláh. Reinforced and enriched as it is by the memory of the American believers' earlier achievements, such a record is in itself convincing testimony to their ability to befittingly shoulder the responsibilities which any task may impose upon them in the future. To overrate the significance of these manifold services would be well-nigh impossible. To appraise correctly their value, and dilate on their merits and immediate consequences, is a task which only a future Bahá'í historian can properly discharge. I can only for the present place on record my profound conviction that a community capable of showing forth such deeds, of evincing such a spirit, of rising to such heights, cannot but be already possessed of such potentialities as will enable it to vindicate, in the fullness of time, its right to be acclaimed as the chief creator and champion of the World Order of Bahá'u'lláh.	چنین کارنامه بی نظیر و درخشانی که یاران امریکا در خدمات بیست ساله گذشته به هم رسانده‌اند و با مصالح و سرنوشت جمع زیادی از بهائیان عالم به هم آمیخته، شایسته است که خود فصلی درخشان و فراموش ناشدنی در تاریخ عصر تکوین به شمار آید. این سوابق که مزید بر موفقیتهای گذشته گشته خود شاهد صادقی است بر اینکه یاران امریکا استعداد و لیاقت آن را دارند که بتوانند مسئولیت‌هایی را که در آینده بر دوششان نهاده خواهد شد چنانکه باید و شاید ایفاء نمایند و محال است اهمیت این همه خدمات متنوع را نادیده گرفت یا ارزش روزافزون نتایج حاصله‌اش را به درستی تخمین زد و این کار فقط از عهده مورّخین آینده بهائی ساخته است اما آنچه حال در این اوراق نگاشته می‌شود بیان ثقه و اطمینان است در اینکه جامعه‌ای که قادر باشد چنان خدماتی و چنان روحی را از خود ظاهر و نمایان سازد و به چنین مقام بلندی برسد البته استعداد آن را دارد که در آینده در وقت مقرر ثابت نماید که حقاً مهم‌ترین سازنده و قهرمان نظم جهانی حضرت بهاء الله محسوب گردد.
19	Magnificent as has been this record, reminiscent as it is, in some of its aspects, of the exploits with which the dawn-breakers of an heroic Age have proclaimed the birth of the Faith itself, the task associated with the name of this privileged community is, far from approaching its climax, only beginning to unfold. What the American believers have, within the space of almost fifty years, achieved is infinitesimal when compared to the magnitude of the tasks ahead of them. The rumblings of that catastrophic upheaval, which is to proclaim, at one and the same time, the death-pangs of the old order and the birth-pangs of the new, indicate both the steady approach, as well as the awe-inspiring character, of those tasks.	این خدمات عالیّه از بعضی از جهات یادآور جانفشانی‌های عظیم مطالع انوار در عصر رسولی است که سبب اعلان و ارتقاع ندای امرالله گردید اما هنوز بسیار مانده است که تا مسئولیت‌هایی که مختصّ جامعه ممتاز بهائی امریکا است به اوج خود برسد و آنچه امروز هست فقط آغاز ایفای آنها است. موفقیتی که یاران امریکا به مدت پنجاه سال به‌دست آورده‌اند نسبت به عظمت خدمات و اقداماتی که در پیش دارند بسیار ناچیز است. امروز غرّش رعدآسای آشوب‌های خانمان‌برانداز که همه جا را فرا گرفته در عین حال هم منادی سكرات موت نظمی کهنه و فرسوده، و هم درد زایمان نظمی جدید است و نشان می‌دهد که وقایع جسیم آینده به چه سرعتی در شرف تکوین است و ماهیت خدماتی که بر عهده یاران امریکا است به چه مقدار حیرت‌انگیز است.
20	The virtual establishment of the Administrative Order of their Faith, the erection of its framework, the fashioning of its instruments, and the consolidation of its subsidiary institutions, was the first task committed to their charge, as an organized community called into being by the Will, and under the instructions, of 'Abdu'l-Bahá. Of this initial task they have acquitted themselves with marvelous promptitude, fidelity, and	استقرار بالقوه نظم اداری بهائی و طرح قالبش و تکوین ابزار و وسائلش و تحکیم مؤسّسات تابعه‌اش اولین وظیفه‌ای بود که طبق الواح وصایا و به امر حضرت عبدالهء بر ذمه یاران امریکا قرار گرفت که آن را با سرعت عمل و وفاداری و قدرت حیرت‌انگیزی به مرحله عمل رسانیدند و چون دوائر و شعب متنوع لازم نظم اداری را فراهم آوردند، بلافاصله با همان حرارت و شور و انجذاب قیام بر اجراء خدمت مشکل و مهم دیگری

	<p>vigor. No sooner had they created and correlated the various and necessary agencies for the efficient conduct of any policy they might subsequently wish to initiate, than they addressed themselves, with equal zest and consecration, to the next more arduous task of erecting the superstructure of an edifice the cornerstone of which 'Abdu'l-Bahá Himself had laid. And when that feat was achieved, this community, alive to the passionate pleas, exhortations, and promises recorded in the Tablets of the Divine Plan, resolved to undertake yet another task, which in its scope and spiritual potentialities is sure to outshine any of the works they have already accomplished. Launching with unquenchable enthusiasm and dauntless courage the Seven Year Plan, as the first and practical step towards the fulfillment of the mission prescribed in those epoch-making Tablets, they entered, with a spirit of renewed consecration, upon their dual task, the consummation of which, it is hoped, will synchronize with the celebration of the centenary of the birth of the Faith of Bahá'u'lláh. Well aware that every advance made in the external ornamentation of their majestic edifice would directly react on the progress of the teaching campaign initiated by them in both the northern and southern American continents, and realizing that every victory gained in the teaching field would, in its turn, facilitate the work, and hasten the completion, of their Temple, they are now pressing on, with courage and faith, in their efforts to discharge, in both of its phases, their obligations under the Plan they have dedicated themselves to execute.</p>	<p>نمودند. آن بنای نمای خارجی بنای شامخی بود که حجر زاویه‌اش را نفس مقدس حضرت عبدالبهاء به دست مبارک خویش در بنیاد آن بنیان رفیع قرار داد و پس از اجراء آن وظیفه مهم، جامعه امریکا در اطاعت از هدایات و نصایح و بشارات نازله در الواح نقشه ملکوتی، مصمم بر اجراء وظیفه دیگری گشتند که از حیث وسعت و شدت قوای روحانیش یقیناً جمیع توفیقات پیشین را تحت الشعاع قرار خواهد داد یعنی نقشه هفت‌ساله را که اولین قدم عملی در سبیل تنفیذ و تحقق رسالتی است که آن الواح مقدسه ملکوتی تاریخ‌آفرین بر ایشان مقرر ساخته طرح کرده، با روحی جدید و عزمی شدید بر اجرائش چون دو وظیفه دیگرشان قیام نمودند و امید است که خاتمه نقشه هفت‌ساله با جشن‌های قرن ولادت امر مقدس حضرت بهاء‌الله مقارن گردد. جامعه بهائی امریکا به خوبی واقف و آگاه است که اتمام تزئینات خارجی مشرق الاذکار در ترقی و تقدم مجهودات تبلیغشان در امریکای شمالی و جنوبی تأثیر مستقیم می‌گذارد و نیز می‌دانند که هر فتح و ظفیری که در میدان تبلیغ حاصل شود به نوبه خود سبب تسریع عملیات اتمام مشرق الاذکار خواهد شد لهذا با ایمان و شجاعت و اطمینان اجراء و ظائفشان را در ظل نقشه وجهه همّت خویش قرار داده در تنفیذش به دل و جان کوشا هستند.</p>
21	<p>Let them not, however, imagine that the carrying out of the Seven Year Plan, coinciding as it does with the termination of the first century of the Bahá'í era, signifies either the termination of, or even an interruption in, the work which the unerring Hand of the Almighty is directing them to perform. The opening of the second century of the Bahá'í era must needs disclose greater vistas, usher in further stages, and witness the initiation of plans more far-reaching than any as yet conceived. The Plan on which is now focused the attention, the aspirations, and the resources of the entire community of the American believers should be viewed as a mere beginning, as a trial of strength, a stepping-stone to a crusade of still greater magnitude, if the duties and responsibilities with which the</p>	<p>اما هرگز نباید تصور نمایند که وظائفی را که ید قدرت پروردگار بر دوشان نهاده با اجراء نقشه هفت‌ساله که با خاتمه اولین قرن مقارن است پایان پذیرد زیرا آغاز قرن دوم بهائی باید چشم‌انداز بزرگتری و صحنه‌های دیگری را در پیش نظر مجسم سازد و شاهد شروع نقشه‌های دیگری باشد که به مراتب از آنچه تا به حال داشته‌اند مؤثرتر و وسیع‌تر است و اگر قرار باشد وظائف و مسئولیت‌هایی که طراح نقشه ملکوتی به آنان واگذار فرموده با افتخار و کمال به مرحله اجراء درآید آن وقت نقشه‌ای را که اینک مطمح نظر و کانون آمال و مرکز منابع همه یاران امریکا است نباید چیزی جز این تصور کرد که فقط نقطه شروع و محک قوت و قدم اول جهاد روحانی عظیمی است که دامنه‌اش بسی گسترده‌تر است.</p>

	Author of the Divine Plan has invested them are to be honorably and entirely fulfilled.	
22	For the consummation of the present Plan can result in no more than the formation of at least one center in each of the Republics of the Western Hemisphere, whereas the duties prescribed in those Tablets call for a wider diffusion, and imply the scattering of a far greater and more representative number of the members of the North American Bahá'í community over the entire surface of the New World. It is the undoubted mission of the American believers, therefore, to carry forward into the second century the glorious work initiated in the closing years of the first. Not until they have played their part in guiding the activities of these isolated and newly fledged centers, and in fostering their capacity to initiate in their turn institutions, both local and national, modeled on their own, can they be satisfied to have adequately discharged their immediate obligations under 'Abdu'l-Bahá's divinely revealed Plan.	<p>زیرا هدف نقشه هفت ساله کنونی چیزی جز این نیست که لااقل در هر یک از جمهوریات نیمکره جنوبی اقلاً یک مرکز بهائی تأسیس شود حال آنکه وظائفی را که نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء تعیین نموده خواهان انتشاری بس وسیع تر و تشّت و مهاجرت عدهای بیشتر از احباء امریکای شمالی در سراسر قاره امریکا است. پس شکی نیست که رسالتشان آن است که پیروزیهای درخشان را که در خاتمه قرن اول بهائی به دست آورده اند در قرن دوم بهائی ادامه دهند. یاران امریکا نمی توانند خود را قانع سازند که چنانکه باید وظائف فوری و حتمی خود را طبق نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء به مرحله اجراء رسانده اند مگر آنکه بکوشند احباء نقاط مهجور و مراکز جدیدالتأسیس را چنان راهنمایی کرده باشند که آن مقبلین نورسیده مستعد گشته و بتوانند مستقلاً به اداره مؤسّسات ملی و محلی خویش پردازند.</p>
23	Nor should it for a moment be supposed that the completion of a task which aims at the multiplication of Bahá'í centers and the provision of the assistance and guidance necessary for the establishment of the Administrative Order of the Bahá'í Faith in the countries of Latin America realizes in its entirety the scheme visualized for them by 'Abdu'l-Bahá. A perusal, however perfunctory, of those Tablets embodying His Plan will instantly reveal a scope for their activities that stretches far beyond the confines of the Western Hemisphere. With their inter-American tasks and responsibilities virtually discharged, their intercontinental mission enters upon its most glorious and decisive phase. " <i>The moment this Divine Message,</i> " 'Abdu'l-Bahá Himself has written, " <i>is carried forward by the American believers from the shores of America and is propagated through the continents of Europe, of Asia, of Africa, and of Australasia, and as far as the islands of the Pacific, this community will find itself securely established upon the throne of an everlasting dominion.</i> "	<p>و نیز نباید آنی تصوّر نمایند که با اتمام نقشه هفت ساله و تحقّق اهدافش یعنی مضاعفه مراکز بهائی و معاضدت لازم برای تأسیس نظم اداری بهائی در کشورهای امریکای لاتین، طرح اعطائی حضرت عبدالبهاء را به تمام و کمال اجراء کرده اند زیرا حتّی مطالعه سطحی نارسائی از الواح نقشه ملکوتیش نمایان می سازد که دایره خدمات مخصوصه شان از مرزهای نیمکره غربی بسی فراتر می رود و اینک که وظائف و مسئولیت شان را عملاً در قاره امریکا ایفاء کرده اند باید به درخشان ترین و مهم ترین مرحله اجرائاتشان قدم گذارند و مصداق این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء گردند که «این نداء الهی چون از خطّه امریک به اروپ و آسیا و آفریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند.»</p>
24	And who knows but that when this colossal task has been accomplished a greater, a still more superb mission, incomparable in its splendor, and foreordained for them by Bahá'u'lláh, may not be thrust upon them? The glories of such a mission are of such dazzling splendor, the circumstances attending it so remote, and the contemporary events with the culmination of which it is so closely knit in such a state of flux,	<p>کسی چه می داند که حتّی پس از انجام چنان وظائف خطیره ای باز چه رسالت بی نظیر دیگری درخشنده تر و اعلی و اعظم از پیش به تقدیر حضرت بهاء الله به یاران امریکا محوّل خواهد شد؟ عظمت و جلال چنان رسالتی چنان درخشنده و تابان است و اوضاع و احوالش چنان دور از دسترس ما است و تار و پود حوادث این عصر که با آن رسالت بهم بافته است چنان متغیّر و متلون که در حال حاضر توصیف مشخصات و ماهیتش برون</p>

	<p>that it would be premature to attempt, at the present time, any accurate delineation of its features. Suffice it to say that out of the turmoil and tribulations of these “latter years” opportunities undreamt of will be born, and circumstances unpredictable created, that will enable, nay impel, the victorious prosecutors of ‘Abdu’l-Bahá’s Plan, to add, through the part they will play in the unrolling of the New World Order, fresh laurels to the crown of their servitude to the threshold of Bahá’u’lláh.</p>	<p>از حیطة تصوّر ما است. همین قدر می توان گفت که در بحبوحهٔ بلایا و هرج و مرج ها و آشوب های «آخر الزّمان»، فرصت های پدیدار و اوضاع و احوالی خلق خواهد شد که آن مجریان پیروزمند نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء را، با سهمی که در استقرار نظم جدید جهانی به عهده خواهند گرفت، قادر بل ناچار خواهد ساخت تا در سبیل عبودیت آستان حضرت بهاء الله تاج و هاج جدیدی بر سر خویش گذارند.</p>
25	<p>Nor should any of the manifold opportunities, of a totally different order, be allowed to pass unnoticed which the evolution of the Faith itself, whether at its world center, or in the North American continent, or even in the most outlying regions of the earth, must create, calling once again upon the American believers to play a part, no less conspicuous than the share they have previously had in their collective contributions to the propagation of the Cause of Bahá’u’lláh. I can only for the moment cite at random certain of these opportunities which stand out preeminently, in any attempt to survey the possibilities of the future: The election of the International House of Justice and its establishment in the Holy Land, the spiritual and administrative center of the Bahá’í world, together with the formation of its auxiliary branches and subsidiary institutions; the gradual erection of the various dependencies of the first Mashriqu’l-Adhkár of the West, and the intricate issues involving the establishment and the extension of the structural basis of Bahá’í community life; the codification and promulgation of the ordinances of the Most Holy Book, necessitating the formation, in certain countries of the East, of properly constituted and officially recognized courts of Bahá’í law; the building of the third Mashriqu’l-Adhkár of the Bahá’í world in the outskirts of the city of Tíhrán, to be followed by the rise of a similar House of Worship in the Holy Land itself; the deliverance of Bahá’í communities from the fetters of religious orthodoxy in such Islamic countries as Persia, ‘Iráq, and Egypt, and the consequent recognition, by the civil authorities in those states, of the independent status and religious character of Bahá’í National and Local Assemblies; the precautionary and defensive measures to be devised, coordinated, and carried out to counteract the full force of the inescapable attacks which the organized efforts of ecclesiastical organizations of various denominations will progressively launch and relentlessly pursue; and, last but not least, the multitudinous issues that must be faced, the obstacles that must be overcome, and the</p>	<p>و نیز نباید از خاطر دور داشت که مجال ها و فرصت های متنوع بدیع دیگری که ناگزیر در سیر تکامل امرالله چه در مرکز جهانی و چه در قاره امریکای شمالی حتی در اقصی نقاط بسیط زمین به دست خواهد آمد باردیگر یاران امریکا را دعوت خواهد کرد که در تبلیغ و اشاعهٔ امر حضرت بهاء الله به خدماتی بیشتر و نمایان تر از آنچه قبلاً مجتمعاً مبذول داشته اند قیام نمایند. در این مقام فقط می توان به بعضی از اهم آن مجال های آینده مبادرت ورزید: [۱] انتخاب بیت العدل اعظم و استقرار مرکز روحانی و اداری و جهانی امرالله در ارض اقدس همراه با ایجاد شعبات و مؤسسات تابعه اش، [۲] تأسیس تدریجی توابع اولین مشرق الاذکار مغرب زمین [۳] و پرداختن به امور معضلهٔ دقیقهٔ مربوط به حیات جامعه بهائی، [۴] تدوین و ترویج احکام و قوانین کتاب مستطاب اقدس که لازمه تشکیل و رسمیت محکمهٔ شرعیّهٔ بهائی در بعضی از کشورهای شرق است، [۵] بنای سومین مشرق الاذکار عالم بهائی در حومهٔ طهران و بعد از آن در ارض اقدس، [۶] استخلاص جامعه بهائی از قید تعصبات دینی در بعضی از ممالک اسلامی مانند ایران و عراق و مصر، [۷] سپس شناسائی رسمی محافل محلّی و ملّی از طرف اولیاء امور آن ممالک به عنوان مؤسسات دینی مستقل، [۸] تمهید اقدامات و موازین لازم احتیاطی و هماهنگ برای دفاع از حملات و تعرّضات حتمی و متشکلی که دستگاه روحانیون از مذاهب مختلفه با شدتی روزافزون برضد امرالله شروع و بی رحمانه ادامه خواهند داد. [۹] مهمّتر از همه آن که یاران امریکا در آینده با امور بی شماری مواجه گردند که باید با آنها مقابله نمایند تا امر مبارک مراحل باقیه را طی نماید. «دورهٔ مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نمای جامعهٔ اهل بهاست و مرحلهٔ ثانیةٔ مظلومیت و مقهوریت هر دو منقضی گردد دوره ثالث که مرحلهٔ انفصال شریعة الله از ادیان عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدّمهٔ ارتفاع علم استقلال دین الله، و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبهٔ اهل بهاء، و مساوات پیروان جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان، و این استقلال مُمهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی (و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر</p>

	responsibilities that must be assumed, to enable a sore-trying Faith to pass through the successive stages of [1]unmitigated obscurity, [2]of active repression, and [3]of complete emancipation, leading in turn to its being [4]acknowledged as an independent Faith, [5]enjoying the status of full equality with its sister religions, to be followed by its [6]establishment and recognition as a State religion, which in turn must give way to its [7]assumption of the rights and prerogatives associated with the Bahá'í state, functioning in the plenitude of its powers, a stage which must ultimately culminate in the [8]emergence of the worldwide Bahá'í Commonwealth, animated wholly by the spirit, and operating solely in direct conformity with the laws and principles of Bahá'u'lláh.	نصيب امت مسیحیه گشت و این رسمیت به مرور ایام مبدل و منجر به تأسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطه زمنیه شارع این امر عظیم گردد. و این سلطنت الهیه مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی مؤسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی که مرحله سابع و اخیر است) منتهی گردد. « ^۵
26	The challenge offered by these opportunities the American believers, I feel confident, will, in addition to their answer to the teaching call voiced by 'Abdu'l-Bahá in His Tablets, unhesitatingly take up, and will, with their traditional fearlessness, tenacity, and efficiency, so respond to it as to confirm, before all the world, their title and rank as the champion-builders of the mightiest institutions of the Faith of Bahá'u'lláh.	اطمینان واثق دارم که یاران امریکا در مقابله با چنان فرصتهائی و نیز در اجابت دعوت حضرت عبدالبهاء در الواح تبلیغی ملکوتیش بی درنگ با جرأت و شهامت و استقامت مخصوص ذاتیشان قیامی مردانه خواهند کرد تا به جهانیان اثبات نمایند که فی الحقیقه لایق این خطابند که به عنوان بنیان قهرمان اعظم مؤسسات امر حضرت بهاء الله ملقب و مخاطب شده باشند.
27	Dearly beloved friends! Though the task be long and arduous, yet the prize which the All-Bountiful Bestower has chosen to confer upon you is of such preciousness that neither tongue nor pen can befittingly appraise it. Though the goal towards which you are now so strenuously striving be distant, and as yet undisclosed to men's eyes, yet its promise lies firmly embedded in the authoritative and unalterable utterances of Bahá'u'lláh. Though the course He has traced for you seems, at times, lost in the threatening shadows with which a stricken humanity is now enveloped, yet the unfailing light He has caused to shine continually upon you is of such brightness that no earthly dusk can ever eclipse its splendor. Though small in numbers, and circumscribed as yet in your experiences, powers, and resources, yet the Force which energizes your mission is limitless in its range and incalculable in its potency. Though the enemies which every acceleration in the progress of your mission must raise up	ای یاران ارجمند و محبوب [۱] هر چند وظائف محوله به شما بسی سنگین و خطیر است ولی اجر و ثوابی که از خزانه غیب الهی به آن عزیزان ارزانی گشته چنان پربها است که زبان و بنان از توصیف و تقدیرش چنانکه باید بر نیاید. و [۲] هر چند مقصدی که با کمال همت و مجاهدت در پیش دارید بعیدالحصول و بغایت دور و از دیدگان بشر مستور است، اما بشارتش به کمال قدرت در متن بیانات نافذ و لایتغیر حضرت بهاء الله مندمج و مسطور. و [۳] هر چند مسیری که جمال کبریا برای آن یاران با وفا برگزیده احیاناً در سایه تیره و تاری که عالم انسانی را فرا گرفته محو و ناپیدا است، ولی انوار هدایتی که پیوسته بر آن عزیزان پرتو افکنده چنان روشن و درخشنده است که ظلمات حائله این جهان تابش و سطوعش را سد نتواند. و [۴] هر چند تعدادتان قلیل و تجارب و امکانات و منابعتان بس محدود، اما قوت ملکوتی که در هویت رسالتتان مکنون است بغایت شدید و از حیث وسعت و قدرت بی شمار و نامحدود. و [۵] هر چند دشمنان عنود در هر زمان

^۵ آنچه نقل گردید اصل بیان مبارک حضرت ولی امرالله به فارسی است که در توقیع مبارک ۱۱۰ مرقوم فرموده اند که چون جز در بعضی از عبارات معناً با انگلیسی مطابقت داشت عیناً نقل گردید جملات بین الهالین () در متن انگلیسی نیست.

	<p>be fierce, numerous, and unrelenting, yet the invisible Hosts which, if you persevere, must, as promised, rush forth to your aid, will, in the end, enable you to vanquish their hopes and annihilate their forces. Though the ultimate blessings that must crown the consummation of your mission be undoubted, and the Divine promises given you firm and irrevocable, yet the measure of the goodly reward which every one of you is to reap must depend on the extent to which your daily exertions will have contributed to the expansion of that mission and the hastening of its triumph.</p>	<p>که در اجراء وظائف مخصوصستان توفیق حاصل گردد با لشگری جرّار بی رحمانه و با عزمی جزم بر شما هجوم شدید نمایند، ولی چنانکه موعود است جنود غیبی ملاءاعلی آن سالکان سیل استقامت و وفاء را امداد فرماید و بر اضمحلال قوای دشمنان پرکین پیروز سازد و به یأس و خسرانشان اندازد. و [۶] هر چند در مواهب و عطایائی که در وصول به کمال رسالتان شامل حال گردد شک و تردیدی نیست و تحقق وعود و بشاراتی که برای آن عزیزان مقدر گشته محتوم، ولی اجر جزیلی که نصیب هر یک از افراد شما می گردد مطابق و وابسته با مقدار خدمت و همّت است که هر یک در سبیل توسعه رسالت محوّل و تسریع پیروزی مبذول می دارید.</p>
28	<p>Dearly beloved friends! Great as is my love and admiration for you, convinced as I am of the paramount share which you can, and will, undoubtedly have in both the continental and international spheres of future Bahá'í activity and service, I feel it nevertheless incumbent upon me to utter, at this juncture, a word of warning. The glowing tributes, so repeatedly and deservedly paid to the capacity, the spirit, the conduct, and the high rank, of the American believers, both individually and as an organic community, must, under no circumstances, be confounded with the characteristics and nature of the people from which God has raised them up. A sharp distinction between that community and that people must be made, and resolutely and fearlessly upheld, if we wish to give due recognition to the transmuting power of the Faith of Bahá'u'lláh, in its impact on the lives and standards of those who have chosen to enlist under His banner. Otherwise, the supreme and distinguishing function of His Revelation, which is none other than the calling into being of a new race of men, will remain wholly unrecognized and completely obscured.</p>	<p>ای دوستان عزیز هر چند که محبّت و تمجید و تقدیر من از آن یاران با وفا بسی شدید است و کاملاً معتقد بل مطمئنم که آن عزیزان در آینده در خدمات و مجاهدت های قاره ای و بین المللی سهم عظیم خویش را ایفاء خواهند نمود، باز برخود واجب می دانم که در این مقطع از زمان به بیان اندازات لازم مبادرت ورزم و اظهار دارم که باوجود تقدیر و تمجید و ستایشی که به کرات حقّاً نصیب افراد و جامعه زنده و پوینده بهائیان امریکا شده و بارها از لیاقت و روح نباض و اعمال و مقام رفیعشان تحسین گشته است، به هیچ وجه نباید آنها را با حالات و صفات و طبایع مردم آن کشور که بهائیان به فضل الهی از میانشان برخاسته اند اشتباه نمود. باید صریحاً و قطعاً بدون هیچ ملاحظه و هراسی اذعان کنیم که بین جامعه بهائیان امریک و مردم آن کشور تفاوت شاخصی موجود است و اگر به چنین تفاوتی قائل گردیم ایمان خویش را به قوّه نافذّه خلاقه امر حضرت بهاء الله اثبات نموده ایم که در حیات و موازین اخلاقی پیروانش چنان نفوذ و تأثیر نموده که آنان را به کلی دگرگون و از اقران ممتاز ساخته است. و بر عکس اگر چنین نیندیشیم این اصل اصیل را که اعظم و ابهی ثمره ظهور حضرت بهاء الله ایجاد خلق جدیدی از انسان است به کلی منکر شده و از جلوه بازداشته ایم.</p>
29	<p>How often have the Prophets of God, not excepting Bahá'u'lláh Himself, chosen to appear, and deliver their Message in countries and amidst peoples and races, at a time when they were either fast declining, or had already touched the lowest depths of moral and spiritual degradation. The appalling misery and wretchedness to which the Israelites had sunk, under the debasing and tyrannical rule of the Pharaohs, in the days preceding their exodus from Egypt under the leadership of Moses; the decline that had set in in the religious, the spiritual, the cultural, and the moral life of the Jewish people, at the time of the appearance of Jesus Christ; the barbarous cruelty, the</p>	<p>پیوسته پیغمبران خدا از جمله حضرت بهاء الله در کشورهای مبعوث گشته و پیام الهی را در زمانی و به مردمی ابلاغ کرده اند که یا در سرایش انحطاط و یا در اسفل درجات فساد اخلاقی و ضلالت روحانی بوده اند چنانکه بدبختی محنت بار و ذلّتی که قوم اسرائیل قبل از خروجشان از خاک مصر به قیادت حضرت موسی در زمان حکومت ظالم و خفّت انگیز فراعنه داشته اند. انحطاطی که در حیات دینی و روحانی و فرهنگی و اخلاقی یهودیان در زمان ظهور حضرت مسیح مشهود بود مظالم وحشیانه و بت پرستی فاحش و فساد اخلاقی که قرن ها از خصائص بارز و شرم آور قبائل عربستان بود و حضرت محمّد</p>

	<p>gross idolatry and immorality, which had for so long been the most distressing features of the tribes of Arabia and brought such shame upon them when Muhammad arose to proclaim His Message in their midst; the indescribable state of decadence, with its attendant corruption, confusion, intolerance, and oppression, in both the civil and religious life of Persia, so graphically portrayed by the pen of a considerable number of scholars, diplomats, and travelers, at the hour of the Revelation of Bahá'u'lláh—all demonstrate this basic and inescapable fact. To contend that the innate worthiness, the high moral standard, the political aptitude, and social attainments of any race or nation is the reason for the appearance in its midst of any of these Divine Luminaries would be an absolute perversion of historical facts, and would amount to a complete repudiation of the undoubted interpretation placed upon them, so clearly and emphatically, by both Bahá'u'lláh and 'Abdu'l-Bahá.</p>	<p>در میان چنان مردمانی به رسالت مبعوث شد تنزل و تدنّی توصیف ناپذیر همراه با فساد و آشفتگی و تعصّبات جاهلیه و ظلم و ستمی که مقارن ظهور حضرت بهاءالله جمیع شؤون دینی و عرفی کشور ایران را احاطه کرده بود و تعصّباتی را که بسیاری از محققین و دیپلمات‌ها و سیاحان در آثار خویش دقیقاً تصویر کرده‌اند کلّ شاهد و گواه آن مقال است و الاّ اگر چنین تصوّر شود که استحقاق ذاتی و سجایای عالیّه اخلاقی و شایستگی سیاسی و کمالات اجتماعی هر یک از آن ملّت‌ها علّت ظهور مظاهر الهی در میانشان بوده است چنین عقیده ای کاملاً مغایر و مخالف حقایق تاریخی و به منزله انکار تبیینات و بیانات مؤکده حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در این موضوع است.</p>
30	<p>How great, then, must be the challenge to those who, belonging to such races and nations, and having responded to the call which these Prophets have raised, to unreservedly recognize and courageously testify to this indubitable truth, that not by reason of any racial superiority, political capacity, or spiritual virtue which a race or nation might possess, but rather as a direct consequence of its crying needs, its lamentable degeneracy, and irremediable perversity, has the Prophet of God chosen to appear in its midst, and with it as a lever has lifted the entire human race to a higher and nobler plane of life and conduct. For it is precisely under such circumstances, and by such means that the Prophets have, from time immemorial, chosen and were able to demonstrate their redemptive power to raise from the depths of abasement and of misery, the people of their own race and nation, empowering them to transmit in turn to other races and nations the saving grace and the energizing influence of their Revelation.</p>	<p>فی الحقیقه نفوسی که از آن اقوام و ملل دعوت چنان پیغمبران عظامی را اجابت نموده‌اند چه مجاهدت دشواری داشته که توانسته‌اند بی‌درنگ از هر شک و تردیدی بگذرند و به معرفت حقّ نائل شوند و با شجاعت به این حقیقت مسلم شهادت دهند که هرگز به علّت تفوّق نژادی و قابلیت سیاسی و یا فضائل روحانی نبوده است که پیغمبران الهی در میان آن اقوام مبعوث گشته‌اند بلکه بر عکس به واسطه احتیاج شدید و انحطاط و تدنّی اسف‌انگیز و انحرافات علاج‌ناپذیر بوده است که مظاهر الهی در میانشان ظاهر شده تا با ظهورشان حیات و رفتار و سلوک نوع بشر را به مرتبه‌ای اشرف و اعلی ارتقاء بخشند. زیرا قطعاً از اوّل لا اوّل چنین بوده است که پیغمبران بزرگ تحت چنان اوضاع و احوالی خواسته‌اند و قادر گشته و اثبات نموده‌اند که چه قدرت حیات‌بخشی در ظهورشان نهفته بوده است که توانسته‌اند قوم و ملّت خویش را از قعر مذلّت و پستی برهانند و چنان نیرومندشان سازند تا بتوانند به نوبه خود عطیه ایمان و نفوذ حیات‌بخش آئین الهی را به اقوام و ملل دیگر منتقل سازند.</p>
31	<p>In the light of this fundamental principle it should always be borne in mind, nor can it be sufficiently emphasized, that the primary reason why the Báb and Bahá'u'lláh chose to appear in Persia, and to make it the first repository of their Revelation, was because, of all the peoples and nations of the civilized world, that race and nation had, as so often depicted by 'Abdu'l-Bahá, sunk to such ignominious depths, and manifested so great a perversity, as to find no parallel among its</p>	<p>در پرتو چنین اصل مسلمی همواره باید بخاطر داشت و تأکید نمود که نخستین علّتی که حضرت باب و حضرت بهاءالله در ایران مبعوث گشته، و آنجا را مخزن و منبع ظهور خویش قرار داده‌اند، این است که مردم و ملّت ایران به شهادت مکرّر حضرت عبدالبهاء چنان در حضيض انحطاط فرو رفته و در فساد و تباهی غوطه‌ور گشته بود که در جهان متمدّن آن روزگار شبه و نظیری نداشت و برای اثبات قوّه خلاّقۀ نافذه ظهور حضرت باب</p>

	<p>contemporaries. For no more convincing proof could be adduced demonstrating the regenerating spirit animating the Revelations proclaimed by the Báb and Bahá'u'lláh than their power to transform what can be truly regarded as one of the most backward, the most cowardly, and perverse of peoples into a race of heroes, fit to effect in turn a similar revolution in the life of mankind. To have appeared among a race or nation which by its intrinsic worth and high attainments seemed to warrant the inestimable privilege of being made the receptacle of such a Revelation would in the eyes of an unbelieving world greatly reduce the efficacy of that Message, and detract from the self-sufficiency of its omnipotent power. The contrast so strikingly presented in the pages of Nabíl's Narrative between the heroism that immortalized the life and deeds of the Dawn-Breakers and the degeneracy and cowardice of their defamers and persecutors is in itself a most impressive testimony to the truth of the Message of Him Who had instilled such a spirit into the breasts of His disciples. For any believer of that race to maintain that the excellence of his country and the innate nobility of its people were the fundamental reasons for its being singled out as the primary receptacle of the Revelations of the Báb and Bahá'u'lláh would be untenable in the face of the overwhelming evidence afforded so convincingly by that Narrative.</p>	<p>و حضرت بهاء الله هیچ برهانی اعظم از این نیست که تحت تربیت آن دو مظهر الهی چگونه مردم بسیار متأخر و جبان و فاسد ایران به قهرمانانی تبدیل شدند که توانستند تحوّل و انقلاب عظیمی را در حیات عالم انسانی برانگیزند. در صورتی که اگر در میان نژاد و ملّتی ظاهر می شدند که به واسطه ترقیات عالیّه و ارزش فطریشان مستحقّ چنان امتیاز عظیمی می شدند که امر الهی از میانشان طلوع نماید، دیگر تأثیراتش در نظر مردم بی ایمان این زمانه کاسته می شد و قوه عظیم و متکّی بذاتش از انظار پوشیده می ماند. صفحات تاریخ نبیل به وضوح تمام نمایان می سازد که بین حالت شجاعت و شهامت و اعمال قهرمانان مطالع الانوار با پستی و ذنات و جبن و شناعت دشمنان نشان که به اذیت و آزار و افترا و انکارشان می پرداختند چقدر تفاوت وجود دارد و این امر بنفسه شاهد صادقی است بر حقانیت پیام ذات مقدّسی که چنان آتشی را در دل و جان پیروانش روشن کرده است پس اگر هر بهائی ایرانی بپندارد که برتری و تفوّق کشورش و نجابت ذاتی مردمش بوده که آنان را اولین مخاطبین پیام آسمانی حضرت باب و حضرت بهاء الله ساخته به خطا رفته است و طبق شواهد متقنّه همان تاریخ، رأی او به کلی باطل و مردود است.</p>
32	<p>To a lesser degree this principle must of necessity apply to the country which has vindicated its right to be regarded as the cradle of the World Order of Bahá'u'lláh. So great a function, so noble a role, can be regarded as no less inferior to the part played by those immortal souls who, through their sublime renunciation and unparalleled deeds, have been responsible for the birth of the Faith itself. Let not, therefore, those who are to participate so predominantly in the birth of that world civilization, which is the direct offspring of their Faith, imagine for a moment that for some mysterious purpose or by any reason of inherent excellence or special merit Bahá'u'lláh has chosen to confer upon their country and people so great and lasting a distinction. It is precisely by reason of the patent evils which, notwithstanding its other admittedly great characteristics and achievements, an excessive and binding materialism has unfortunately engendered within it that the Author of their Faith and the Center of His Covenant have singled it out to become the standard-bearer of the New World Order envisaged in their writings. It is by such means as this that Bahá'u'lláh can best demonstrate to a heedless generation</p>	<p>این اصل مسلّم تا حدّ معینی در کشوری مصداق یافته که بالاستحقاق به عنوان مهد نظم جهانی حضرت بهاء الله شناخته شده است. خدمات عظیم و سهم والائی که بهائیان امریکا در این سبیل داشته اند به هیچ وجه از نقشی که نفوس مقدّسه جاویدانی که در ایران با انقطاع و جانبازی و اعمال بی نظیر خویش امر الهی را استقرار بخشیده اند کمتر نیست. امّا باز آن نفوس مبارکه که در ایجاد تمدّنی جهانی که خود جزئی از آئینشان است بسیار بیشتر از دیگران شریک و سهیم بوده اند هرگز نباید حتّی لحظه ای تصوّر نمایند که حضرت بهاء الله به علّتی مرموز یا به واسطه تفوّق ذاتی و استحقاق مخصوص مردم امریکا چنین منقبت و امتیازی را به ایشان عطا فرموده تا کشورشان مهد نظم جهانی باشد بلکه به واسطه آن که مردم امریکا با وجود خصائل عالیّه و توفیقات حاصله شان امروز محاط به فسادی آشکار گشته اند. و مادّیت پرستی مفرطی که متأسّفانه ملازم آنان گشته بوده است که حضرت بهاء الله و مرکز میثاقش بهائیان آن کشور را به چنان فخر و منتقبتی مفتخر فرموده تا مشعلدار نظمی نوین و جهانی باشند که در آثارشان مذکور است و از این طریق است که حضرت بهاء الله قوه نافذه خویش را به مردم غافل این عصر بهتر</p>

	<p>His almighty power to raise up from the very midst of a people, immersed in a sea of materialism, a prey to one of the most virulent and long-standing forms of racial prejudice, and notorious for its political corruption, lawlessness and laxity in moral standards, men and women who, as time goes by, will increasingly exemplify those essential virtues of self-renunciation, of moral rectitude, of chastity, of indiscriminating fellowship, of holy discipline, and of spiritual insight that will fit them for the preponderating share they will have in calling into being that World Order and that World Civilization of which their country, no less than the entire human race, stands in desperate need. Theirs will be the duty and privilege, in their capacity first as the establishers of one of the most powerful pillars sustaining the edifice of the Universal House of Justice, and then as the champion-builders of that New World Order of which that House is to be the nucleus and forerunner, to inculcate, demonstrate, and apply those twin and sorely needed principles of Divine justice and order—principles to which the political corruption and the moral license, increasingly staining the society to which they belong, offer so sad and striking a contrast.</p>	<p>نمایان می‌سازد که از میان مردمی مستغرق در بحر مادیات و گرفتار تعصبات دیرینه نژادی و فساد مفتضح سیاسی و دچار هرج و مرج و فقدان موازین اخلاقی قادر گشته تا زنان و مردانی را مبعوث فرماید که به مرور زمان بیشتر معلوم گردد که چه خلق جدیدی به وجود آمده که متخلّق به خلق و خوی رحمانی‌اند و مظهر انقطاع و عصمت و عفت و درستکاری و محبت بی‌دریغ و انضباط و تقدیس و بصیرت روحانی، تا آن نفوس لایق باشند که در استقرار نظم جهانی و تمدنی که آن کشور و جمیع نوع بشر بدان نیازمندند سهمی عظیم داشته باشند. جامعه بهائی امریکا اولاً به عنوان یکی از محکم‌ترین پایه‌ها و ارکان بنیان بیت‌العدل اعظم و ثانیاً به عنوان بنیان نظم جهانی جدیدی که هسته مرکزی و طلیعه‌اش همان بیت‌العدل است، به چنین امتیاز و وظیفه‌ای مفتخر خواهند بود که دو اصل مزدوج عدل و نظم را ترویج و ظاهر و اعمال نمایند. دو اصلی که در مقابلش فساد سیاسی و بی‌بند و باری اخلاقی که دامن مردم آن کشور را که بهائیان نیز جزئی از آنند بیشتر نمودار می‌کند و تضاد و مباینتی غم‌انگیز را آشکار می‌سازد.</p>
33	<p>Observations such as these, however distasteful and depressing they may be, should not, in the least, blind us to those virtues and qualities of high intelligence, of youthfulness, of unbounded initiative, and enterprise which the nation as a whole so conspicuously displays, and which are being increasingly reflected by the community of the believers within it. Upon these virtues and qualities, no less than upon the elimination of the evils referred to, must depend, to a very great extent, the ability of that community to lay a firm foundation for the country's future role in ushering in the Golden Age of the Cause of Bahá'u'lláh.</p>	<p>این ملاحظات هرچند ناگوار و دردناک باشد نباید سبب شود که خصائل و فضائل مردم امریکا را فراموش کنیم و هوش سرشار و تازگی و جوانی و داشتن ابتکار و فعالیت‌های تولیدیشان را که در جامعه بهائی نیز بسیار نمایان است از نظر بپوشانیم. بر اساس آن خصائل و فضائل و نیز محو آن رذائل است که بلکه بهائیان آن سامان تا حد زیادی باید بنیاد متینی را استوار سازند که آن کشور بتواند در طلوع عصر زرین امر حضرت بهاء‌الله نقش مهمی را در آینده ایفاء نماید.</p>
34	<p>How great, therefore, how staggering the responsibility that must weigh upon the present generation of the American believers, at this early stage in their spiritual and administrative evolution, to weed out, by every means in their power, those faults, habits, and tendencies which they have inherited from their own nation, and to cultivate, patiently and prayerfully, those distinctive qualities and characteristics that are so indispensable to their effective participation in the great redemptive work of their Faith. Incapable as yet, in view of the restricted size of their community and the limited influence it now wields, of producing any marked effect on the great mass of</p>	<p>چه خطیر و مهم است مسئولیت نسل حاضر بهائیان امریکا که در این مراحل اولیه از تکامل روحانی و اداریشان باید به کمال همت بکوشند تا جمیع عادات مذمومه و خطا و اشتباهات [خطاهای خودمان نه دیگران] و تمایلات نامطلوبی را که به ارث به ایشان رسیده از ریشه براندازند و در عوض با صبر و حوصله و دعا و مناجات به جایش نهال خصائل ممتاز و سجایای مخصوصه‌ای را بنشانند که برای شرکت مؤثر در خدمات نجات‌بخش آئین مقدّسشان لازم و ضروری است. و حال که به واسطه قلت افرادشان و فقدان نفوذشان نمی‌توانند در جمهور مردم کشورشان تأثیر چندانی داشته باشند باید توجه</p>

	<p>their countrymen, let them focus their attention, for the present, on their own selves, their own individual needs, their own personal deficiencies and weaknesses, ever mindful that every intensification of effort on their part will better equip them for the time when they will be called upon to eradicate in their turn such evil tendencies from the lives and the hearts of the entire body of their fellow-citizens. Nor must they overlook the fact that the World Order, whose basis they, as the advance-guard of the future Bahá'í generations of their countrymen, are now laboring to establish, can never be reared unless and until the generality of the people to which they belong has been already purged from the divers ills, whether social or political, that now so severely afflict it.</p>	<p>خویش را معطوف به خویشستن کنند و در بارهٔ حوائج و نیازهای فردی خود بیندیشند و به نقائص و ضعف‌های خود بپردازند و پیوسته بدانند که ازدیاد جهد و کوشش در این سیل آنان را آماده‌تر و مستعدتر می‌کند که چون وقتش فرا رسد از حیات و قلوب هموطنانشان تمایلات و رذائل سخیفه را زائل نمایند. همچنین نباید از این حقیقت غافل شوند که آن نظم جهانی که یاران امریکا اینک به مثابه پیش‌قدمانی می‌کوشند برای نسل‌های آینده کشورشان پایه‌گذارند هرگز مرتفع نمی‌شود مگر آنکه قاطبهٔ ملت امریکا از مفاسد متنوعه اجتماعی و سیاسی که دام‌گیرشان گشته پاک و طاهر شده باشند.</p>
35	<p>Surveying as a whole the most pressing needs of this community, attempting to estimate the more serious deficiencies by which it is being handicapped in the discharge of its task, and ever bearing in mind the nature of that still greater task with which it will be forced to wrestle in the future, I feel it my duty to lay special stress upon, and draw the special and urgent attention of the entire body of the American believers, be they young or old, white or colored, teachers or administrators, veterans or newcomers, to what I firmly believe are the essential requirements for the success of the tasks which are now claiming their undivided attention. Great as is the importance of fashioning the outward instruments, and of perfecting the administrative agencies, which they can utilize for the prosecution of their dual task under the Seven Year Plan; vital and urgent as are the campaigns which they are initiating, the schemes and projects which they are devising, and the funds which they are raising, for the efficient conduct of both the Teaching and Temple work, the imponderable, the spiritual, factors, which are bound up with their own individual and inner lives, and with which are associated their human and social relationships, are no less urgent and vital, and demand constant scrutiny, continual self-examination and heart-searching on their part, lest their value be impaired or their vital necessity be obscured or forgotten.</p>	<p>چون حوائج و نیازمندی‌های جامعه بهائی را بطور کلی ملاحظه نمایم و کمبودهایی را که سبب رکود اجراء وظائفشان گشته تخمین زنم و خصائص و وظائف بزرگتری را که در آینده به عهدهٔ ایشان محوّل خواهد شد از پیش خاطر بگذارم خود را موظف و مکلف می‌بینم که فوراً به کمال تأکید جامعه بهائی امریکا را از پیر و جوان از سیاه و سفید چه از زمره مبلّغین و چه از گروه خادمان عادی تشکیلات چه از قدامای احباء و چه مؤمنین جدید الاقبال کلّ را به نکات دقیقه‌ای متوجّه سازم که برای موفقیت در ایفاء وظائفی که حال متحداً متفقاً بر اجرائش قائمند از لوازم ضروریه محسوب است. یعنی با آنکه تهیه وسائل خارجی و اكمال و بهبود و استفاده از تشکیلات و دوائر اداری که در اجراء وظائف دوگانه‌شان در ظلّ نقشهٔ هفت‌ساله که دارای اهمیت بسیار زیادی است و با آنکه مجهودات مبذوله‌شان و طرح نقشهٔ اقدامات و خدماتشان و جمع تبرّعات مالی برای تعمیم امر تبلیغ و بنای مشرق‌الاذکار همه بسیار فوری و حیاتی است ولی اهمیت و فوریت عوامل فوق‌العاده روحانی که با حیات درونی هر فردی پیوند دارد و با روابط انسانی و اجتماعیشان وابسته است کمتر از آنها نیست و برای حصولش لازم است که دائماً در بارهٔ خویشستن خویش موشکافی کنند و همواره دل و جانشان را متذکّر سازند و وجدانشان را در محک امتحان اندازند تا مبدا آن عوامل روحانی از قدر و منزلتش بکاهد و ضرورتش در پرده ابهام بماند یا بکلی فراموش گردد.</p>
36	<p>Of these spiritual prerequisites of success, which constitute the bedrock on which the security of all teaching plans, Temple projects, and financial schemes, must ultimately rest, the following stand out as preeminent and vital, which the members of the American Bahá'í community will do well to ponder. Upon the extent to which these basic requirements are met, and the</p>	<p>مهم‌ترین و حیاتی‌ترین آن عوامل و شرایط که به منزلهٔ پایه و اساس موفقیت جمیع نقشه‌های تبلیغی و طرح‌های مشرق‌الاذکار و تدابیر مالی است نکات ذیل است که باید اعضاء جامعه بهائی امریکا دقیقاً به آن توجّه نمایند زیرا مقدار مواهب و عطایائی که نصیب آن یاران خواهد شد وابسته به این است که تا چه حدّ بتوانند آن شرایط عمده را</p>

	<p>manner in which the American believers fulfill them in their individual lives, administrative activities, and social relationships, must depend the measure of the manifold blessings which the All-Bountiful Possessor can vouchsafe to them all. These requirements are none other than a high sense of moral rectitude in their social and administrative activities, absolute chastity in their individual lives, and complete freedom from prejudice in their dealings with peoples of a different race, class, creed, or color.</p>	<p>در حیات فردی و خدمات اداری و روابط اجتماعی خویش به کار بندند. اهمّ این عوامل و شرایط عبارت است از [۱] اول رعایت اعلی درجه مکارم اخلاق و ملکات [خصلت‌ها] فاضله در مساعی و مجهودات اجتماعی و اداری، [۲] دوّم مراعات کامل عفت و عصمت در حیات فردی و [۳] سوم رهایی تام از قید تعصّبات در معاملات با مردم از هر نژاد و رنگ و از هر طبقه و هر مذهب. حسن رفتار، تمسک به ذیل عفت و عصمت در حیات فردی، و آزادی از قیود تعصبات. [برگرفته از پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خطاب به هیئت مشاورین قاره‌ای]</p>
37	<p>[1]The first is specially, though not exclusively, directed to their elected representatives, whether local, regional, or national, who, in their capacity as the custodians and members of the nascent institutions of the Faith of Bahá'u'lláh, are shouldering the chief responsibility in laying an unassailable foundation for that Universal House of Justice which, as its title implies, is to be the exponent and guardian of that Divine Justice which can alone insure the security of, and establish the reign of law and order in, a strangely disordered world. [2]The second is mainly and directly concerned with the Bahá'í youth, who can contribute so decisively to the virility, the purity, and the driving force of the life of the Bahá'í community, and upon whom must depend the future orientation of its destiny, and the complete unfoldment of the potentialities with which God has endowed it. [3]The third should be the immediate, the universal, and the chief concern of all and sundry members of the Bahá'í community, of whatever age, rank, experience, class, or color, as all, with no exception, must face its challenging implications, and none can claim, however much he may have progressed along this line, to have completely discharged the stern responsibilities which it inculcates.</p>	<p>[۱] شرط اول بیشتر متوجه نمایندگان منتخب جامعه بهائی در سطح ملی و ناحیه‌ای و محلی است زیرا آنانند خادمان و پاسبانان مؤسّسات نوزاد آئین حضرت بهاء‌الله و آنانند پایه‌گذاران بنای مستحکم بیت‌العدل اعظم که چنانکه از اسمش پیدا است مروج و حافظ عدل الهی است و آن عدل خود یگانه ضامن حفظ و تعمیم نظم و قانون در این جهان پر آشوب است. و [۲] شرط ثانی بیشتر و مستقیماً متوجه جوانان است که قوّه محرکه [حیات] جامعه بهائی و ضامن قدرت و طهارت حیات جامعه و باعث بروز ظهورات کامل قوا و استعدادات مکنونه در امر الهی‌اند. [۳] شرط ثالث بیشتر متوجه اعضاء دیگر جامعه بهائی از هر سن و سال و دارای هر نوع تجربه و مقام و هر طبقه و رنگ و نژاد است که باید کلاً و فوراً رفتارشان را با آنچه شایسته انتساب به امر بهائی است مطابق سازند و هیچ‌کس نیست که ادّعا تواند کرد که چنانکه باید و شاید به ادای وظائف و مسئولیت‌های لازمه‌اش در این سیل نائل شده و توفیق یافته باشد.</p>
38	<p>[A]A rectitude of conduct, an abiding sense of undeviating justice, unobscured by the demoralizing influences which a corruption-ridden political life so strikingly manifests; [B]a chaste, pure, and holy life, unsullied and unclouded by the indecencies, the vices, the false standards, which an inherently deficient moral code tolerates, perpetuates, and fosters; [C]a fraternity freed from that cancerous growth of racial prejudice, which is eating into the vitals of an already debilitated society—these are the ideals which the American believers must, from now on, individually and through concerted action, strive to promote, in both their private and public lives, ideals which are</p>	<p>[الف] حسن اعمال و اخلاق و تمسک شدید به عدل و انصاف که منزّه از نفوذ مخرب محیط فاسد سیاسی باشد؛ [ب] حیاتی مشحون از عفت و عصمت و تنزیه و تقدیس که منزّه از اعمال سخیفه و عاری از موازین نادرستی باشد که فقط معیارهای غیر اخلاقی کنونی آن را تأیید و ترویج می‌کند؛ و مداومت می‌بخشد [ج] یگانگی و اخوتی مبری و منزّه از تعصّب نژادی که چون سرطان ارکان هیکل رنجور و ناتوان جامعه را فراگرفته. اینها همه ملکات فاضله‌ای است که باید از این پس یاران امریکا فرداً و مجتمعاً به آن عمل نمایند و در حیات انفرادی و عمومی خویش به کار بندند. و این فضائل و کمالات</p>

	the chief propelling forces that can most effectively accelerate the march of their institutions, plans, and enterprises, that can guard the honor and integrity of their Faith, and subdue any obstacles that may confront it in the future.	است که اعظم قوه محرکه‌ای است که پیشرفت و تقدّم مؤسسات و نقشه‌ها و مجهوداتشان را که به احسن وجه حافظ اصالت و عظمت آئین نازنینشان است تأمین و تضمین می‌نماید و هر مانعی را در آینده از پیش راهشان بر می‌دارد.
39	<p>[A] This rectitude of conduct, with its implications of justice, equity, truthfulness, honesty, fair-mindedness, reliability, and trustworthiness, must distinguish every phase of the life of the Bahá'í community. (1) "The companions of God," Bahá'u'lláh Himself has declared, "are, in this day, the lump that must leaven the peoples of the world. They must show forth such trustworthiness, such truthfulness and perseverance, such deeds and character that all mankind may profit by their example." (2) "I swear by Him Who is the Most Great Ocean!" He again affirms, "Within the very breath of such souls as are pure and sanctified far-reaching potentialities are hidden. So great are these potentialities that they exercise their influence upon all created things." (3) "He is the true servant of God," He, in another passage has written, "who, in this day, were he to pass through cities of silver and gold, would not deign to look upon them, and whose heart would remain pure and undefiled from whatever things can be seen in this world, be they its goods or its treasures. I swear by the Sun of Truth! The breath of such a man is endowed with potency, and his words with attraction." (4) "By Him Who shineth above the Dayspring of sanctity!" He, still more emphatically, has revealed, "If the whole earth were to be converted into silver and gold, no man who can be said to have truly ascended into the heaven of faith and certitude would deign to regard it, much less to seize and keep it.... They who dwell within the Tabernacle of God, and are established upon the seats of everlasting glory, will refuse, though they be dying of hunger, to stretch their hands, and seize unlawfully the property of their neighbor, however vile and worthless he may be. The purpose of the one true God in manifesting Himself is to summon all mankind to truthfulness and sincerity, to piety and trustworthiness, to resignation and submissiveness to the will of God, to forbearance and kindness, to uprightness and wisdom. His object is to array every man with the mantle of a saintly character, and to adorn him with the ornament of holy and goodly deeds." (5) "We have admonished all the loved ones of God," He insists, "to take heed lest the hem of Our sacred vesture be smirched with the mire of unlawful deeds, or be stained with the dust of reprehensible</p>	<p>این خلق و خوی رحمانی که مشتمل است بر عدل و انصاف، راستی و درستی و مروّت و اعتبار و امانت و دیانت باید همواره مابه الامتياز جامعه بهائی در جمیع شئون و مراحل باشد چنانکه از قلم اعلی حضرت بهاء الله چنین نازل شده:</p> <p>(۱) «الיום اصحاب آلهی خمیرمایه احزاب عالمند، باید کلّ از امانت و صدق و استقامت و اعمال و اخلاق ایشان اقتباس نمایند.»</p> <p>(۲) «قسم به بحر اعظم که در انفاس نفوس مقدسه تأثیرات کلیه مستور است علی شأن یوئیر فی الاشیاء کلّها.»</p> <p>(۳) «خادم امر امروز کسی است که اگر بر مدائن ذهب و فضّه مرور نماید چشم نگشاید و قلبش پاک و مقدس باشد از آنچه مشاهده می‌شود یعنی از زخارف و آلاء دنیا. قسم به آفتاب حقیقت نفس مؤثر و کلمه اش جاذب.»</p> <p>(۴) «قسم به آفتاب افق تقدیس که اگر جمیع عالم از ذهب و فضّه شود نفسی که فی الحقیقه به ملکوت ایمان ارتقاء بسته ابداً به آن توجّه ننماید تا چه رسد به اخذ آن ... الیوم ساکنین بساط احدیه و مستقرین سرّ عزّ صمدانیه اگر قوت لایموت نداشته باشند به مال یهود دست دراز نکنند تا چه رسد به غیر. حقّ ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدسه کلّ را مزین فرماید.»</p> <p>(۵) «جمیع احبای الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدس را به طین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نیالایند.»</p> <p>(۶) «یا اهل بهاء به تقوی الله تمسک نمائید هذا ما حکم به المظلوم و اختاره المختار.»</p>

conduct.” (6) “Cleave unto righteousness, O people of Bahá,” He thus exhorts them, “This, verily, is the commandment which this wronged One hath given unto you, and the first choice of His unrestrained will for every one of you.” (7) “A good character,” He explains, “is, verily, the best mantle for men from God. With it He adorneth the temples of His loved ones. By My life! The light of a good character surpasseth the light of the sun and the radiance thereof.” (8) “One righteous act,” He, again, has written, “is endowed with a potency that can so elevate the dust as to cause it to pass beyond the heaven of heavens. It can tear every bond asunder, and hath the power to restore the force that hath spent itself and vanished.... Be pure, O people of God, be pure; be righteous, be righteous.... Say: O people of God! That which can insure the victory of Him Who is the Eternal Truth, His hosts and helpers on earth, have been set down in the sacred Books and Scriptures, and are as clear and manifest as the sun. These hosts are such righteous deeds, such conduct and character, as are acceptable in His sight. Whoso ariseth, in this Day, to aid Our Cause, and summoneth to his assistance the hosts of a praiseworthy character and upright conduct, the influence from such an action will, most certainly, be diffused throughout the whole world.” (9) “The betterment of the world,” is yet another statement, “can be accomplished through pure and goodly deeds, through commendable and seemly conduct.” (10) “Be fair to yourselves and to others,” He thus counseleth them, “that the evidences of justice may be revealed through your deeds among Our faithful servants.” (11) “Equity,” He also has written, “is the most fundamental among human virtues. The evaluation of all things must needs depend upon it.” And again, “Observe equity in your judgment, ye men of understanding heart! He that is unjust in his judgment is destitute of the characteristics that distinguish man’s station.” (12) “Beautify your tongues, O people,” He further admonishes them, “with **truthfulness**, and adorn your souls with the ornament of **honesty**. Beware, O people, that ye deal not treacherously with **anyone**. Be ye the trustees of God amongst His creatures, and the **emblems of His generosity** amidst His people.” (13) “Let your eye be chaste,” is yet another counsel, “your hand faithful, your tongue truthful, and your heart enlightened.” (14) “Be an ornament to the countenance of truth,” is yet another admonition, “a crown to the brow of fidelity, a pillar of the temple of righteousness, a breath of life to the body of mankind, an ensign of the hosts of justice, a

(۷) «طراز سۆم فی الخلق اَنَّهُ احسن طراز للخلق من لدى الحق. زینَ الله بهِ هیاكل اولیائِهِ. لَعمری نورُهُ یَفُوقُ نورَ الشَّمسِ و اشراقها.»

(۸) «یک عمل پاک عالم را از افلاک بگذرانند و بال بسته را بگشاید و قوت رفته را باز آرد... یا حزب الله التقدیس التّقوی التّقوی... بگو یا حزب الله ناصر و معین و جنود حق در زبر و الواح به مثابه افتاب ظاهر و لائح. آن جنود، اعمال طیبه و اخلاق مرضیه بوده و هست. هر نفسی الیوم به جنود اخلاق و تقوی نصرت نماید، ولله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند، البتّه آثارش در اشطار ظاهر و هویدا گردد.»

(۹) «اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده.»

(۱۰) «إِن أَعَدَلُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ، ثُمَّ عَلَى النَّاسِ، لِيُظْهَرَ آثَارُ الْعَدْلِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ بَيْنَ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ.»

(۱۱) «اوّل انسانیت انصاف است و جمیع امور منوط به آن. ان انصفوا یا اولی الالباب. مَنْ لَا انصافَ لَهُ لَا انسانيةَ لَهُ.»

(۱۲) «قل یا قوم زینوا لسانکم بالصدق و نفوسکم بالامانة ایاکم یا قوم لاتخانوا فی شی [با هیچ کس] کونوا أمانةً لله بینَ بریتِهِ و کونوا من المحسنین.»

(۱۳) «مالک قدم مشرق و لامع و کونوا فی الطرف عقیفاً و فی الید امیناً و فی اللسان صادقاً و فی القلب متذکراً.»

(۱۴) «کن ... لوجه الصّدق جمالاً و لهیکل الامانة طرازاً و لبيت الاخلاق عرشاً و لجسد العالم روحاً و لجندالعدل رایةً و لافق الخیر نوراً.»

(۱۵) «قل زینوا نفوسکم بالصدق والآداب، و لاتَحَرِّمُوا انفسکم من خِلع الحِکم و العدل لِيَهَبَ من شطر قلوبکم روائح قدس محبوب.»

	<p>luminary above the horizon of virtue.” (15) “Let truthfulness and courtesy be your adorning,” is still another admonition; “suffer not yourselves to be deprived of the robe of <i>forbearance</i> and justice, that the sweet savor of holiness may be wafted from your hearts upon all created things. (16) Say: Beware, O people of Bahá, lest ye walk in the ways of them whose words differ from their deeds. Strive that ye may be enabled to manifest to the peoples of the earth the signs of God, and to mirror forth His commandments. Let your acts be a guide unto all mankind, for the professions of most men, be they high or low, differ from their conduct. It is through your deeds that ye can distinguish yourselves from others. Through them the brightness of your light can be shed upon the whole earth. Happy is the man that heedeth My counsel, and keepeth the precepts prescribed by Him Who is the All-Knowing, the All-Wise.”</p>	<p>(۱۶) «بگو ای اهل بهاء در سبیل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر است سالک نشوید همّت گمارید تا آیات حقّ بر اهل ارض مکشوف و احکام و اوامر واضح و معلوم گردد. به اعمال سبب هدایت من فی البلاد گردید چه که اقوال اکثر ناس از وضع و شریف با افعالشان مغایر و مباین است کردار نیک است که مستظّلین در ظلّ سدره رحمانیه را از مادون ممتاز و گیتی را به روشنی خویش روشن و منور سازد و طوبی از برای نفسی که نصایح قلم اعلی را به سمع قبول اصغا نمود و به آنچه از سماء اراده خداوند علیم و حکیم نازل گشته تمسّک جست. (ترجمه)»</p>
40	<p>[1] “O <i>army</i> of God!” writes ‘Abdu’l-Bahá, “Through the protection and help vouchsafed by the Blessed Beauty—may my life be a sacrifice to His loved ones—ye must conduct yourselves in such a manner that ye may stand out distinguished and brilliant as the sun among other souls. Should any one of you enter a city, he should become a center of attraction by reason of his sincerity, his faithfulness and love, his honesty and fidelity, his truthfulness and loving-kindness towards all the peoples of the world, so that the people of that city may cry out and say: ‘This man is unquestionably a Bahá’í, for his manners, his behavior, his conduct, his morals, his nature, and disposition reflect the attributes of the Bahá’ís.’ Not until ye attain this station can ye be said to have been faithful to the Covenant and Testament of God.” [2] “The most vital duty, in this day,” He, moreover, has written, “is to purify your characters, to correct your manners, and improve your conduct. The beloved of the Merciful must show forth such character and conduct among His creatures, that the fragrance of their holiness may be shed upon the whole world, and may quicken the dead, inasmuch as the purpose of the Manifestation of God and the dawning of the limitless lights of the Invisible is to educate the souls of men, and refine the character of every living man....” [3] “Truthfulness,” He asserts, “is the foundation of all human virtues. Without truthfulness progress and success, in all the worlds of God, are impossible for any soul. When this holy attribute is established in man, all the divine qualities will also be acquired.”</p>	<p>[۱] در این مقام حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، «ای <i>حزب</i> الهی به عون و عنایت جمال مبارک روحی لاجبائّه الفداء باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خلق و خوی و صدق و وفا و محبّت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم انسانی مشارالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است تا به این مقام نیائید به عهد و پیمان الهی وفا ننموده‌اید.»</p> <p>[۲] «الیوم الزم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار. باید احبای رحمن به خلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند که رائحه مشکبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده کند زیرا مقصود از جلوه الهی و طلوع انوار غیب غیرمتاهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود.»</p> <p>[۳] «صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیّه عوالم الهی ممنوع گردد و چون این صفت مقدّس در نفسی رسوخ نماید سائر صفات و کمالات قدسیه بالطبع حاصل شود و فرد کامل گردد.»</p>

41	<p>Such a rectitude of conduct must manifest itself, with ever-increasing potency, in every verdict which the elected representatives of the Bahá'í community, in whatever capacity they may find themselves, may be called upon to pronounce. It must be constantly reflected in the business dealings of all its members, in their domestic lives, in all manner of employment, and in any service they may, in the future, render their government or people. It must be exemplified in the conduct of all Bahá'í electors, when exercising their sacred rights and functions. It must characterize the attitude of every loyal believer towards nonacceptance of political posts, nonidentification with political parties, nonparticipation in political controversies, and nonmembership in political organizations and ecclesiastical institutions. It must reveal itself in the uncompromising adherence of all, whether young or old, to the clearly enunciated and fundamental principles laid down by 'Abdu'l-Bahá in His addresses, and to the laws and ordinances revealed by Bahá'u'lláh in His Most Holy Book. It must be demonstrated in the impartiality of every defender of the Faith against its enemies, in his fair-mindedness in recognizing any merits that enemy may possess, and in his honesty in discharging any obligations he may have towards him. It must constitute the brightest ornament of the life, the pursuits, the exertions, and the utterances of every Bahá'í teacher, whether laboring at home or abroad, whether in the front ranks of the teaching force, or occupying a less active and responsible position. It must be made the hallmark of that numerically small, yet intensely dynamic and highly responsible body of the elected national representatives of every Bahá'í community, which constitutes the sustaining pillar, and the sole instrument for the election, in every community, of that Universal House whose very name and title, as ordained by Bahá'u'lláh, symbolizes that rectitude of conduct which is its highest mission to safeguard and enforce.</p>	<p>هر وقت که نمایندگان منتخب جامعه بهائی در هر مقام که باشند رائی صادر می‌کنند باید آن خلق و خوی رحمانی در تصمیماتشان ظاهر باشد و همچنین جلوه‌اش در معاملات جمیع بهائیان در حیات خصوصی در شغل و کار و در هر نوع خدمتی که در آینده مردم یا حکومت به آنان واگذار می‌نماید همواره نمایان باشد و در رفتار جمیع انتخاب‌کنندگان بهائی هنگام اجراء وظیفه و ادای حق مقدس خویش در انتخابات منعکس گردد و ما به الامتیاز هر مؤمن ثابتی در عدم قبول مشاغل سیاسی و عدم عضویت در احزاب سیاسی و عدم مداخله در مناقشات سیاسی و عدم شرکت در سازمان‌های سیاسی و مؤسسات روحانیون محرز شود. آن خلق و خوی رحمانی باید در اطاعت کامل جمیع یاران از پیر و جوان از اصول مصرّحه در خطابات حضرت عبدالبهاء و احکام نازله در کتاب مستطاب اقدس نمایان باشد و هر یک از مدافعان امرالله را بر آن دارد که با کمال انصاف و بی‌طرفی نسبت به دشمنان امرالله رفتار نماید و هر حسنی و کمالی که دارند اذعان کند و با کمال راستی و درستی در احقاق حقوقشان بکوشد. آن خلق و خوی رحمانی باید درخشنده‌ترین زینت حیات و شغل و کار و کردار و گفتار هر مروج امر بهائی در داخل و خارج کشور چه در صف مقدم خدمت و چه در مقام مسئولیتی کمتر باشد و نیز باید مهر و نشان اعضاء منتخب محفل ملی باشد که هر چند عده‌شان قليل است اما به عضویت هیأتی مفتخرند که بسیار مقتدر و فعال است و مسئولیتش بس خطیر زیرا محافل ملیّه در هر کشورد که یگانه وسیله انتخاب و نیز رکن بیت‌العدل اعظمند و بیت‌العدل چنانکه از اسمش که حضرت بهاءالله بر آن عطاء فرموده‌اند پیدا است مظهر همان خلق و خوی رحمانی است که حفظ و ترویجش نیز اعظم وظیفه اوست.</p>
42	<p>So great and transcendental is this principle of Divine justice, a principle that must be regarded as the crowning distinction of all Local and National Assemblies, in their capacity as forerunners of the Universal House of Justice, that Bahá'u'lláh Himself subordinates His personal inclination and wish to the all-compelling force of its demands and implications. [1] <i>“God is My witness!”</i> He thus explains, <i>“were it not contrary to the Law of God, I would have kissed the hand of My would-be murderer, and would cause him to inherit My earthly goods. I</i></p>	<p>اصل عدالت الهی چنان مهیم و عظیم است که باید آن را تاج و هاج تمام محافل روحانی محلی و ملی که طلیعه بیت‌العدل اعظمند دانست و عظمتش چنان است که حضرت بهاءالله بنفسه‌العزیز خود و نوایای شخص خویش را تسلیم مقتضیات و واجبات آن اصل اصیل فرموده است چنانکه در بیان مبارکش آمده است:</p>

am restrained, however, by the binding Law laid down in the Book, and am Myself bereft of all worldly possessions.” [2] “Know thou, of a truth,” He significantly affirms, “these great oppressions that have befallen the world are preparing it for the advent of the Most Great Justice.” [3] “Say,” He again asserts, “He hath appeared with that Justice wherewith mankind hath been adorned, and yet the people are, for the most part, asleep.” [4] “The light of men is Justice,” He moreover states, “Quench it not with the contrary winds of oppression and tyranny. The purpose of justice is the appearance of unity among men.” [5] “No radiance,” He declares, “can compare with that of justice. The organization of the world and the tranquillity of mankind depend upon it.” [6] “O people of God!” He exclaims, “That which traineth the world is Justice, for it is upheld by two pillars, reward and punishment. These two pillars are the sources of life to the world.” [7] “Justice and equity,” is yet another assertion, “are two guardians for the protection of man. They have appeared arrayed in their mighty and sacred names to maintain the world in uprightness and protect the nations.” [8] “Bestir yourselves, O people,” is His emphatic warning, “in anticipation of the days of Divine justice, for the promised hour is now come. Beware lest ye fail to apprehend its import, and be accounted among the erring.” [9] “The day is approaching,” He similarly has written, “when the faithful will behold the daystar of justice shining in its full splendor from the dayspring of glory.” [10] “The shame I was made to bear,” He significantly remarks, “hath uncovered the glory with which the whole of creation had been invested, and through the cruelties I have endured, the daystar of justice hath manifested itself, and shed its splendor upon men.” [11] “The world,” He again has written, “is in great turmoil, and the minds of its people are in a state of utter confusion. We entreat the Almighty that He may graciously illuminate them with the glory of His Justice, and enable them to discover that which will be profitable unto them at all times and under all conditions.” And again, [12] “There can be no doubt whatever that if the daystar of justice, which the clouds of tyranny have obscured, were to shed its light upon men, the face of the earth would be completely transformed.”

[۱] «حقّ شاهد و گواه اگر چنانچه مخالف شریعة الله نبود دست قاتل خویش را می‌بوسیدم و از مال خود او را ارث می‌دادم ولی چه توان نمود که حکم محکم کتاب روا نداشت و حطام دنیا در نزد این عبد نبود.»

[۲] «به یقین مبین بدان این ظلم‌های وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می‌نماید. (ترجمه)»

[۳] «قل انه ظَهَرَ بِعَدْلٍ تَزَيَّنَ بِهِ الْعَالَمُ، وَ الْقَوْمُ أَكْثَرُهُمْ مِنَ النَّائِمِينَ.»

[۴] «سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد.»

[۵] «هیچ نوری به نور عدل معادله نمی‌نماید. آن است سبب نظم عالم و راحت امم.»

[۶] «یا حزب الله مربی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه‌اند از برای حیات اهل عالم.»

[۷] «عدل و انصاف دو حارسند از برای حفظ عباد و از این دو کلمات محکمه مبارکه که علت صلاح عالم و حفظ امم است ظاهر گردد.»

[۸] «ان اِرتَقُوا یا قوم ایام العدل و انْها قد اتت بالحقّ ایاکم ان تحتجوا منها و تَکُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ.»

[۹] «عنقریب یومی خواهد رسید که مؤمنین آفتاب عدل را در اشدّ اشراق از مطلع جلال مشاهده خواهند نمود. (ترجمه)»

[۱۰] «بِذَلَّتِي ظَهَرَتْ عِزَّةُ الْكَائِنَاتِ وَ بَابِتِلَائِي اشْرِقَتْ شَمْسُ الْعَدْلِ عَلَى الْعَالَمِينَ.»

[۱۱] «عالم منقلب است و افکار عباد مختلف نسل الله ان یزینهم بنور عدله و یعرفهم ما ینفعهم فی کلّ الاحوال.»

[۱۲] «فی الحقیقه اگر آفتاب عدل از سحاب ظلم فارغ شود ارض غیر ارض مشاهده گردد.»

43	<p>“<i>God be praised!</i>” ‘Abdu’l-Bahá, in His turn, exclaims, “<i>The sun of justice hath risen above the horizon of Bahá’u’lláh. For in His Tablets the foundations of such a justice have been laid as no mind hath, from the beginning of creation, conceived.</i>” “<i>The canopy of existence,</i>” He further explains, “<i>resteth upon the pole of justice, and not of forgiveness, and the life of mankind dependeth on justice and not on forgiveness.</i>”</p>	<p>حضرت عبدالبهاء در این باره می‌فرمایند: «الحمد لله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال بخاطری خطور ننموده.» «خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو.»</p>
44	<p>Small wonder, therefore, that the Author of the Bahá’í Revelation should have chosen to associate the name and title of that House, which is to be the crowning glory of His administrative institutions, not with forgiveness but with justice, to have made justice the only basis and the permanent foundation of His Most Great Peace, and to have proclaimed it in His Hidden Words as “<i>the best beloved of all things</i>” in His sight. It is to the American believers, particularly, that I feel urged to direct this fervent plea to ponder in their hearts the implications of this moral rectitude, and to uphold, with heart and soul and uncompromisingly, both individually and collectively, this sublime standard—a standard of which justice is so essential and potent an element.</p>	<p>پس عجیبی نیست که مظهر ظهور بهائی اسم و لقب بی‌تی را که تاج و هاج مؤسسات اداری او است با صفت عدل و نه صفت عفو قرین فرمود و عدل را که طبق کلمات مکنونه نزد او «احب الاشياء» است یگانه اصل و پایه دائمی صلح اعظم مقرر داشته است. در این مقام خود را مکلف می‌دانم که از مؤمنین امرالله مخصوصاً در کشور امریکا تقاضا نمایم که به مقتضای آن سجه اخلاقی صمیمانه توجه و تمعن نمایند و از دل و جان بدون ادنی تأملی فرداً و جمعاً به میزان اساسی و قوی البنیان عدل و انصاف تمسکی شدید جویند.</p>
45	<p>[2]As to a chaste and holy life, it should be regarded as no less essential a factor that must contribute its proper share to the strengthening and vitalization of the Bahá’í community, upon which must in turn depend the success of any Bahá’í plan or enterprise. In these days when the forces of irreligion are weakening the moral fiber, and undermining the foundations of individual morality, the obligation of chastity and holiness must claim an increasing share of the attention of the American believers, both in their individual capacities and as the responsible custodians of the interests of the Faith of Bahá’u’lláh. In the discharge of such an obligation, to which the special circumstances resulting from an excessive and enervating materialism now prevailing in their country lend particular significance, they must play a conspicuous and predominant role. All of them, be they men or women, must, at this threatening hour when the lights of religion are fading out, and its restraints are one by one being abolished, pause to examine themselves, scrutinize their conduct, and with characteristic resolution arise to purge the life of their community of every trace of moral laxity that might stain the name, or impair the integrity, of so holy and precious a Faith.</p>	<p>تنزیه و تقدیس و عصمت و عفت عامل مهم دیگری است که در تقویت و نشاط جامعه بهائی اهمیت و قدرش کمتر از صفات دیگر نیست عاملی است که توفیق هر نقشه و طرح بهائی بستگی به آن دارد. در این ایام که نیروهای لامذهبی ارکان معنویات را متزلزل ساخته و پایه اخلاق افراد را سست نموده باید پرهیزگاری و پاکدامنی بیش از پیش مطمح نظر بهائیان امریکا قرار گیرد و باید آنان هم از لحاظ شخصی و هم به عنوان حارسان مصالح امر حضرت بهاء الله مظهر عفت و تقوی باشند و در اجراء چنین فریضه‌ای مخصوصاً در این زمان که افراط در مادیت‌پرستی مهلکی کشورشان را فراگرفته رعایت تقوی اهمیت بارزی یافته و باید در کردار و رفتارشان متجلی گردد و در این زمان خطیر که انوار دین و ایمان رو به خاموشی نهاده و اوامر و نواهی مذهبی یکی بعد از دیگر منسوخ می‌گردد باید یاران امریکا از زن و مرد در کردار خویش دقت نمایند و رفتارشان را ارزیابی و با عزمی جزم و مخصوص قیام کنند و تا حیات جامعه خویش را از اوساخ بی‌بند و باری اخلاقی که سبب تضییع نام و تضعیف اصالت آئین مقدس و نازنینشان گردد به کلی پاک و طاهر سازند.</p>

46	<p>A chaste and holy life must be made the controlling principle in the behavior and conduct of all Bahá'ís, both in their social relations with the members of their own community, and in their contact with the world at large. It must adorn and reinforce the ceaseless labors and meritorious exertions of those whose enviable position is to propagate the Message, and to administer the affairs, of the Faith of Bahá'u'lláh. It must be upheld, in all its integrity and implications, in every phase of the life of those who fill the ranks of that Faith, whether in their homes, their travels, their clubs, their societies, their entertainments, their schools, and their universities. It must be accorded special consideration in the conduct of the social activities of every Bahá'í summer school and any other occasions on which Bahá'í community life is organized and fostered. It must be closely and continually identified with the mission of the Bahá'í youth, both as an element in the life of the Bahá'í community, and as a factor in the future progress and orientation of the youth of their own country.</p>	<p>تقوی و تقدیس باید اصل حاکم بر کردار و رفتارشان باشد و در روابط اجتماعی‌شان چه با اعضاء جامعه بهائی و چه در ارتباطشان با جهان خارج متجلی گردد و سبب زینت و قوت مجهودات بلا انقطاع و مساعی در خور تحسین نفوسی گردد که به مقام رفیع ترویج پیام و اداره امور امر حضرت بهاءالله فائز و مفتخرند. عفت و تقوی باید به تمام و کمال در جمیع مراحل حیات بهائیان در سفر و حضر در کلوب‌ها و انجمن‌ها و سرگرمی‌ها و مدارس و دانشگاه‌هایشان مراعات شود و در جمیع فعالیت‌های اجتماعی در هر مدرسه تابستانه بهائی و هر جا که تربیت و حیات جامعه بهائی داده می‌شود مورد توجه مخصوص قرار گیرد و با رسالت جوانان بهائی مطابقت داشته باشد زیرا جوانان یکی از عناصر حیات بهایی اند و نیز عاملی در ترقی و هدایت به راه صحیح کشور خویش در آینده ایام بشمار می‌روند.</p>
47	<p>Such a chaste and holy life, with its implications of modesty, purity, temperance, decency, and clean-mindedness, involves no less than the exercise of moderation in all that pertains to dress, language, amusements, and all artistic and literary avocations. It demands daily vigilance in the control of one's carnal desires and corrupt inclinations. It calls for the abandonment of a frivolous conduct, with its excessive attachment to trivial and often misdirected pleasures. It requires total abstinence from all alcoholic drinks, from opium, and from similar habit-forming drugs. It condemns the prostitution of art and of literature, the practices of nudism and of companionate marriage, infidelity in marital relationships, and all manner of promiscuity, of easy familiarity, and of sexual vices. It can tolerate no compromise with the theories, the standards, the habits, and the excesses of a decadent age. Nay rather it seeks to demonstrate, through the dynamic force of its example, the pernicious character of such theories, the falsity of such standards, the hollowness of such claims, the perversity of such habits, and the sacrilegious character of such excesses.</p>	<p>چنین تقدیس و تقوائی متضمن حیا و طهارت و خویش‌داری و ادب و پندار نیک است و طالب اعتدال در جمیع شئون در لباس و پوشاک و ادای الفاظ و تفریحات و در جمیع مظاهر هنر و ادبیات است و لازمه‌اش مواظبت روزانه در تسلط بر شهوات نفسانی و تمایلات شیطانی و اجتناب از سبک‌سری است که غالباً خود منجر به کسب لذات رذیل و غیرمشروع می‌شود. این تقدیس و تقوی خواهان پرهیز و احتراز از هرگونه مشروبات الکلی و از تریاک و مخدرات و اعتیادات شبیه آنها است. اجتناب از سوء استفاده و به فحشاء کشیدن هنر و ادبیات است و پرهیز از برهنه‌جوئی و هم‌خانگی بدون ازدواج و از خیانت در زندگی زناشوئی و از هر نوع بی‌عفتی و معاشرت‌های بی‌بند و بار و از روابط نامشروع جنسی است. این تقدیس و تقوی هرگز با فرضیه‌ها و معیارها و عادات عصر منحن سازش نمی‌یابد بر عکس با قوه ذاتی خود نمایان می‌سازد که چنان فرضیه‌ها و چنان معیارها همگی فاسد و نادرست است و چنان دعوی‌ها ناچیز و بی‌مقدار و چنان عادت‌ها منحرف و تباه و چنان افراط‌کاری‌ها از طریق صواب و تقدیس بیرون است.</p>
48	<p><i>“By the righteousness of God!”</i> writes Bahá'u'lláh, <i>“The world, its vanities and its glory, and whatever delights it can offer, are all, in the sight of God, as worthless as, nay even more contemptible than, dust and ashes. Would that the hearts of men could comprehend it. Wash yourselves thoroughly, O people of Bahá, from the defilement of the world, and of all that</i></p>	<p>حضرت بهاءالله می‌فرماید: «به حق قسم که عالم و آنچه در اوست جمال و جلال و لذات و مسرات فریبنده‌اش کل در نظر حق چون تراب و رماد بل پست‌تر مشاهده می‌شود ای کاش قلوب عباد به ادراک آن فائز می‌شد ای اهل بهاء از آلودگی‌های ارض و زخارف فانیه آن خود را پاک و منزّه سازید حق شاهد و گواه که این مراتب دنیه لایق مقام یاران</p>

pertaineth unto it. God Himself beareth Me witness! The things of the earth ill beseem you. Cast them away unto such as may desire them, and fasten your eyes upon this most holy and effulgent Vision.” “O ye My loved ones!” He thus exhorts His followers, “Suffer not the hem of My sacred vesture to be smirched and mired with the things of this world, and follow not the promptings of your evil and corrupt desires.” And again, “O ye the beloved of the one true God! Pass beyond the narrow retreats of your evil and corrupt desires, and advance into the vast immensity of the realm of God, and abide ye in the meads of sanctity and of detachment, that the fragrance of your deeds may lead the whole of mankind to the ocean of God’s unfading glory.” “Disencumber yourselves,” He thus commands them, “of all attachment to this world and the vanities thereof. Beware that ye approach them not, inasmuch as they prompt you to walk after your own lusts and covetous desires, and hinder you from entering the straight and glorious Path.” “Eschew all manner of wickedness,” is His commandment, “for such things are forbidden unto you in the Book which none touch except such as God hath cleansed from every taint of guilt, and numbered among the purified.” “A race of men,” is His written promise, “incomparable in character, shall be raised up which, with the feet of detachment, will tread under all who are in heaven and on earth, and will cast the sleeve of holiness over all that hath been created from water and clay.” “The civilization,” is His grave warning, “so often vaunted by the learned exponents of arts and sciences, will, if allowed to overleap the bounds of moderation, bring great evil upon men.... If carried to excess, civilization will prove as prolific a source of evil as it had been of goodness when kept within the restraints of moderation.” “He hath chosen out of the whole world the hearts of His servants,” He explains, “and made them each a seat for the revelation of His glory. Wherefore, sanctify them from every defilement, that the things for which they were created may be engraven upon them. This indeed is a token of God’s bountiful favor.” “Say,” He proclaims, “He is not to be numbered with the people of Bahá who followeth his mundane desires, or fixeth his heart on things of the earth. He is My true follower who, if he come to a valley of pure gold will pass straight through it aloof as a cloud, and will neither turn back, nor pause. Such a man is assuredly of Me. From his garment the Concourse on high can inhale the fragrance of sanctity.... And if he met the fairest and

الهی نبوده و نیست شؤن دنیا را به اهلش واگذارید و دیدگان خود را به این منظر اقدس منیر متوجه سازید. (ترجمه)»
و نیز دوستان خویش را چنین نصیحت می‌فرماید، «ای احباء ذیل مقدس را بطین دنیا میالائید و بما ارادالنفس و الهوی تکلم نکنید.»
همچنین، «ای احبای حق از مفاز عتیقه نفس و هوی به فضاهاى مقدسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفحات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عز احدیه توجه نمایند.»
و در مقام دیگر مذکور، «خود را از تعلقات و آرایش‌های دنیا پاک و منزّه نمائید و مبادا به آن تقرب جوئید چه که شما را بر شهوات و آمال غیرمرضیه ترغیب و از سلوک در صراط مستقیم و منهج قویم منع می‌نماید. (ترجمه)»
«ان اجتنبوا الاثم و انه حرم علیکم فی کتاب الذی لایمسّه الا الذین طهرهم الله عن کل دنس و جعلهم من المطهرین.»
و نیز چنین بشارتی را بیان فرمود: «خلقى با صفات و فضائل ممتازه مبعوث گردند (ترجمه)» که «قدم انقطاع بر کل من فی الارضین و السموات گذارند و آستین تقدیس بر کلّ ما خلق من الماء و الطین برافشانند.»
همچنین اهل عالم را به این بیان عظیم تحذیر می‌فرماید: «ان التمدن الذی یدکره علماء مصر الصنایع و الفضل لویتجاوز حدالاعتدال لتراه نقمة على الناس ... انه یصیر مبدأ الفساد فی تجاوزه کماکان مبدأ الاصلاح فی اعتداله.»
و همچنین می‌فرماید: «آنچه حقّ جلّ ذکره از برای خود خواسته قلوب عباد اوست که کنائر ذکر و محبت ربانیه و خزائن علم و حکمت الهیه‌اند لم یزل اراده سلطان لایزال این بوده که قلوب عباد را از اشارات دنیا و ما فیها طاهر نماید تا قابل انوار تجلیات ملیک اسماء و صفات شوند.»
و در مقام دیگر نازل، «قل الذین ارتکبوا الفحشاء و تمسکوا بالدنیا انهم لیسوا من اهل البهاء هم عبادلویردون و ادیا من الذهب یمرون عنه کمرالسحاب و لا یلتفتون الیه ابد الا انهم منی لیجدن من قمیصهم الملاء الاعلی عرف التقدیس... و لو یرون علیهم ذوات الجمال باحسن الطراز لاترتدالیهن ابصارهم بالهوا اولئک خلقوا من التقوی کذلک یعلمکم قلم القدم من لدن ربکم العزیز الوهاب.»

	<p>most comely of women, he would not feel his heart seduced by the least shadow of desire for her beauty. Such an one indeed is the creation of spotless chastity. Thus instructeth you the Pen of the Ancient of Days, as bidden by your Lord, the Almighty, the All-Bountiful.” “They that follow their lusts and corrupt inclinations,” is yet another warning, “have erred and dissipated their efforts. They indeed are of the lost.” “It behooveth the people of Bahá,” He also has written, “to die to the world and all that is therein, to be so detached from all earthly things that the inmates of Paradise may inhale from their garment the sweet smelling savor of sanctity.... They that have tarnished the fair name of the Cause of God by following the things of the flesh—these are in palpable error!” “Purity and chastity,” He particularly admonishes, “have been, and still are, the most great ornaments for the handmaidens of God. God is My Witness! The brightness of the light of chastity sheddeth its illumination upon the worlds of the spirit, and its fragrance is wafted even unto the Most Exalted Paradise.” “God,” He again affirms, “hath verily made chastity to be a crown for the heads of His handmaidens. Great is the blessedness of that handmaiden that hath attained unto this great station.” “We, verily, have decreed in Our Book,” is His assurance, “a goodly and bountiful reward to whosoever will turn away from wickedness, and lead a chaste and godly life. He, in truth, is the Great Giver, the All-Bountiful.” “We have sustained the weight of all calamities,” He testifies, “to sanctify you from all earthly corruption and ye are yet indifferent.... We, verily, behold your actions. If We perceive from them the sweet smelling savor of purity and holiness, We will most certainly bless you. Then will the tongues of the inmates of Paradise utter your praise and magnify your names amidst them who have drawn nigh unto God.”</p>	<p>و نیز در اندازی دیگر می‌فرماید، «ان الذين اتبعوا الهوى ضل سعيهم فى الدين و فى الآخرة لهم سوء العذاب.»</p> <p>«ينبغى لاهل البهاء ان ينقطعوا عمن على الارض كلها على شأن يجدن اهل الفردوس نفحات التقديس من قميصهم... ان الذين ضيعوا الامر بما اتبعوا اهوانهم انهم فى ضلال مبين.»</p> <p>و ايضاً می‌فرماید، «طراز اعظم از برای اماء عصمت و عفت بوده و هست لعمرالله نور عصمت آفاق عوالم معانی را روشن نماید و عرفش به فردوس اعلى رسد.»</p> <p>و نیز چنین می‌فرماید، «ان الله قدجعل العصمة اكليلاً لرؤس امائه طوبى لامة فازت بهذا المقام العظيم.»</p> <p>همچنین یاران و احبای خویش را به این بشارت صریح مفتخر و مستبشر می‌سازد، «خداوند در کتاب الهی برای نفوسی که از اعمال سیئه خبیثه اجتناب و به افعال طیبه طاهره اقبال نمایند اجر جزیل و ثواب جمیل مقدّر فرموده اوست بخشنده عظیم و فضال (ترجمه)»</p> <p>و در مقام دیگر نازل، «انا حملنا البلايا كلها لتطهير انفسكم و انتم من الغافلين... انا نراكم فى اعمالكم اذا وجدنا منها الرائحة المقدسه الطيبة نصلى عليكم و بذلك ينطق لسان اهل الفردوس بذكركم و ثنائكم بين المقربين.»</p>
49	<p>“The drinking of wine,” writes ‘Abdu’l-Bahá, “is, according to the text of the Most Holy Book, forbidden; for it is the cause of chronic diseases, weakeneth the nerves, and consumeth the mind.” “Drink ye, O handmaidens of God,” Bahá’u’lláh Himself has affirmed, “the Mystic Wine from the cup of My words. Cast away, then, from you that which your minds abhor, for it hath been forbidden unto you in His Tablets and His Scriptures. Beware lest ye barter away the River that is life indeed for that which the souls of the pure-hearted detest. Become ye intoxicated with the wine of the love of God, and not with that which deadeneth your minds, O ye that adore Him! Verily, it</p>	<p>حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مقدسه می‌فرماید، «اما شراب به نص کتاب اقدس شربش ممنوع زیرا شربش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است.»</p> <p>در این مقام حضرت بهاءالله چنین می‌فرماید، «ان اشربن يا اماء الله خمرالمعانی من كوؤس الكلمات ثم اتركن ما يكرهه العقول لانها حرمت عليكن فى الألواح و الزبرات اياكن ان تبدلن كوثر الحيوان بما تكرهه انفس الزاكيات ان اسكرن بخمر محبةالله لا بمايخامر به عقولكن يا ايتها القاننات انها حرمت على كل مؤمن و مؤمنه كذلك اشرق شمس الحكم من افق البيان تستضي بها اماء المؤمنات.»</p>

	<i>hath been forbidden unto every believer, whether man or woman. Thus hath the sun of My commandment shone forth above the horizon of My utterance, that the handmaidens who believe in Me may be illumined.”</i>	
50	It must be remembered, however, that the maintenance of such a high standard of moral conduct is not to be associated or confused with any form of asceticism, or of excessive and bigoted puritanism. The standard inculcated by Bahá'u'lláh seeks, under no circumstances, to deny anyone the legitimate right and privilege to derive the fullest advantage and benefit from the manifold joys, beauties, and pleasures with which the world has been so plentifully enriched by an All-Loving Creator. “Should a man,” Bahá'u'lláh Himself reassures us, “wish to adorn himself with the ornaments of the earth, to wear its apparels, or partake of the benefits it can bestow, no harm can befall him, if he alloweth nothing whatever to intervene between him and God, for God hath ordained every good thing, whether created in the heavens or in the earth, for such of His servants as truly believe in Him. Eat ye, O people, of the good things which God hath allowed you, and deprive not yourselves from His wondrous bounties. Render thanks and praise unto Him, and be of them that are truly thankful.”	<p>باید در نظر داشت که حفظ و رعایت حدود و موازین عالیۀ اخلاقی به هیچوجه نباید با اصل عزلت و ترک دنیا خشک مقدّسی به نحو افراط اشتباه نمود معیاری که حضرت بهاءالله در این مقام مقرر فرموده مستلزم آن نیست که احدی از حقوق مشروع و بهره‌مندی از لذات و زیبایی‌ها و تمتعات مجاز و سالم که خداوند مهربان به وفور در این جهان خلق فرموده خود را محروم و ممنوع سازد زیرا حضرت بهاءالله چنین فرموده است:</p> <p>«ان الذی لن یمنعه شیء عن الله لا باس علیه لویزین نفسه به حلل الارض و زینتها و ما خلق فیها لان الله خلق کل ما فی السموات و الارض لعباده الموحّدين کلوا یا قوم ما احل الله علیکم و لاتحرّموا انفسکم عن بدایع نعماته ثم اشکروه و کونوا من الشاکرین.»</p>
51	As to racial prejudice, the corrosion of which, for well-nigh a century, has bitten into the fiber, and attacked the whole social structure of American society, it should be regarded as constituting the most vital and challenging issue confronting the Bahá'í community at the present stage of its evolution. The ceaseless exertions which this issue of paramount importance calls for, the sacrifices it must impose, the care and vigilance it demands, the moral courage and fortitude it requires, the tact and sympathy it necessitates, invest this problem, which the American believers are still far from having satisfactorily resolved, with an urgency and importance that cannot be overestimated. White and Negro, high and low, young and old, whether newly converted to the Faith or not, all who stand identified with it must participate in, and lend their assistance, each according to his or her capacity, experience, and opportunities, to the common task of fulfilling the instructions, realizing the hopes, and following the example, of 'Abdu'l-Bahá. Whether colored or noncolored, neither race has the right, or can conscientiously claim, to be regarded as absolved from such an obligation, as having realized such hopes, or having faithfully followed such an example. A long and thorny road, beset with	<p>اما تعصبات نژادی که تقریباً یک قرن است بر ارکان بنیان اجتماعی امریکا تاخته و تار و پود جامعه‌اش را از هم گسیخته مهمّترین و حیاتی‌ترین مسأله‌ای است که جامعه بهائی با آن رو برو است و مقابله با چنین مشکل عظیم و پر اهمیتی که یاران امریکا هنوز چنانکه باید به حلّش موفق نگشته‌اند مستلزم جهد و کوششی مداوم است، مقتضی فداکاری و ایثار است، مواظبت و مراقبت است، شهامت و استقامت و همدردی و فراست است و این همه به قدری فوریت و به قدری اهمیت دارد که وصفش نتوان کرد. پس یاران قدیم و جدید، سیاه و سفید، وضع و شریف هر یک به قدر مقدور باید تمام استعداد و تجربه خود را بکار اندازند و در حلّ این مشکل مشارکت و مساعدت کنند تا با اجرای دستور و اجرای اوامر الهی موفق شوند تا بر اثر اقدام حضرت عبداله‌بهاء مشی نمایند هنوز مروجین امر نجات‌بخش حضرت بهاءالله چه سفیدپوست و چه سیاه‌پوست در امریکا راهی دراز و ناهموار و پرسنگ و خار در پیش دارند که باید به قدم همّت بپیمایند و کمتر کسی از احبّاء امریکا کاملاً واقف است که مقدار مسافتی که در این سبیل می‌پیمایند و روشی که در این سفر پیش می‌گیرند وابسته به تصرّفات همان قوای غیبیه‌ای است که ضامن پیروزی روحانی یاران امریکا و نیز موفقیت مادی نقشه اخیری است که به اجرایش برخاسته‌اند.</p>

	pitfalls, still remains untraveled, both by the white and the Negro exponents of the redeeming Faith of Bahá'u'lláh. On the distance they cover, and the manner in which they travel that road, must depend, to an extent which few among them can imagine, the operation of those intangible influences which are indispensable to the spiritual triumph of the American believers and the material success of their newly launched enterprise.	
52	Let them call to mind, fearlessly and determinedly, the example and conduct of 'Abdu'l-Bahá while in their midst. Let them remember His courage, His genuine love, His informal and indiscriminating fellowship, His contempt for and impatience of criticism, tempered by His tact and wisdom. Let them revive and perpetuate the memory of those unforgettable and historic episodes and occasions on which He so strikingly demonstrated His keen sense of justice, His spontaneous sympathy for the downtrodden, His ever-abiding sense of the oneness of the human race, His overflowing love for its members, and His displeasure with those who dared to flout His wishes, to deride His methods, to challenge His principles, or to nullify His acts.	یاران امریکا پیوسته باید با شجاعتی بی‌هراس و عزمی بی‌قیاس مَثَلِ اعلی و روش و سلوک حضرت عبدالبهاء را که چندی شمع جمعشان بود در نظر داشته باشند، باید شهامت و عشق و محبت بی‌دریغش و سادگی و دوستی بی‌تکلفش و انتقادات همراه با ملایمت و حکمتش را بیاد آورند، باید جمیع خاطرات وقایع فراموش ناشدنی و تاریخی را که حضرت عبدالبهاء در روش و سلوک خود نمایان ساخت زنده نگاه دارند یعنی عدل و انصاف و همدردی و غمگساریش را با مستمندان و تمسکش را به اصل وحدت نوع انسان و محبت بی‌پایانش را نسبت به بهائیان و ناخشنودیش را از کسانی که آمال مبارکش را زیر پا می‌نهادند و روش و سلوکش را سرسری می‌گرفتند و به ردّ تعالیم و اصولش برمی‌خاستند و اعمال و کردارش را تخطئه می‌کردند همه را همواره درگنجینه خاطر حفظ نمایند.
53	To discriminate against any race, on the ground of its being socially backward, politically immature, and numerically in a minority, is a flagrant violation of the spirit that animates the Faith of Bahá'u'lláh. The consciousness of any division or cleavage in its ranks is alien to its very purpose, principles, and ideals. Once its members have fully recognized the claim of its Author, and, by identifying themselves with its Administrative Order, accepted unreservedly the principles and laws embodied in its teachings, every differentiation of class, creed, or color must automatically be obliterated, and never be allowed, under any pretext, and however great the pressure of events or of public opinion, to reassert itself. If any discrimination is at all to be tolerated, it should be a discrimination not against, but rather in favor of the minority, be it racial or otherwise. Unlike the nations and peoples of the earth, be they of the East or of the West, democratic or authoritarian, communist or capitalist, whether belonging to the Old World or the New, who either ignore, trample upon, or extirpate, the racial, religious, or political minorities within the sphere of their jurisdiction, every organized community enlisted under the banner of Bahá'u'lláh should feel it to be its first and inescapable obligation to	اگر به هر نژادی به این بهانه که از لحاظ اجتماعی عقب مانده و از نظر سیاسی نابالغ و از حیث عدد قلیل است تبعیض و اجحاف روا داریم یقین است که به روح نبأص امر حضرت بهاءالله تجاوزی آشکار وارد ساخته‌ایم زیرا احساس هر نوع جدائی و انشقاق در میان پیروان جمال ابهی کاملاً مغایر و منافی با مقصد و آمال و مرام امرالله است و چون اعضا جامعه بهائی کاملاً به معرفت امر حضرت بهاءالله نایل گردند و با نظم اداریش همعنان شوند و اصول و احکامش را که در متن تعالیمش مندرج است تصدیق و قبول نمایند دیگر هر نوع اختلاف مربوط به طبقات یا رنگ پوست از میانشان رخت بر بندد و به هیچ وجه و به هیچ بهانه و تحت فشار هیچ واقعه‌ای در جامعه بهائی راه نیابد. و اگر تفاوت و تفوق در میان آید باید در جهت حفظ مصالح اقلیت نژادی و غیر آن به کار برده شود. هر جامعه متشکلی که تحت لوای حضرت بهاءالله درآمده، درست بر عکس ملل و مردم جهان چه در شرق و چه در غرب رفتار می‌کند در کشورهای استبدادی یا دموکراتیک، کمونیستی یا سرمایه‌داری، در نیمکره شرقی یا غربی مردم در هیچ یک از آنها اقلیت‌های نژادی و سیاسی و مذهبی را به حساب نمی‌آورند و پامال، حتی نابودشان می‌سازند. اما بهائیان باید اول وظیفه حتمی خویش را چنین دانند که به افراد هر اقلیتی از

	<p>nurture, encourage, and safeguard every minority belonging to any faith, race, class, or nation within it. So great and vital is this principle that in such circumstances, as when an equal number of ballots have been cast in an election, or where the qualifications for any office are balanced as between the various races, faiths or nationalities within the community, priority should unhesitatingly be accorded the party representing the minority, and this for no other reason except to stimulate and encourage it, and afford it an opportunity to further the interests of the community. In the light of this principle, and bearing in mind the extreme desirability of having the minority elements participate and share responsibility in the conduct of Bahá'í activity, it should be the duty of every Bahá'í community so to arrange its affairs that in cases where individuals belonging to the divers minority elements within it are already qualified and fulfill the necessary requirements, Bahá'í representative institutions, be they Assemblies, conventions, conferences, or committees, may have represented on them as many of these divers elements, racial or otherwise, as possible. The adoption of such a course, and faithful adherence to it, would not only be a source of inspiration and encouragement to those elements that are numerically small and inadequately represented, but would demonstrate to the world at large the universality and representative character of the Faith of Bahá'u'lláh, and the freedom of His followers from the taint of those prejudices which have already wrought such havoc in the domestic affairs, as well as the foreign relationships, of the nations.</p>	<p>هر دین و نژاد و طبقه و قومی فرصت پرورش دهند و تشویق و حراستشان نمایند و این اصل اساسی چنان عظیم و حیاتی است که چون در انتخابات بهائی یا در وقت تعیین هیأت عامله تعداد آراء بین دو نفر مساوی گردد که یکی از آنها از افراد اقلیت نژادی یا مذهبی و یا قومی باشد باید بی‌درنگ فرد اقلیت را ترجیح داد و او را منتخب یا منصوب ساخت در پرتو این اصل اصیل و به واسطه آنکه شرکت عناصر اقلیت و داشتن مسئولیت در فعالیت‌ها و خدمات بهائی بسیار مطلوب و محبوب است، وظیفه هر جامعه بهائی است که امور خود را چنان تنظیم نماید که حتی‌الامکان افرادی از اقلیت‌های مختلف که دارای شرایط و لیاقت لازم باشند در مؤسسات بهائی از قبیل محافل روحانیه و کانون‌ها و کنفرانس‌ها و لجنه‌ها به عضویت رسند و در آنها نمایندگی داشته باشند.</p> <p>اتخاذ چنین روش و استقامت صادقانه در آن سبیل نه تنها سرچشمه الهام و تشویق اقلیت‌ها خواهد بود بلکه به جهانیان نیز ثابت خواهد کرد که امر حضرت بهاء‌الله آئینی است جامع و جهانی و فراگیر و نشان خواهد داد که پیروانش از قید تعصباتی که امور داخلی و روابط خارجی اهل عالم را دچار خرابی‌ها و تشنج‌ها فراوان ساخته به کلی رهائی یافته‌اند.</p>
54	<p>Freedom from racial prejudice, in any of its forms, should, at such a time as this when an increasingly large section of the human race is falling a victim to its devastating ferocity, be adopted as the watchword of the entire body of the American believers, in whichever state they reside, in whatever circles they move, whatever their age, traditions, tastes, and habits. It should be consistently demonstrated in every phase of their activity and life, whether in the Bahá'í community or outside it, in public or in private, formally as well as informally, individually as well as in their official capacity as organized groups, committees and Assemblies. It should be deliberately cultivated through the various and everyday opportunities, no matter how insignificant, that present themselves, whether in their homes, their business offices, their schools and colleges, their social parties and recreation grounds, their Bahá'í meetings, conferences, conventions, summer schools and</p>	<p>در این ایام که قسمت بزرگی از نوع انسان به شدت در پنجه تعصبات نژادی به انواع مختلف اسیر است، افراد جامعه بهائی امریکا در هریک از ایالات به هر جا که می‌روند و در هر سنی و سنتی و ذوقی و عاداتی که باشند باید استخلاص از قید تعصبات نژادی را نصب‌العین و شعار خویش سازند و در هر مرحله از حیاتشان و فعالیتشان چه داخل جامعه بهائی یا خارج آن در مجامع عمومی یا خصوصی، رسمی یا غیر رسمی، فردی یا در مقام رسمی تشکیلات بهائی در لجنه‌ها و محافل، در جمیع شئون اثبات نمایند که از قید تعصبات نژادی رهائی یافته‌اند و برای پرورش و تقویت آن اصل هر روز هر فرصتی را هرچند ناچیز باشد مغتنم شمارند و در همه جا در خانه یا محل کار، در مدرسه یا دانشگاه، در مهمانی‌ها یا در ورزشگاه‌ها، در مجالس بهائی یا در کنفرانس‌ها و کانون‌ها، در مدارس تابستانه یا محفل روحانی اصل عدم تعصب نژادی را ظاهر و جلوه‌گر سازند و بالاتر از همه و بیش از هر چیز اساس سیاست محفل ملی یعنی اعلی</p>

	Assemblies. It should, above all else, become the keynote of the policy of that august body which, in its capacity as the national representative, and the director and coordinator of the affairs of the community, must set the example, and facilitate the application of such a vital principle to the lives and activities of those whose interests it safeguards and represents.	هیأت بهائی در کشور باید این باشد که به عنوان نماینده ملت بهائی و مدیر و مدبر امور جامعه سرمشق گردند و چنان اصل اصیلی را بر حیات و خدمات بهائیان که بر حفظ مصالح و حمایتشان مأمورند منطبق سازند و تعمیمش را تسهیل نمایند.
55	<p>“O ye discerning ones!” Bahá’u’lláh has written, “Verily, the words which have descended from the heaven of the Will of God are the source of unity and harmony for the world. Close your eyes to racial differences, and welcome all with the light of oneness.” “We desire but the good of the world and the happiness of the nations,” He proclaims, “...that all nations should become one in faith and all men as brothers; that the bonds of affection and unity between the sons of men should be strengthened; that diversity of religion should cease, and differences of race be annulled.” “Bahá’u’lláh hath said,” writes ‘Abdu’l-Bahá, “that the various races of humankind lend a composite harmony and beauty of color to the whole. Let all associate, therefore, in this great human garden even as flowers grow and blend together side by side without discord or disagreement between them.” “Bahá’u’lláh,” ‘Abdu’l-Bahá moreover has said, “once compared the colored people to the black pupil of the eye surrounded by the white. In this black pupil is seen the reflection of that which is before it, and through it the light of the spirit shineth forth.”</p>	<p>حضرت بهاءالله می‌فرماید: «ای اهل بینش آنچه از سماء مشیت آلهیه نازل گشته علت اتحاد عالم و الفت و یگانگی امم بوده، از اختلافات جنسیه چشم بردارید و کل را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه نمائید (ترجمه)» همچنین «مقصودی جز ارتفاع کلمه‌الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست». «جمع ملل باید در ظل امر واحد و شریعت واحد در آیند و جمیع ناس چون برادر مهرپرور گردند روابط محبت و اتحاد در بین ابناء بشر مستحکم شود و اختلافات و منازعات جنسیه و مذهبیّه کل محو و زائل گردد (ترجمه)» همچنین حضرت عبداله‌بهاء می‌فرماید: «حضرت بهاءالله فرموده‌اند که، نژادهای مختلف انسان موجب ترکیبی هم‌آهنگ و رنگارنگ می‌گردد پس در این بوستان وسیع انسان باید با هم برویند و در کنار هم فارغ از هر اختلاف و خصومتی نشو و نما نمایند. (ترجمه)». و نیز می‌فرمایند، «حضرت بهاءالله روزی سیاه‌پوستان را به مردمک سیاه چشم که حول آن را سفیدی احاطه نموده تشبیه فرموده‌اند و در این مردمک سیاه همواره انعکاسی از صور اشیاء که در برابر آن واقع مشاهده می‌گردد و از آن انوار و تجلیات روح ظاهر و نمایان شود (ترجمه)».</p>
56	<p>“God,” ‘Abdu’l-Bahá Himself declares, “maketh no distinction between the white and the black. If the hearts are pure both are acceptable unto Him. God is no respecter of persons on account of either color or race. All colors are acceptable unto Him, be they white, black, or yellow. Inasmuch as all were created in the image of God, we must bring ourselves to realize that all embody divine possibilities.” “In the estimation of God,” He states, “all men are equal. There is no distinction or preference for any soul, in the realm of His justice and equity.” “God did not make these divisions,” He affirms; “these divisions have had their origin in man himself. Therefore, as they are against the plan and purpose of God they are false and imaginary.” “In the estimation of God,” He again affirms, “there is no distinction of color; all are one in the color and beauty of servitude to Him. Color is not important; the heart is all-important. It mattereth not what the exterior may be if the heart is pure and white within. God doth not behold differences of hue and complexion. He looketh at the hearts. He whose morals and virtues are</p>	<p>و در مقام دیگر مذکور: «خداوند امتیازی بین سفید و سیاه نمی‌گذارد اگر قلوب پاک و مقدس باشد هر دو نزد حق مقبول است خداوند نظر به لون یا جنس افراد ندارد جمیع الوان نزد حق یکسان است خواه سفید خواه سیاه خواه زرد زیرا کل به صورت و مثال الهی خلق شده‌اند و لهذا ما باید بدانیم که جمیع حامل صفات الهی هستند. (ترجمه)» و نیز می‌فرماید: «در پیش خدا جمیع نفوس یکسانند و در ملکوت عدل و رحمت الهی امتیاز و رجحانی برای احدی متصور نه (ترجمه)» همچنین «این حدود و تفاوتها را خلق نفرموده بلکه همه مخلوق بشر است و چون با مقصد و اراده الهی مغایر و مباین است وهم صرف است (ترجمه)». «در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگ‌ها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است، بو و رنگ حکمی ندارد قلب حکم دارد اگر قلب پاک است سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر نرساند خدا نظر به الوان ننماید نظر به قلوب نماید هرکس قلبش پاکتر بهتر، هرکس اخلاقش نیکوتر خوشتر، هرکس توجهش به ملکوت ابهی بیشتر پیشتر، الوان در عالم وجود هیچ حکمی ندارد»</p>

praiseworthy is preferred in the presence of God; he who is devoted to the Kingdom is most beloved. In the realm of genesis and creation the question of color is of least importance.”

“Throughout the animal kingdom,” He explains, “we do not find the creatures separated because of color. They recognize unity of species and oneness of kind. If we do not find color distinction drawn in a kingdom of lower intelligence and reason, how can it be justified among human beings, especially when we know that all have come from the same source and belong to the same household? In origin and intention of creation mankind is one. Distinctions of race and color have arisen afterward.” “Man is endowed with superior reasoning power and the faculty of perception”; He further explains, “he is the manifestation of divine bestowals. Shall racial ideas prevail and obscure the creative purpose of unity in his kingdom?”

“One of the important questions,” He significantly remarks, “which affect the unity and the solidarity of mankind is the fellowship and equality of the white and colored races. Between these two races certain points of agreement and points of distinction exist which warrant just and mutual consideration. The points of contact are many.... In this country, the United States of America, patriotism is common to both races; all have equal rights to citizenship, speak one language, receive the blessings of the same civilization, and follow the precepts of the same religion. In fact numerous points of partnership and agreement exist between the two races, whereas the one point of distinction is that of color. Shall this, the least of all distinctions, be allowed to separate you as races and individuals?”

“This variety in forms and coloring,” He stresses, “which is manifest in all the kingdoms is according to creative Wisdom and hath a divine purpose.” “The diversity in the human family,” He claims, “should be the cause of love and harmony, as it is in music where many different notes blend together in the making of a perfect chord.”

“If you meet,” is His admonition, “those of a different race and color from yourself, do not mistrust them, and withdraw yourself into your shell of conventionality, but rather be glad and show them kindness.”

“In the world of being,” He testifies, “the meeting is blessed when the white and colored races meet together with infinite spiritual love and heavenly harmony. When such meetings are established, and the participants associate with each other with perfect love, unity and kindness, the angels of the Kingdom praise them, and the Beauty of Bahá’u’lláh addresseth them,

و نیز می‌فرماید: «طیور و حیوانات مختلف‌اللون ابداً نظر به رنگ نمی‌کنند بلکه به نوع نظر دارند حال ملاحظه کنید در حالتی که حیوان عقل ندارد ادراک ندارد با وجود این الوان سبب اختلاف نمی‌شود چرا انسان که عاقل است اختلاف می‌کند ابداً سزاوار نیست علی‌الخصوص سفید و سیاه از سلاله یک آدمند از یک خاندانند... پس اصل یکی است این الوان بعد به مناسبت آب و اقلیم پیدا شده، ابداً اهمیت ندارد.» و در جایی دیگر می‌فرماید: «انسان واجد عقل و ایقان و صاحب بصیرت و عرفان و مظهر الطاف و مواهب حضرت یزدان است آیا سزاوار است افکار و تعصبات جنسیه در بین بشر ظاهر گردد و مقصد عظیم خلقت یعنی وحدت من فی‌الامکان را از جلوه و لمعان باز دارد.» (ترجمه)

«یکی از اصول مهمه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین اجناس سیاه و سفید است مابین این دو دسته بعضی جهات توافق موجود و پاره‌ای موارد اختلاف و تمایز مشهود و محسوس که مستلزم بذل دقت و اتخاذ تصمیمات متقابل و تدابیر عادلانه حکیمانه است موارد ارتباط و وحدت بسیار است ... در این کشور یعنی ایالات متحده امریک حب وطن متعلق به هر دو جنس است جمیع از لحاظ عضویت جامعه در صقع واحدند، به یک لسان متکلم‌اند و از مواهب و برکات یک مدنیت بهره‌مند به یک دین متدین‌اند و به یک اصول معتقد و پای‌بند فی‌الحقیقه موجبات الفت و محبت و اتحاد و اتفاق از جهات کثیره بین این دو جنس موجود و حال آن که یگانه مورد اختلاف و تباین مسأله لون است با این وصف آیا جائز است که این اختلاف جزئی علت افتراق گردد و این تفاوت مورث انشقاق و تجزّی یک ملت و یک خاندان شود»

و همچنین مؤکداً می‌فرماید: «این اختلاف صُور و الوان که در عالم خلقت مشهود و بین کافه ممکنات موجود و محسوس مبتنی بر حکمت الهی و مشیت بالغه سبحانی است» (ترجمه)

«این تنوع در جامعه انسانی باید موجب محبت و یگانگی و مایه اتفاق و یکرنگی گردد به مثابه موسیقی که چون الحان مختلفه ترکیب یابد و اصوات متنوعه مقترن و موزون شود نغمه بدیع فراهم آید و آهنگ دلپذیر آذان را ملذذ و محظوظ نماید» (ترجمه)

و نیز دوستان را به این بیان مبارک نصیحت می‌فرماید: «اگر با افرادی از سایر اجناس و الوان برخورد نمائید نسبت به آنان عدم اعتماد نشان ندهید و به تمامه به خود مشغول مگردید و به افکار و اذکار خود نپردازید بلکه بالعکس اظهار مسرت کنید و ابراز رضایت و عطوفت نمائید.» «در عالم وجود اجتماعی مورد عنایت ربّ ودود است که افراد سفید

‘Blessed are ye! Blessed are ye!’ “When a gathering of these two races is brought about,” He likewise asserts, “that assemblage will become the magnet of the Concourse on high, and the confirmation of the Blessed Beauty will surround it.” “Strive earnestly,” He again exhorts both races, “and put forth your greatest endeavor toward the accomplishment of this fellowship and the cementing of this bond of brotherhood between you. Such an attainment is not possible without will and effort on the part of each; from one, expressions of gratitude and appreciation; from the other, kindness and recognition of equality. Each one should endeavor to develop and assist the other toward mutual advancement.... Love and unity will be fostered between you, thereby bringing about the oneness of mankind. For the accomplishment of unity between the colored and white will be an assurance of the world’s peace.”

“I hope,” He thus addresses members of the white race, “that ye may cause that downtrodden race to become glorious, and to be joined with the white race, to serve the world of man with the utmost sincerity, faithfulness, love, and purity. This opposition, enmity, and prejudice among the white race and the colored cannot be effaced except through faith, assurance, and the teachings of the Blessed Beauty.” “This question of the union of the white and the black is very important,” He warns, “for if it is not realized, ere long great difficulties will arise, and harmful results will follow.” “If this matter remaineth without change,” is yet another warning, “enmity will be increased day by day, and the final result will be hardship and may end in bloodshed.”

و سیاه با نهایت الفت و وداد یعنی با روح الهی و وحدت آسمانی با یکدیگر محشور گردند و با عشق و علاقه سرشار و محبت و مودت بیشمار امتزاج یابند و ارتباط حاصل کنند و چون چنین شود ملائکه علین لسان به تحسین گشایند و جمال اقدس ابهی از ملکوت اعلی آن جمع متآلف را به این خطاب احلی مفتخر و متباهی فرماید طوبی لکم ثم طوبی لکم و چون محفلی مرکب از افراد این دو جنس انعقاد یابد آن محفل جالب تأییدات ملاءاعلی گردد و جاذب الطاف و مواهب عالم بالا شود». (ترجمه)

و باز هر دو طبقه یعنی سیاه و سفید را به این بیانات عالیات نصیحت می فرماید: «نهایت اهتمام مبذول دارید و به جان و دل بکوشید تا این محبت استوار گردد و علائق دوستی و اخوت تحکیم پذیرد این موهبت رخ نگشاید و این موفقیت حاصل نگردد مگر با بذل همت و اعمال حسن نیت از هر دو طرف از یکطرف اظهار قدردانی و امتنان و از طرف دیگر ابراز مهربانی و تثبیت وحدت و برابری فی الحقیقه هر یک از طرفین باید طرف دیگر را در بسط و توسعه این منظور متقابل تقویت و مساعدت نماید. و چون چنین شود الفت و یگانگی بین شما افزایش یابد و بالتّیجه موجبات تحقق وحدت عالم انسان فراهم گردد زیرا حصول اتحاد بین سفید و سیاه تضمینی برای استقرار صلح جهان و تشیید مبانی یگانگی در عالم امکان است» (ترجمه)

و نیز خطاب به افراد سفید می فرماید: «امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید، این ضدیت و اختلاف و این عداوت و اعتساف که در میان سیاه و سفید است جز به ایمان و ایقان و تعالیم مبارک زائل نگردد.»

و بالاخره به موجب این بیان اتم اقوم توجه اهل عالم را به مقام و اهمیت این امر خطیر معطوف می دارد قوله العزیز:

«این قضیه اتحاد سیاه و سفید بسیار مهم است و اگر حصول نیابد عنقریب مشکلات عظیمه حاصل گردد.»

و نیز می فرماید:

«اگر کار بر این منوال بماند روز بروز این عداوت ازدیاد یابد و عاقبت مورث مضرات کلیه شود و سبب خونریزی گردد.»

57	<p>A tremendous effort is required by both races if their outlook, their manners, and conduct are to reflect, in this darkened age, the spirit and teachings of the Faith of Bahá'u'lláh. Casting away once and for all the fallacious doctrine of racial superiority, with all its attendant evils, confusion, and miseries, and welcoming and encouraging the intermixture of races, and tearing down the barriers that now divide them, they should each endeavor, day and night, to fulfill their particular responsibilities in the common task which so urgently faces them. Let them, while each is attempting to contribute its share to the solution of this perplexing problem, call to mind the warnings of 'Abdu'l-Bahá, and visualize, while there is yet time, the dire consequences that must follow if this challenging and unhappy situation that faces the entire American nation is not definitely remedied.</p>	<p>در این عصر ظلمانی هر دو نژاد سیاه و سفید باید کوششی فوق العاده نمایند تا انوار تعالیم و روح آئین حضرت بهاء الله در افکار و آداب و رفتارشان پرتو افکند. و باید شب و روز مجاهدت نمایند تا برای ایفای این مسئولیت مشترک و خطیرشان یکباره و تا ابد عقائد باطله سفسطه آمیز نژادی را با تمام پریشانی ها و مصیبت هائی که در بر دارد به کلی از خود برانند و اختلاط بین نژادها را تشویق و استقبال نمایند و جمیع موانع و سدهائی را که امروزه بین آنان جدائی افکنده درهم شکنند و در این راه چون هر یک از آنان می کوشد که سهم خود را در حلّ این مشکل بغرنج ادا نماید چه نیکو است که انذارات حضرت عبدالبهاء را به خاطر آوریم و تا وقت باقی است پیش خود مجسم کنیم که اگر وضع غم انگیز و خطیری که تمام ملت امریکا را فرا گرفته به کلی علاج نشود چه عواقب وخیمی را در بر خواهد داشت.</p>
58	<p>Let the white make a supreme effort in their resolve to contribute their share to the solution of this problem, to abandon once for all their usually inherent and at times subconscious sense of superiority, to correct their tendency towards revealing a patronizing attitude towards the members of the other race, to persuade them through their intimate, spontaneous and informal association with them of the genuineness of their friendship and the sincerity of their intentions, and to master their impatience of any lack of responsiveness on the part of a people who have received, for so long a period, such grievous and slow-healing wounds. Let the Negroes, through a corresponding effort on their part, show by every means in their power the warmth of their response, their readiness to forget the past, and their ability to wipe out every trace of suspicion that may still linger in their hearts and minds. Let neither think that the solution of so vast a problem is a matter that exclusively concerns the other.</p> <p>Let neither think that such a problem can either easily or immediately be resolved. Let neither think that they can wait confidently for the solution of this problem until the initiative has been taken, and the favorable circumstances created, by agencies that stand outside the orbit of their Faith. Let neither think that anything short of genuine love, extreme patience, true humility, consummate tact, sound initiative, mature wisdom, and deliberate, persistent, and prayerful effort, can succeed in</p>	<p>سفیدپوستانی که با عزمی راسخ قصد شرکت در حلّ این مشکل را دارند باید احساس برتری و تفوقی را که به ارث برده و گاه نادانسته در ضمیرشان محفوظ داشته اند برای همیشه از خود برانند و نژاد دیگر را از روی ترحم حمایت ننمایند بلکه از راه معاشرت صمیمانه و صفای دل و یکرنگی صادقانه آنان را راضی وقانع نمایند. و اگر آنچه می کنند به قبول آن مردم که سالیان دراز زخمهای شدید و دیرعلاجی دیده اند در نیاید بردباری کنند و بر بی صبری خویش غالب آیند.</p> <p>از طرف دیگر سیاهپوستان نیز باید با کوششی مشابه با تمام قوا و با گرمی مساعی آن طرف را تقدیر و اجابت نمایند و نشان دهند که حاضرند گذشته ها را فراموش کنند و قادرند غبار هر شک و سوءظنی را که ممکن است هنوز بر ضمیر و دلشان نشسته باشد به کلی بزدایند و هیچ یک از آن دو نژاد نباید تصوّر نمایند که چنان مشکل بزرگی را باید منحصرأ طرف دیگر حلّ نماید.</p> <p>هیچ کس نباید چنین پندارد که می توان با اطمینان خاطر صبر کرد و منتظر شد تا واسطه یا سازمانی خارج از امر الهی پیدا شود تا با ابتکاری و خلق محیط مساعدی بر حلّ آن مشکل عظیم فائق گردد. هیچ کس نباید چنین اندیشد که چیزی جز محبت خالص و صبر جمیل و خضوع حقیقی و حکمت کامل و ابتکار صحیح و فراستی وافر و مساعی مداوم و سنجیده توأم با دعا و مناجات نیست که بتواند لکه ننگ اختلافات نژادی را که سبب بدنامی آن سرزمین گشته از دامن کشورشان بزداید. پس بهائیان از نژاد سفید و سیاه باید</p>

	<p>blotting out the stain which this patent evil has left on the fair name of their common country. Let them rather believe, and be firmly convinced, that on their mutual understanding, their amity, and sustained cooperation, must depend, more than on any other force or organization operating outside the circle of their Faith, the deflection of that dangerous course so greatly feared by 'Abdu'l-Bahá, and the materialization of the hopes He cherished for their joint contribution to the fulfillment of that country's glorious destiny.</p>	<p>ایمان داشته و قویاً معتقد باشند که تغییر مسیر خطرناک اختلافات نژادی در این نیست که نیروئی یا سازمانی خارج از حیطه امر بهائی بیاید و چاره کار کند بلکه در محبت و الفت است و در معاضدت پایدار است که آن مشکل بزرگ که مورد انذار و تحذیر حضرت عبدالبهاء بود حلّ شدنی است و نیز از همین راه است که آمال مرکز میثاق را تحقق می‌بخشد و این آرزوی مبارکش را بر می‌آورد که سیاه و سفید دست به دست هم دهند و سهم خویش را برای وصول به سر نوشت درخشان آن کشور ادا نمایند.</p>
59	<p>Dearly beloved friends! A rectitude of conduct which, in all its manifestations, offers a striking contrast to the deceitfulness and corruption that characterize the political life of the nation and of the parties and factions that compose it; a holiness and chastity that are diametrically opposed to the moral laxity and licentiousness which defile the character of a not inconsiderable proportion of its citizens; an interracial fellowship completely purged from the curse of racial prejudice which stigmatizes the vast majority of its people—these are the weapons which the American believers can and must wield in their double crusade, first to regenerate the inward life of their own community, and next to assail the long-standing evils that have entrenched themselves in the life of their nation. The perfection of such weapons, the wise and effective utilization of every one of them, more than the furtherance of any particular plan, or the devising of any special scheme, or the accumulation of any amount of material resources, can prepare them for the time when the Hand of Destiny will have directed them to assist in creating and in bringing into operation that World Order which is now incubating within the worldwide administrative institutions of their Faith.</p>	<p>دوستان عزیز و محبوب، عمل خالص و خلق و خوی رحمانی با تمام تجلیاتش چقدر با خدعه و فریب و فساد که از خصائص حیات سیاسی و احزاب و دستجات آن ملت است تضاد و تباین دارد. تقدیس و عصمت و پاکدامنی چقدر با عنان‌گسیختگی اخلاقی و آزادی بی‌بندوباری که عده بسیار کثیری از افراد آن کشور را مبتلا ساخته مغایرت دارد. الفت و همنشینی بین نژادها چقدر از تعصبات نژادی که دامن اکثریت وسیع آن مردم را لگه‌دار ساخته دور و پر فاصله است، این صفات و کمالات عالیه است که اسلحه بهائیان امریکا است و همان است که باید یاران آن سامان در جهاد روحانی خویش آن سلاح‌ها را به کار گیرند تا اولاً حیات درونی جامعه خویش را جان و نشاط بخشند و ثانیاً بر مفساد و شرور دیر پائی که در حیات آن ملت رخنه نموده دلیرانه حمله آورند. کامل کردن آن سلاح‌ها و به کار بردن مؤثر و درست و خردمندانه آنها است که بهائیان امریکا را حتی بیش از پیشرفت هر نقشه‌ای یا کشیدن هر طرحی و ذخیره هر مقدار از منابع مادی تأیید خواهد کرد و برای زمانی آماده خواهد ساخت که دست تقدیر آنان را برای مساعدت در ایجاد و بکار انداختن نظامی جهانی که حال در کالبد مؤسسات اداری آئین مقدسشان در حال تکوین است هدایت خواهد نمود.</p>
60	<p>In the conduct of this twofold crusade the valiant warriors struggling in the name and for the Cause of Bahá'u'lláh must, of necessity, encounter stiff resistance, and suffer many a setback. Their own instincts, no less than the fury of conservative forces, the opposition of vested interests, and the objections of a corrupt and pleasure-seeking generation, must be reckoned with, resolutely resisted, and completely overcome. As their defensive measures for the impending struggle are organized and extended, storms of abuse and ridicule, and campaigns of condemnation and misrepresentation, may be unloosed against them. Their Faith, they may soon find, has been assaulted, their motives misconstrued, their aims defamed, their aspirations derided, their institutions scorned, their influence belittled,</p>	<p>در این جهاد دوگانه مبارزان غیور امر حضرت بهاء‌الله لابد است که با مقاومتی شدید روبرو گردند و چه بسا به عقب رانده شوند لهذا آن سپاهیان ملکوت باید با غرائز خویش بجنگند و مردانه با هجوم قوای مرتجعین و محافظه‌کاران و مقاومت ارباب منافع و مخالفت مردم فاسد شهوت‌ران زمانه به نبرد برخیزند و سخت استقامت و پایداری کنند و بر همه غالب گردند و چون تجهیزات دفاعیشان آماده گردد و توسعه و بسط یابد آن وقت است که تندباد طعن و لعن و خیل ملامت و افتراء بر سرشان هجوم آورد چنانکه آن مبارزان امر حضرت بهاء‌الله به زودی شاهد آن خواهند بود که دشمنان حمله بر دین و ایمانشان آورند و بر نیاتشان تهمت و افتراء بسته و مقاصدشان را سوء تعبیر کرده و</p>

	<p>their authority undermined, and their Cause, at times, deserted by a few who will either be incapable of appreciating the nature of their ideals, or unwilling to bear the brunt of the mounting criticisms which such a contest is sure to involve. <i>“Because of ‘Abdu’l-Bahá,” the beloved Master has prophesied, “many a test will be visited upon you. Troubles will befall you, and suffering afflict you.”</i></p>	<p>آمالشان را به استهزاء گرفته و مؤسّسات و معابدشان را تحقیر نموده و نفوذشان را خوار شمرده و اختیاراتشان را سرسری گیرند حتّی شاید ملاحظه نمایند که قلیلی از نفوسی که یا از درک حقیقت امرالله بی‌خبر و یا از تحمّل لطمات حملات و انتقادات روزافزون عاجزاند گاه از امر الهی تبری جویند اینست که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده که «به سبب عبدالبهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید.»</p>
61	<p>Let not, however, the invincible army of Bahá'u'lláh, who in the West, and at one of its potential storm centers is to fight, in His name and for His sake, one of its fiercest and most glorious battles, be afraid of any criticism that might be directed against it. Let it not be deterred by any condemnation with which the tongue of the slanderer may seek to debase its motives. Let it not recoil before the threatening advance of the forces of fanaticism, of orthodoxy, of corruption, and of prejudice that may be leagued against it. The voice of criticism is a voice that indirectly reinforces the proclamation of its Cause. Unpopularity but serves to throw into greater relief the contrast between it and its adversaries, while ostracism is itself the magnetic power that must eventually win over to its camp the most vociferous and inveterate amongst its foes. Already in the land where the greatest battles of the Faith have been fought, and its most rapacious enemies have lived, the march of events, the slow yet steady infiltration of its ideals, and the fulfillment of its prophecies, have resulted not only in disarming and in transforming the character of some of its most redoubtable enemies, but also in securing their firm and unreserved allegiance to its Founders. So complete a transformation, so startling a reversal of attitude, can only be effected if that chosen vehicle which is designed to carry the Message of Bahá'u'lláh to the hungry, the restless, and unshepherded multitudes is itself thoroughly cleansed from the defilements which it seeks to remove.</p>	<p>اما سپاه شکست‌ناپذیر حضرت بهاءالله که حباً لجمال و به نام مبارکش در مغرب‌زمین در میدانی طوفان‌خیز و در یکی از سخت‌ترین و با شکوه‌ترین جنگهایش به محاربه مشغول است هرگز نباید از انتقاد خرده‌گیران هراسان گردد یا از اعتراضات مفتریان که با زخم زبان مقاصد عالی‌اش را خوار و حقیر جلوه می‌دهند خائف و پریشان شود. هرگز نباید از تهدید پیشرفت قوای متعصّبین و متطرّفین مذهبی و مفسدین و مغرضین که کلّ به مقابله بر می‌خیزند عقب نشینند و از میدان بدر رود زیرا صدای اعتراض سبب انتشار ندای امر یزدان است و عدم محبوبیت علّت تجلّی بیشتر تفوّق آنان بر خیل دشمنان. و رد و طرد به منزله مغناطیسی است که نیرویش بالمال سرسخت‌ترین دشمنان عربده‌جوی را به خود جذب نماید چنانکه در (ایران) کشوری که اعظم میدان جهاد امر الهی و موطن شرورترین دشمنانش بوده بروز وقایع حادثه و نفوذ تدریجی و مداوم عالی‌اش و نیز تحقّق وعودش بالمال بعضی از اعظم دشمنانش را خلع سلاح نمود و تغییر حالت داد حتّی به ایمان راسخ فائز کرد و در زمره پیروان وفادارش در آورد. حصول چنین تحوّل عظیمی و چنین تغییر شگرفی در خلق و خوی مردمان فقط از این راه ممکن می‌گردد که آن مجاهدان سیل الهی که مقدر است پیام جانبخش حضرت بهاءالله را به مردم تشنه لب بی‌راهنمای سرگردان ابلاغ کنند خود را از لوّث مفسادی که باید از جهان بزدایند پاک و مبری نگاه دارند.</p>
62	<p>It is upon you, therefore, my best-beloved friends, that I wish to impress not only the urgency and imperative necessity of your holy task, but also the limitless possibilities which it possesses of raising to such an exalted level not only the life and activities of your own community, but the motives and standards that govern the relationships existing among the people to which you belong. Undismayed by the formidable nature of this task, you will, I am confident, meet as befits you the challenge of these times, so fraught with peril, so full of corruption, and yet so</p>	<p>ای یاران محبوب قصدم اینست که نه تنها آن عزیزان را از فوریت و لزومیت و اهمیت وظیفه مقدّسی که بر دوش دارید با خبر سازم بلکه از امکانات نامحدودی که آن وظیفه در حیات و اعمال جامعه یاران در بر دارد که هم سبب اعتلاء آنان و هم موجب ارتفاع موازین و نیات و مقاصد سایر مردم امریکا می‌گردد شمه‌ای بیان نمایم و امیدوار بل مطمئنم که آن یاران از دشواری و مشکلات شدید وظائف مقدّسه خویش مرعوب نگردند</p>

	pregnant with the promise of a future so bright that no previous age in the annals of mankind can rival its glory.	و با شدائد این زمان که با وجود مخاطرت و فسادش آینده بس درخشان و بی‌نظیری را در تاریخ عالم انسان نوید می‌دهد مردانه مقابله نمایند.
63	Dearly beloved friends! I have attempted, in the beginning of these pages, to convey an idea of the glorious opportunities as well as the tremendous responsibilities which, as a result of the persecution of the far-flung Faith of Bahá'u'lláh, now face the community of the American believers, at so critical a stage in the Formative Period of their Faith, and in so crucial an epoch in the world's history. I have dwelt sufficiently upon the character of the mission which in a not too distant future that community must, through the impelling force of circumstances, arise and carry out. I have uttered the warning which I felt would be necessary to a clearer understanding, and a better discharge, of the tasks lying ahead of it. I have set forth, and stressed as far as it was in my power, those exalted and dynamic virtues, those lofty standards, which, difficult as they are to attain, constitute nonetheless the essential requirements for the success of those tasks. A word, I believe, should now be said in connection with the material aspect of their immediate task, upon the termination of which, at its appointed time, must depend not only the unfoldment of the subsequent stages in the Divine Plan envisaged by 'Abdu'l-Bahá, but also the acquisition of those capacities which will qualify them to discharge, in the fullness of time, the duties and responsibilities demanded by that greater mission which it is their privilege to perform.	دوستان بسیار عزیز در ابتدای این اوراق کوشیدم تا به قدر کفایت از فرصت‌های درخشان و جلیل و مسئولیت‌های بسیار عظیمی بیان نمایم که در این زمان بر اثر تضییقات و مظالم وارده بر امر جهانگیر حضرت بهاء‌الله و در چنین مرحله خطیر عصر تکوین امر بهائی و چنین دوران بحرانی تاریخ بشری متوجه یاران امریکا گشته است و همچنین از حقیقت رسالتشان که عنقریب باید آن جامعه به حکم اوضاع جبر زمانه بر اجرایش قیامی مردانه نمایند، و نیز از اندازاتی که برای درک و فهم واضح‌تر و اجرای بهتر خدمات آینده‌شان لازم است سخن گویم و حتی‌المقدور آن خصائص و کمالات و موازینعالیه محرکه‌ای را که حصولش بسیار مشکل ولی برای موفقیت در خدمات شما ضروری است توضیح و بسط دهم. حال در این مقام باید چند کلمه‌ای درباره جنبه مادی خدمات ضروری و فوری آن یاران بنگارم، خدماتی که چون در وقت مقدّر به انجام رسد نه تنها مراحل باقیه نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء را تحقق بخشد بلکه استعداد و قوای را نیز تجهیز نماید تا آن یاران را قادر سازد به موقع خود وظائف و مسئولیت‌های ضروریه رسالت عظمی را که بدان مفتخرند باحسن وجه ایفا نمایند.
64	The Seven Year Plan, with its twofold aspects of Temple ornamentation and extension of teaching activity, embracing both the Northern and Southern American continents, is now well advanced into its second year, and offers to anyone who has observed its progress in recent months signs that are extremely heartening and which augur well for the attainment of its objectives within the allotted time. The successive steps designed to facilitate, and covering the entire field of, the work to be achieved in connection with the exterior ornamentation of the Temple have for the most part been taken. The final phase which is to mark the triumphant conclusion of a thirty-year old enterprise has at long last been entered. The initial contract connected with the first and main story of that historic edifice has been signed. The Fund associated with the beloved name of the Greatest Holy Leaf has been launched. The uninterrupted continuation to its very end of so laudable an enterprise is now assured. The poignant memories of one whose heart so greatly	نقشه هفت‌ساله با دو هدف عمده‌اش یعنی تزئینات خارجی بنای مشرق‌الاذکار و تبلیغ و اشاعه امرالله در ممالک امریکای شمالی و جنوبی حال در سال دومش پیشرفت شایان نموده و با شواهدی که در ماه‌های اخیر به ظهور رسیده سبب تشویق و دلگرمی ناظرین گشته و به تحقق اهدافش در رأس تاریخ مقرر بشارت می‌دهد. قدم‌های بعدی برای تسهیل و پرداختن به جمیع اقدامات لازم برای تزئینات مشرق‌الاذکار نیز برداشته شده و آخرین مرحله متضمن اتمام پیروزمندانه این مشروع سی‌ساله هم اکنون آغاز گشته و قرار داد اول مربوط به طبقه اول و عمده آن بنای رفیع به امضاء رسیده است و صندوق مخصوصی به نام مبارک حضرت ورقه علیا تأسیس گشته و ادامه کار بدون وقفه تا پایان ساختمانش تضمین شده است خاطرات شورانگیز نفس مقدسی که قلب مبارکش از ارتفاع آن بنیان رفیع سرشار از سرور و شادمانی بود یقین است چنان آن یاران را در مساعی نهائی لازم برای تکمیلش قوت می‌دهد که حتی در نفوسی که ممکن است هنوز

	rejoiced at the rearing of the superstructure of this sacred House will so energize the final exertions required to complete it as to dissipate any doubt that may yet linger in any mind as to the capacity of its builders to worthily consummate their task.	بپندارند که ساختن چنان بنائی از حدّ قدرت جامعه بهائی بیرون است ادنی شک و تردیدی باقی نخواهد گذاشت.
65	The teaching aspect of the Plan must now be pondered. Its challenge must be met, and its requirements studied, weighed, and fulfilled. Superb and irresistible as is the beauty of the first Mashriqu'l-Adhkár of the West, majestic as are its dimensions, unique as is its architecture, and priceless as are the ideals and the aspirations which it symbolizes, it should be regarded, at the present time, as no more than an instrument for a more effective propagation of the Cause and a wider diffusion of its teachings. In this respect it should be viewed in the same light as the administrative institutions of the Faith which are designed as vehicles for the proper dissemination of its ideals, its tenets, and its verities.	حال در جنبه تبلیغی نقشه هفت ساله قدری تأمل نمائیم که باید با مشکلات آینده اش مبارزه و مقابله نمود و حوائج و ضروریاتش را مطالعه کرد و سنجید و فراهم آورد. هر چند اولین مشرق الاذکار غرب هیأت و صورتش دلربا و جمیل و ابعادش جسیم و هندسه اش بدیع و مقصد و آمالی که دربر دارد پس رفیع است با همه این احوال باید در این زمان آن را به همان گونه نگریست که به دیگر مؤسسات و تشکیلات اداری بهائی که همه برای این طرح شده اند که به منزله وسائط و وسائل صحیح ترویج و انتشار آمال و حقایق و اصول امر الهی باشند.
66	It is, therefore, to the teaching requirements of the Seven Year Plan that the community of the American believers must henceforth direct their careful and sustained attention. The entire community must, as one man, arise to fulfill them. To teach the Cause of God, to proclaim its truths, to defend its interests, to demonstrate, by words as well as by deeds, its indispensability, its potency, and universality, should at no time be regarded as the exclusive concern or sole privilege of Bahá'í administrative institutions, be they Assemblies, or committees. All must participate, however humble their origin, however limited their experience, however restricted their means, however deficient their education, however pressing their cares and preoccupations, however unfavorable the environment in which they live. "God," Bahá'u'lláh, Himself, has unmistakably revealed, "hath prescribed unto everyone the duty of teaching His Cause." "Say," He further has written, "Teach ye the Cause of God, O people of Bahá, for God hath prescribed unto everyone the duty of proclaiming His Message, and regardeth it as the most meritorious of all deeds."	پس باید یاران امریکا مستقیماً توجّه دقیق و مداوم خویش را به آنچه لازمه تبلیغ در نقشه هفت ساله است معطوف نمایند و فرد فرد اعضاء جامعه قیام به تدارک واجبات آن نمایند. هرگز نباید تصوّر کنند که تبلیغ امرالله و اعلان حقایقش و دفاع از مصالحش و اثبات ضرورت و عمومیتش با گفتار و کردار منحصرّاً وظیفه تشکیلات اداری بهائی اعم از محافل روحانیه یا لجنه های وابسته است بلکه جمیع افراد بهائی هر قدر مقامات ظاهریشان حقیر و تجاربشان قلیل و منابع و امکاناتشان ناچیز و هر قدر تحصیلاتشان محدود و نگرانی و دغدغه خاطرشان شدید و محیط زندگانشان نامناسب و نامساعد باشد کل باید بدون استثناء در تبلیغ امرالله مشارکت نمایند چنانکه حضرت بهاءالله می فرماید: «قدکتب الله لكل نفس تبلیغ امره» و نیز «یا ملاء البهاء بلّغوا امرالله لأن الله قدکتب لكل نفس تبلیغ امره وجعله افضل الاعمال».
67	A high and exalted position in the ranks of the community, conferring as it does on its holder certain privileges and prerogatives, no doubt invests him with a responsibility that he cannot honorably shirk in his duty to teach and promote the Faith of God. It may, at times, though not invariably, create greater opportunities and furnish better facilities to spread the knowledge of that Faith, and to win supporters to its	اگر کسی از افراد جامعه به مرتبه ای عالی رسد نفس آن امتیاز و مقام با مسئولیتی همراه است که او بدون شک هرگز نمی تواند از آن شانه خالی کند و آن مسئولیت عبارت از تبلیغ امرالله و ترویج کلمه الله است. هر چند آن مقامات و مراتب احیاناً امکانات و تسهیلات بیشتری را در اشاعه امر الهی و جذب حامیان و یاوران مؤسساتش به وجود می آورد اما

	institutions. It does not, however, under any circumstances, necessarily carry with it the power of exercising greater influence on the minds and hearts of those to whom that Faith is presented. How often—and the early history of the Faith in the land of its birth offers many a striking testimony—have the lowliest adherents of the Faith, unschooled and utterly inexperienced, and with no standing whatever, and in some cases devoid of intelligence, been capable of winning victories for their Cause, before which the most brilliant achievements of the learned, the wise, and the experienced have paled.	نمی‌توان گفت که در جمیع احوال مقامات و مراتب مذکور در تقلیب قلوب و افکار طالبان تحقیق امرالله بالضروره نفوذ بیشتری داشته باشد و چنانکه تاریخ امر بهائی در ایران شهادت می‌دهد چه بسا که احقر نفوس در جامعه بهائی بوده‌اند که هرگز مدرسه‌ای ندیده و تجربه‌ای نیندوخته و مقامی نیافته حتی از هوش و ذکاوت سرشار عاری بوده‌اند که توانسته‌اند به فتوحات عظیمه‌ای نائل گردند که اعظم توفیقات اهل علم و دانش و تجربه در مقابلش کم فروغ جلوه می‌کند.
68	“Peter,” ‘Abdu’l-Bahá has testified, “according to the history of the Church, was also incapable of keeping count of the days of the week. Whenever he decided to go fishing, he would tie up his weekly food into seven parcels, and every day he would eat one of them, and when he had reached the seventh, he would know that the Sabbath had arrived, and thereupon would observe it.” If the Son of Man was capable of infusing into apparently so crude and helpless an instrument such potency as to cause, in the words of Bahá’u’lláh, “the mysteries of wisdom and of utterance to flow out of his mouth,” and to exalt him above the rest of His disciples, and render him fit to become His successor and the founder of His Church, how much more can the Father, Who is Bahá’u’lláh, empower the most puny and insignificant among His followers to achieve, for the execution of His purpose, such wonders as would dwarf the mightiest achievements of even the first apostle of Jesus Christ!	به شهادت قلم حضرت عبدالبهاء: «پطرس نیز به حسب تاریخ کلیسا حساب هفته را نمی‌توانست نگاه دارد. و وقتی می‌خواست به صید ماهی برود هفت بسته غذا می‌بست هر روز یکی را می‌خورد چون آن هفتمین را می‌خورد می‌دانست روز سبت است آن وقت می‌آمد سبت را نگاه می‌داشت.» پس اگر حضرت مسیح یا «پسر انسان» قادر بود در شخص ساده و ناتوانی چنان قوه‌ای بدمد که به فرمایش حضرت بهاءالله «جری من فمه اسرار الحکمة والبیان» یعنی اسرار حکمت و بیان از دهانش جاری شود و او را بر سایر حواریون مرجح شمارد و او را جانشین و مؤسس کلیسای خویش شمارد دیگر ملاحظه کنید که حضرت بهاءالله یعنی پدر آسمانی چه قوائی را در ضعیف‌ترین و حقیرترین بندگان می‌تواند به ودیعت نهد تا در سبیل اجرای مقاصد مقدسش به امور عظیمه‌ای نائل گردند که حتی توفیقات اولین حواری حضرت مسیح در مقابلش بزرگ ننماید.
69	“The Báb,” ‘Abdu’l-Bahá, moreover, has written, “hath said: ‘Should a tiny ant desire, in this day, to be possessed of such power as to be able to unravel the abstrusest and most bewildering passages of the Qur’án, its wish will no doubt be fulfilled, inasmuch as the mystery of eternal might vibrates within the innermost being of all created things.’ If so helpless a creature can be endowed with so subtle a capacity, how much more efficacious must be the power released through the liberal effusions of the grace of Bahá’u’lláh!”	و در مقام دیگر از قلم مبارکش چنین صادرگشته: «حضرت اعلی روحی له الفدا می‌فرماید، لو ارادت نمله ان تفسر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لان الله الصمدانیه قد تلجلج فی الحقیقه الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظل فیوضات جمال قدم روحی لاجبائه الفدا چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود.»
70	The field is indeed so immense, the period so critical, the Cause so great, the workers so few, the time so short, the privilege so priceless, that no follower of the Faith of Bahá’u’lláh, worthy to bear His name, can afford a moment’s hesitation. That God-born Force, irresistible in its sweeping power, incalculable in its potency, unpredictable in its course, mysterious in its workings, and awe-inspiring in its manifestations—a Force which, as the Báb has written, “vibrates within the innermost being of all	امروز میدان خدمت چنان وسیع و زمان چنان خطیر و امر الهی چنان عظیم و فرصت چنان قصیر و عده خادمانش چنان قلیل و امتیازات مخصوصه‌اش چنان جلیل است که هیچ یک از پیروان آئین حضرت بهاءالله که لایق انتساب به نام مبارک او است لحظه‌ای نمی‌تواند و نمی‌پسندد که آنی توقّف و فتور به خود راه دهد. آن قوه الهیه که سطوتش عام و مقاومت‌ناپذیر و قدرتش بی‌حساب و مسیرش خارج از حیطه تصوّر و تصرّفاتش

	<p><i>created things,” and which, according to Bahá’u’lláh, has through its “vibrating influence,” “upset the equilibrium of the world and revolutionized its ordered life”—such a Force, acting even as a two-edged sword, is, under our very eyes, sundering, on the one hand, the age-old ties which for centuries have held together the fabric of civilized society, and is unloosing, on the other, the bonds that still fetter the infant and as yet unemancipated Faith of Bahá’u’lláh. The undreamt-of opportunities offered through the operation of this Force—the American believers must now rise, and fully and courageously exploit them. “The holy realities of the Concourse on high,” writes ‘Abdu’l-Bahá, “yearn, in this day, in the Most Exalted Paradise, to return unto this world, so that they may be aided to render some service to the threshold of the Abhá Beauty, and arise to demonstrate their servitude to His sacred Threshold.”</i></p>	<p>اسرار انگیز و ظهورات و بروزاتش حیرت خیز، قوه‌ای که به فرموده حضرت اعلی «قد تلجلج فی حقیقه الکائنات» و به فرموده حضرت بهاء الله قوای نافذه نبأضه‌اش «قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البديع» است چنین قوه‌ای به منزله شمشیری دو دم در کار است تا از طرفی رشته‌های پوسیده عتیقه‌ای را که قرن‌ها تار و پود نسج جامعه متمدن عالم را به هم بافته است از هم بگسلاند و از طرف دیگر گره‌هایی را که هنوز امر نوزاد الهی را در بند کرده و آزادیش را سلب نموده به کلی از هم بگشاید این قوه حائز امکاناتی است که حتی در عالم رؤیا نیز مشاهده نتوان کرد حال بر عهده یاران امریکا است که برخیزند و آن فرصت‌ها را کاملاً و متهوراً مغتنم شمارند. و این بیان حضرت عبدالبهاء را بیاد آورند که می‌فرماید: «الیوم حقائق مقدسه ملاء اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع به این عالم می‌نمایند تا موفق به خدمتی به آستان جمال ابهی گردند و به عبودیت عتبه مقدسه قیام کنند.»</p>
71	<p>A world, dimmed by the steadily dying-out light of religion, heaving with the explosive forces of a blind and triumphant nationalism; scorched with the fires of pitiless persecution, whether racial or religious; deluded by the false theories and doctrines that threaten to supplant the worship of God and the sanctification of His laws; enervated by a rampant and brutal materialism; disintegrating through the corrosive influence of moral and spiritual decadence; and enmeshed in the coils of economic anarchy and strife—such is the spectacle presented to men’s eyes, as a result of the sweeping changes which this revolutionizing Force, as yet in the initial stage of its operation, is now producing in the life of the entire planet.</p>	<p>جهان ما امروز جهانی است که در آن انوار دین هر دم خاموش‌تر می‌شود و قوای انفجارپذیر ناسیونالیزم بی‌امان و غالب هر روز به نقطه انفجار نزدیکتر می‌شود. جهانی که در آتش مظالم بی‌رحمانه نژادی و مذهبی می‌گدازد و در فریب آراء و افکار و مرام‌های باطل و نادرستی که جایگزین پرستش خدای بی‌همتا و تعالیم و احکام مقدسش گشته سرگشته و سرگردان است. جهانی که با مفساد و انحطاطات اخلاقی که شدیداً در آن رخنه نموده پایه و بنیادش پوسیده و در حال فرو ریختن است و در دام هرج و مرج و کشمکش‌های اقتصادی در بند است. این تحولات و انقلاباتی که امروز در جهان ما است همه در نتیجه نفوذ همان قوه غالبه نافذه الهیه است که حال با آن که بدایت کار است چنین حیات عالم انسان را منقلب و دگرگون ساخته و می‌سازد.</p>
72	<p>So sad and moving a spectacle, bewildering as it must be to every observer unaware of the purposes, the prophecies, and promises of Bahá’u’lláh, far from casting dismay into the hearts of His followers, or paralyzing their efforts, cannot but deepen their faith, and excite their enthusiastic eagerness to arise and display, in the vast field traced for them by the pen of ‘Abdu’l-Bahá, their capacity to play their part in the work of universal redemption proclaimed by Bahá’u’lláh. Every instrument in the administrative machinery which, in the course of several years, they have so laboriously erected must be fully utilized, and subordinated to the end for which it was created. The Temple, that proud embodiment of so rare a spirit of self-</p>	<p>چنین منظره غم‌انگیز و تأثرآمیزی که در مقابل ما است لابد هر ناظری را که از مقاصد و پیش‌گوئی‌ها و مواعید حضرت بهاء الله بی‌خبر است متحیر و مبهوت می‌سازد. اما هرگز پیروانش را به یأس و حرمان دچار ننماید و مساعی و مجهوداتشان را از کار نیندازد بلکه ایمانشان را راسخ‌تر و شوق و ذوقشان را بیشتر کند تا قیامی شدیدتر نمایند و در میدان وسیعی که قلم حضرت عبدالبهاء برایشان طرح و ترسیم فرموده کمر همّت بربندند و در انتشار پیام نجات‌بخش حضرت بهاء الله حتی‌القوه سهم خویش را ادا نمایند و باید هر وسیله‌ای که چند سال است با زحمت و مشقت در دستگاه تشکیلات خویش ساخته‌اند کاملاً به کار گیرند و آن را وسیله اجراء مقاصدی سازند که آن وسائل از برای تحققش</p>

	sacrifice, must likewise be made to play its part, and contribute its share to the teaching campaign designed to embrace the entire Western Hemisphere.	خلق شده‌اند و مشرق‌الاذکار نیز که مظهر نادر روح فداکاری و جانفشانی یاران است باید نقش خویش را بازی کند و در نهضت تبلیغ که باید در سراسر نیمکره غربی گسترش یابد سهم خویش را ادا نماید.
73	The opportunities which the turmoil of the present age presents, with all the sorrows which it evokes, the fears which it excites, the disillusionment which it produces, the perplexities which it creates, the indignation which it arouses, the revolt which it provokes, the grievances it engenders, the spirit of restless search which it awakens, must, in like manner, be exploited for the purpose of spreading far and wide the knowledge of the redemptive power of the Faith of Bahá'u'lláh, and for enlisting fresh recruits in the ever-swelling army of His followers. So precious an opportunity, so rare a conjunction of favorable circumstances, may never again recur. Now is the time, the appointed time, for the American believers, the vanguard of the hosts of the Most Great Name, to proclaim, through the agencies and channels of a specially designed Administrative Order, their capacity and readiness to rescue a fallen and sore-tried generation that has rebelled against its God and ignored His warnings, and to offer it that complete security which only the strongholds of their Faith can provide.	همچنین فرصت‌هایی که آشوب‌ها و آشفتگی‌های این زمان در پیش ما نهاده است با همه غم‌هایی و هول و هراسی و یأس و حرمانی و سرگردانی و خشم و غضب و طغیانی که بر می‌انگیزد، با همه ناخشنودی و شکوه‌هایی که بیار می‌آورد، با همه جستجوها و تلاشی که برای یافتن راه حلّ مشکلات ایجاد می‌کند نباید از دست رود بلکه باید، از همه این فرصت‌ها استفاده نمائیم و آنها را برای اعلان و انتشار نیروی نجات‌بخش امر حضرت بهاء‌الله و ازدیاد عدد سپاهیان روزافزون پیروانش به کار گیریم زیرا دیگر شاید چنین فرصت گرانبهایی و تقارن چنین اوضاع و احوال مساعدی هرگز به دست نیاید. حال وقت آن است که بهائیان امریکا، آن علمداران سپاه اسم اعظم از راه تشکیلات مخصوصه نظم اداری ندا برآورند و اعلان کنند که مهیا و آماده‌اند برخیزند و بکوشند تا مردمان درمانده و خسته و ناتوان عصر حاضر که به محاربه با خدا برخاسته و از انذارات الهی غفلت نموده‌اند نجات یابند و امن و امانی را که فقط در حصن حصین امر بهائی می‌توان یافت بر جمیع خلق عرضه دارند.
74	The teaching campaign, inaugurated throughout the states of the North American Republic and the Dominion of Canada, acquires, therefore, an importance, and is invested with an urgency, that cannot be overestimated. Launched on its course through the creative energies released by the Will of 'Abdu'l-Bahá, and sweeping across the Western Hemisphere through the propelling force which it is generating, it must, I feel, be carried out in conformity with certain principles, designed to insure its efficient conduct, and to hasten the attainment of its objective.	لهذا نهضت کنونی تبلیغی که در امریکا و کانادا آغاز گشته چنان فوریت و اهمیت دارد که تصوّرش را نتوان کرد زیرا نهضتی است که با کلمه خلاّقه الواح وصایای حضرت عبدالبهاء آغاز گشته و با همان قوه محرکه سراسر نیمکره غربی را فرا گرفته است و باید به نحوی به آن پرداخت که با اصولی که جهت تضمین اجرای مؤثرش و وصول سریع به اهداف عالی‌اش وضع شده موافق و مطابق باشد.
75	Those who participate in such a campaign, whether in an organizing capacity, or as workers to whose care the execution of the task itself has been committed, must, as an essential preliminary to the discharge of their duties, thoroughly familiarize themselves with the various aspects of the history and teachings of their Faith. In their efforts to achieve this purpose they must study for themselves, conscientiously and painstakingly, the literature of their Faith, delve into its teachings, assimilate its laws and principles, ponder its admonitions, tenets and purposes, commit to memory certain of	کسانی که در این نهضت تبلیغی شرکت دارند چه آنان که وظیفه‌شان تنظیم و مدیریت آن یا خدمت در اجرای اهدافش می‌باشد همگی باید پیش از هر کار خود را با جنبه‌های متنوع تاریخ و تعالیم امر الهی به خوبی آشنا سازند، در این راه باید با دقّت و آگاهی تمام به مطالعه آثار شریعت مقدّسه خویش پردازند و در تعالیمش غور و تحقیق کنند و مبادی و احکامش را جذب خود نمایند و در تذکرات و اهداف و اصولش تفکّر و تعمّق کنند و برخی از بیانات و مناجات‌هایش را به حافظه بسپارند و در اصول تشکیلات اداریش کاملاً تبحّر یابند و همواره از وقایع و تحولات جاریه با خبر باشند. همچنین باید با

	<p>its exhortations and prayers, master the essentials of its administration, and keep abreast of its current affairs and latest developments. They must strive to obtain, from sources that are authoritative and unbiased, a sound knowledge of the history and tenets of Islām—the source and background of their Faith—and approach reverently and with a mind purged from preconceived ideas the study of the Qur’án which, apart from the sacred scriptures of the Bábí and Bahá’í Revelations, constitutes the only Book which can be regarded as an absolutely authenticated Repository of the Word of God. They must devote special attention to the investigation of those institutions and circumstances that are directly connected with the origin and birth of their Faith, with the station claimed by its Forerunner, and with the laws revealed by its Author.</p>	<p>مساعدت منابع و مآخذی موثق و بی‌تعصب از تاریخ و اصول دین اسلام یعنی زمینه و منشأ امر مقدسشان اطلاع صحیح یابند و با تکریم و خضوع و فارغ از هر نوع پیشداوری به مطالعه قرآن پردازند که غیر از آثار مقدسه ظهورات بابی و بهائی یگانه کتاب مستندی مشتمل بر کلمات الهیه است و نیز باید در اوضاع و احوالی تحقیق کنند که با اصل و ظهور امر الهی و مقام و دعوی مبشر اعظمش و احکام صادره از قلم اعلایش ارتباط مستقیم دارد.</p>
76	<p>Having acquired, in their essentials, these prerequisites of success in the teaching field, they must, whenever they contemplate undertaking any specific mission in the countries of Latin America, endeavor, whenever feasible, to acquire a certain proficiency in the languages spoken by the inhabitants of those countries, and a knowledge of their customs, habits, and outlook. “<i>The teachers going to those parts,</i>” ‘Abdu’l-Bahá, referring in one of the Tablets of the Divine Plan to the Central American Republics, has written, “<i>must also be familiar with the Spanish language.</i>” “<i>A party speaking their languages ...</i>,” He, in another Tablet, has written, “<i>must turn their faces to and travel through the three great Island groups of the Pacific Ocean.</i>” “<i>The teachers traveling in different directions,</i>” He further states, “<i>must know the language of the country in which they will enter. For example, a person being proficient in the Japanese language may travel to Japan, or a person knowing the Chinese language may hasten to China, and so forth.</i>”</p>	<p>و چون این شرایط که رمز موفقیتشان در میدان تبلیغ است اصولاً بدست آمد باید حتی‌الامکان قبل از آن که به مأموریت خویش در ممالک امریکای لاتین قیام نمایند، زبان آن ممالک را تا حد ممکن بیاموزند و از فرهنگ و عادات و آداب مردم آن کشورها با خبر گردند. حضرت عبدالهء در یکی از الواح تبلیغی با اشاره به جمهوریات امریکای مرکزی می‌فرماید: «همچنین نفوسی که به آن صفحات می‌روند باید به لسان اسپانیولی، مآلوف باشند» و در لوح دیگر چنین می‌فرماید: «جمعی زبان‌دان... توجه به سه دسته جزائر عظیمه دریای پاسیفیک نمایند» و نیز می‌فرماید: «مبلغین که به اطراف می‌روند باید لسان هر مملکتی که داخل می‌شوند بدانند مثلاً نفسی که در لسان ژاپون ماهر به مملکت ژاپون سفر نماید نفسی که به لسان چینی ماهر به مملکت چین بشتابد و علی‌هذا المنوال.»</p>
77	<p>No participator in this inter-American campaign of teaching must feel that the initiative for any particular activity connected with this work must rest solely with those agencies, whether Assemblies or committees, whose special concern is to promote and facilitate the attainment of this vital objective of the Seven Year Plan. It is the bounden duty of every American believer, as the faithful trustee of ‘Abdu’l-Bahá’s Divine Plan, to initiate, promote, and consolidate, within the limits fixed by the administrative principles of the Faith, any activity he or she deems fit to undertake for the furtherance of the Plan. Neither the threatening world situation, nor any consideration of lack of material resources, of mental equipment, of knowledge, or of</p>	<p>احدی از یاران که در نهضت تبلیغی در ممالک امریکای شمالی و جنوبی خدمت می‌کنند هرگز نباید چنین پندارد که هر نوع ابتکار و اقدام مخصوصی در این سبیل باید منحصرأ از طرف مؤسسات امریه از قبیل محافل روحانیه و لجنات باشد که توجهشان معطوف به ترویج و تسهیل وصول به اهداف نقشه هفت‌ساله است بلکه وظیفه و تکلیف شدید فرد بهائیان امریکا یعنی امناء نقشه ملکوتی حضرت عبدالهء اینست که هر یک تحت اصول اداری امرالله هر نوع خدمتی را که برای پیشرفت نقشه هفت ساله مناسب می‌داند و در حد استعداد خود می‌شمارد آغاز کند و به ترویجش مبادرت ورزد و طالبان مهاجرت و تبلیغ را هیچ چیز حتی وخامت اوضاع جهان یا فقر منابع مادی یا فقدان استعدادات</p>

	<p>experience—desirable as they are—should deter any prospective pioneer teacher from arising independently, and from setting in motion the forces which, ‘Abdu’l-Bahá has repeatedly assured us, will, once released, attract even as a magnet the promised and infallible aid of Bahá’u’lláh. Let him not wait for any directions, or expect any special encouragement, from the elected representatives of his community, nor be deterred by any obstacles which his relatives, or fellow-citizens may be inclined to place in his path, nor mind the censure of his critics or enemies. “<i>Be unrestrained as the wind,</i>” is Bahá’u’lláh’s counsel to every would-be teacher of His Cause, “<i>while carrying the Message of Him Who hath caused the dawn of Divine Guidance to break. Consider how the wind, faithful to that which God hath ordained, bloweth upon all regions of the earth, be they inhabited or desolate. Neither the sight of desolation, nor the evidences of prosperity, can either pain or please it. It bloweth in every direction, as bidden by its Creator.</i>” “<i>And when he determineth to leave his home, for the sake of the Cause of his Lord,</i>” Bahá’u’lláh, in another passage, referring to such a teacher, has revealed, “<i>let him put his whole trust in God, as the best provision for his journey, and array himself with the robe of virtue.... If he be kindled with the fire of His love, if he forgoeth all created things, the words he uttereth shall set on fire them that hear him.</i>”</p>	<p>معنوی یا قلت علم و تجربه که وجود همه ممدوح و مقبول است هرگز نباید از قیام در آن میدان باز دارد و از قوه‌ای محرومشان سازد که بنا به بیانات مکرره حضرت عبدالبهاء چون شامل حال شود مغناطیس تأییدات موعوده حتمیه حضرت بهاءالله گردد و امداد و نصرتشان نماید. آن نفوس مبارکه هرگز نباید منتظر بنشینند که نمایندگان منتخبه جامعه دستوری به آنان دهند یا تشویقشان کنند، هرگز نباید با موانعی که اقوام و خویشان‌شان و دوستان هم‌وطنشان احیاناً پیش راهشان می‌نهند از خدمت منصرف گردند. حضرت بهاءالله خطاب به هرکس که بر تبلیغ امرش قیام نماید چنین می‌فرماید:</p> <p>«مثل اریاح باش در امر فالق‌الاصباح چنانچه مشاهده می‌نمائی که اریاح نظر به مأموریت خود بر خراب و معمور مرور می‌نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون. نظر به مأموریت خود داشته و دارد». و در مقام دیگر می‌فرماید:</p> <p>«و اذا اراد الخروج من وطنه لامر ربه يجعل زاده التوکل علی الله و لباسه التقوی... اذا اشتعل بنار الحب و زین بطراز الانقطاع يشتعل بذکره العباد».</p>
78	<p>Having on his own initiative, and undaunted by any hindrances with which either friend or foe may, unwittingly or deliberately, obstruct his path, resolved to arise and respond to the call of teaching, let him carefully consider every avenue of approach which he might utilize in his personal attempts to capture the attention, maintain the interest, and deepen the faith, of those whom he seeks to bring into the fold of his Faith. Let him survey the possibilities which the particular circumstances in which he lives offer him, evaluate their advantages, and proceed intelligently and systematically to utilize them for the achievement of the object he has in mind. Let him also attempt to devise such methods as association with clubs, exhibitions, and societies, lectures on subjects akin to the teachings and ideals of his Cause such as temperance, morality, social welfare, religious and racial tolerance, economic cooperation, Islám, and Comparative Religion, or participation in social, cultural, humanitarian, charitable, and educational organizations and enterprises which, while safeguarding the integrity of his Faith, will open up to him a multitude of ways and means whereby he</p>	<p>آن که بصرافت طبع و بی‌پروا از موانعی که دوست یا دشمن دانسته یا ندانسته در راهش می‌نهد با عزمی راسخ بر تبلیغ امرالله قیام می‌کند باید با کمال دقت بسنجد که چه طریقی را بپیماید تا جهد و کوشش شخصی او منجر به جلب توجه و حفظ علاقه و تقویت ایمان کسانی شود که می‌خواهد تبلیغشان نماید. باید تحقیق نماید تا که در اوضاع و احوال محل سکونتش چه فرصت‌های مفیدی موجود است از روی فکر و اندیشه و با نظم و ترتیب آنها را برای حصول مقصد و هدفش بکار برد. باید همچنین روش‌های متنوعی را در پیش‌گیرد مانند عضویت در کلوب‌ها، شرکت در نمایشگاه‌ها و انجمن‌ها و ایراد نطق‌هایی با موضوع‌هایی که به مبادی امرالله مطابقت دارد از قبیل اعتدال، اخلاقیات، رفاه اجتماعی، مدارا و بردباری مذهبی و تسامح نژادی، همکاری اقتصادی، اسلام و تطبیق و مقایسه ادیان یا در انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و انسان دوستانه و سازمان‌های خیریه و تعلیم و تربیت شرکت نماید که همه در عین حال که اصالت امرالهی را محفوظ می‌دارد نیز سبب می‌شود راه‌های متعدد و وسائل گوناگونی را در اختیارش بگذارد تا از آن راه‌ها بتواند متدرجاً تربیت و حمایت و بالاخره اقبال و ایمان</p>

<p>can enlist successively the sympathy, the support, and ultimately the allegiance of those with whom he comes in contact. Let him, while such contacts are being made, bear in mind the claims which his Faith is constantly making upon him to preserve its dignity, and station, to safeguard the integrity of its laws and principles, to demonstrate its comprehensiveness and universality, and to defend fearlessly its manifold and vital interests. Let him consider the degree of his hearer's receptivity, and decide for himself the suitability of either the direct or indirect method of teaching, whereby he can impress upon the seeker the vital importance of the Divine Message, and persuade him to throw in his lot with those who have already embraced it. Let him remember the example set by 'Abdu'l-Bahá, and His constant admonition to shower such kindness upon the seeker, and exemplify to such a degree the spirit of the teachings he hopes to instill into him, that the recipient will be spontaneously impelled to identify himself with the Cause embodying such teachings. Let him refrain, at the outset, from insisting on such laws and observances as might impose too severe a strain on the seeker's newly awakened faith, and endeavor to nurse him, patiently, tactfully, and yet determinedly, into full maturity, and aid him to proclaim his unqualified acceptance of whatever has been ordained by Bahá'u'lláh. Let him, as soon as that stage has been attained, introduce him to the body of his fellow-believers, and seek, through constant fellowship and active participation in the local activities of his community, to enable him to contribute his share to the enrichment of its life, the furtherance of its tasks, the consolidations of its interests, and the coordination of its activities with those of its sister communities. Let him not be content until he has infused into his spiritual child so deep a longing as to impel him to arise independently, in his turn, and devote his energies to the quickening of other souls, and the upholding of the laws and principles laid down by his newly adopted Faith.</p>	<p>نفوس را تأمین نماید. و در هر کوشش تبلیغی باید پیوسته متوجه و واقف باشد و در همه حال بیاد آورد که پیوسته جلال و وقار و مقام اعلای امرالهی را محفوظ دارد و جامعیت احکام و اصولش را مراعات کند و جهانی بودن و عمومیتش را نمایان سازد. و از مصالح متعدده حیاتیش با غیرت و شجاعت دفاع نماید. باید بسنجد که مستمعین به چه مقدار گوش شنوا دارند تا معلوم گردد که باید از طریق مستقیم یا غیر مستقیم امرالله را به آنان ابلاغ نماید تا طالبان حقیقت را از اهمیت حیاتی امرالهی با خبر گرداند و آنان را بر پیوستن به مقبلین و مؤمنین راغب سازد باید مثل اعلائی را که حضرت عبدالبهاء مقرر و نصایحی را که مکرر بیان فرموده همواره بخاطر آورد با طالبان حقیقت در جمیع اوقات با محبت رفتار نماید و روح تعالیمی را که امیدوار است در قلبشان القاء نماید چنان در گفتار و کردار خود نمایان سازد تا آنان را برانگیزد، تا خویش را به طیب خاطر با دینانی که چنان تعالیم مبارکی را در خود تجسم بخشیده پیوند دهند. باید در بدایت بر احکامی اصرار نورزد که ممکن است بر طالب حقیقت که تازه به ایمان فائز گشته تحمیلی لایطاق باشد بلکه باید بکوشد که او را با صبر و حکمت و استقامت پرورش دهد و به رتبه بلوغ رساند و او را مدد کند تا ایمان و اطاعت محضه خود را از آنچه از قلم حضرت بهاءالله صادر گشته علناً اعلام نماید و چون به آن مقام رسید او را به جامعه پیروان امرالله معرفی نماید و با دوستی و محبت دائم و شرکت در خدمات جامعه محلی او را قادر سازد که در جمیع اوقات سهم خویش را در حیات جمع اهل بهاء و پیشرفت مقاصدش و تحکیم مصالحش ادا نماید و در هماهنگی مجهودات جامعه بهائی با جوامع دیگر شرکت جوید. و شخص مبلغ تا در فرزند روحانی خویش چنان شوقی ندمد که او را مستقلاً بر خدمت امرالله برانگیزد تا بنوبه خود قوایش را صرف هدایت سایر نفوس نماید و به موجب احکام و مبادی دین جدیدش عامل گردد هرگز قانع و خرسند نشود.</p>
<p>79 Let every participator in the continent-wide campaign initiated by the American believers, and particularly those engaged in pioneer work in virgin territories, bear in mind the necessity of keeping in close and constant touch with those responsible agencies designed to direct, coordinate, and facilitate the teaching activities of the entire community. Whether it be the body of their elected national representatives, or its chief auxiliary institution, the National Teaching Committee, or its subsidiary organs, the regional teaching committees, or the local</p>	<p>هرکس که در این نهضت تبلیغی که یاران امریکا آغازش کرده اند شرکت دارد مخصوصاً کسانی که مهاجرت به نقاط بکر کرده اند باید متوجه باشند که باید با تشکیلات اداری جامعه که مخصوص رهبری و هماهنگی و تسهیل خدمات تبلیغی به وجود آمده ارتباط نزدیک و پیوسته ای داشته باشند و در خدماتشان در ترویج و اشاعه امر حضرت بهاءالله با هیأت منتخبه ملی یا مؤسسات تابعه اش لجنة ملی تبلیغ و دوائر منتسبه یا محافل روحانی محلی و لجنات تبلیغشان مرتبط گردند و به واسطه مکاتبات یا متحدالمآلها، گزارش ها یا</p>

	<p>Spiritual Assemblies and their respective teaching committees, they who labor for the spread of the Cause of Bahá'u'lláh should, through constant interchange of ideas, through letters, circulars, reports, bulletins and other means of communication with these established instruments designed for the propagation of the Faith, insure the smooth and speedy functioning of the teaching machinery of their Administrative Order. Confusion, delay, duplication of efforts, dissipation of energy will, thereby, be completely avoided, and the mighty flood of the grace of Bahá'u'lláh, flowing abundantly and without the least obstruction through these essential channels will so inundate the hearts and souls of men as to enable them to bring forth the harvest repeatedly predicted by 'Abdu'l-Bahá.</p>	<p>نشریه‌های خبری یا وسائل دیگر ارتباطی سعی نمایند تا دستگاه تبلیغی نظم اداری به کمال آرامش و سرعت به کار افتد و به این طریق از هر نوع آشفتگی و ابهامی و تعویق و تأخیری و عمل زائد و مکرری و اتلاف جهد و کوششی به کلی جلوگیری شود باران بی حساب فضل و عنایت حضرت بهاء الله سیل آسا از مجاری تشکیلات بهائی بدون کمترین مانعی چنان بر مزرعه دل و جان مردمان جاری گردد که حاصل پر برکتی که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده است به دست آید.</p>
80	<p>Upon every participator in this concerted effort, unprecedented in the annals of the American Bahá'í community, rests the spiritual obligation to make of the mandate of teaching, so vitally binding upon all, the all-pervading concern of his life. In his daily activities and contacts, in all his journeys, whether for business or otherwise, on his holidays and outings, and on any mission he may be called upon to undertake, every bearer of the Message of Bahá'u'lláh should consider it not only an obligation but a privilege to scatter far and wide the seeds of His Faith, and to rest content in the abiding knowledge that whatever be the immediate response to that Message, and however inadequate the vehicle that conveyed it, the power of its Author will, as He sees fit, enable those seeds to germinate, and in circumstances which no one can foresee enrich the harvest which the labor of His followers will gather. If he be member of any Spiritual Assembly let him encourage his Assembly to consecrate a certain part of its time, at each of its sessions, to the earnest and prayerful consideration of such ways and means as may foster the campaign of teaching, or may furnish whatever resources are available for its progress, extension, and consolidation. If he attends his summer school—and everyone without exception is urged to take advantage of attending it—let him consider such an occasion as a welcome and precious opportunity so to enrich, through lectures, study, and discussion, his knowledge of the fundamentals of his Faith as to be able to transmit, with greater confidence and effectiveness, the Message that has been entrusted to his care. Let him, moreover, seek, whenever feasible, through intercommunity visits to stimulate the zeal for teaching, and to demonstrate to outsiders the zest and alertness</p>	<p>در این قیام مشترک و جمعی تبلیغی که در تاریخ جامعه بهائی امریکا بی سابقه است هرکس که در آن شرکت نماید باید امر جلیل تبلیغ را که وظیفه عمومی جمیع بهائیان است بزرگترین امر حیات خویش شمارد و هرکس که حامل پیام حضرت بهاء الله است در فعالیت‌ها و تماس‌های روزانه‌اش و در طول سفرهای کاری و معمولیش، در هنگام گردش یا اوقات تعطیلاتش و در هر وظیفه‌ای که باو محول گردد باید وظیفه بلکه افتخار خویش بداند که بذر هدایت را در همه جا پراکنده سازد و از این مطمئن باشد که از قبول یا رد مردم و ضعف و ناتوانی خود که حامل آن پیام جانبخش است نهراسد زیرا هر چه باشد باید مطمئن باشد که مشیت غالبه و قدرت فائقه حضرت بهاء الله مظهر ظهور الهی آن بذرهای طبیعه را سرسبز گرداند و در اوضاع و احوالی که بر هیچ‌کس معلوم نیست خرمی را که محصول تخم‌های افشانده پیروان او است بارور نماید و حاصلی پرثمر و پر برکت به آنان عطا فرماید و همچنین اگر چنان کسی عضو محفل روحانی باشد باید به محفل خویش متذکر گردد که قسمتی از اوقات خویش را در هر جلسه در نهایت توجه و تبتل و اخلاص حصر در این مشورت نمایند که چه راهی را در پیش گیرند و به چه وسائلی تشبث جویند که سبب رونق تبلیغ شود و منابعی که برای ترقی و توسعه و تقویتش موجود است فراهم آید. و نیز اگر چنان کسی در مدرسه تابستانه شرکت جوید (مدرسه‌ای که جمیع را باید بدون استثناء تشویق کرد که در آن حاضر باشند) باید چنین فرصت مبارکی را غنیمت شمارد و با استفاده از نطق‌ها و خطابات و بحث و فحص معلومات خویش را تقویت کند تا با اعتماد و تأثیر بیشتری بتواند پیام مبارکی را که با خود دارد به دیگران منتقل نماید. و نیز باید هر وقت بتواند به سفرهای بین جوامع بهائی</p>

	of the promoters of his Cause and the organic unity of its institutions.	پردازد و در آن‌ها ذوق و شوق تبلیغ بدمد و به بیگانگان نشان دهد که مروجین امرالله چقدر هوشیار و فطن و پرشورند و مؤسساتشان اصولاً به چه مقدار متفق و متحد.
81	<p>Let anyone who feels the urge among the participators in this crusade, which embraces all the races, all the republics, classes and denominations of the entire Western Hemisphere, arise, and, circumstances permitting, direct in particular the attention, and win eventually the unqualified adherence, of the Negro, the Indian, the Eskimo, and Jewish races to his Faith. No more laudable and meritorious service can be rendered the Cause of God, at the present hour, than a successful effort to enhance the diversity of the members of the American Bahá'í community by swelling the ranks of the Faith through the enrollment of the members of these races. A blending of these highly differentiated elements of the human race, harmoniously interwoven into the fabric of an all-embracing Bahá'í fraternity, and assimilated through the dynamic processes of a divinely appointed Administrative Order, and contributing each its share to the enrichment and glory of Bahá'í community life, is surely an achievement the contemplation of which must warm and thrill every Bahá'í heart. <i>"Consider the flowers of a garden," 'Abdu'l-Bahá has written, "though differing in kind, color, form, and shape, yet, inasmuch as they are refreshed by the waters of one spring, revived by the breath of one wind, invigorated by the rays of one sun, this diversity increaseth their charm, and addeth unto their beauty. How unpleasing to the eye if all the flowers and plants, the leaves and blossoms, the fruits, the branches and the trees of that garden were all of the same shape and color! Diversity of hues, form and shape, enricheth and adorneth the garden, and heighteneth the effect thereof. In like manner, when divers shades of thought, temperament and character, are brought together under the power and influence of one central agency, the beauty and glory of human perfection will be revealed and made manifest. Naught but the celestial potency of the Word of God, which ruleth and transcendeth the realities of all things, is capable of harmonizing the divergent thoughts, sentiments, ideas, and convictions of the children of men."</i> "I hope," is the wish expressed by 'Abdu'l-Bahá, <i>"that ye may cause that downtrodden race [Negro] to become glorious, and to be joined with the white race to serve the world of man with the utmost sincerity, faithfulness, love and purity."</i> "One of the important questions," He also has written, <i>"which affect the unity and the</i></p>	<p>هر کس که در این جهاد روحانی که جمیع نژادها و جمیع جمهوریات و طبقات و مذاهب نیمکره غربی را در بردارد شرکت نماید باید در وقت مساعد توجه خویش را معطوف به هدایت نژاد سیاه و سرخ پوستان و اسکیموها و یهودیان نماید و آنانرا در زمره بندگان ثابت قدم امر اعظم در آورد. حال هیچ خدمتی به آستان الهی خوشتر و شایسته‌تر از این نیست که کسی موفق گردد با ازدیاد عدد مؤمنین از آن نژادها بر تنوع جامعه بهائیان سراسر قاره آمریکا بیفزاید. اختلاط این عناصر بسیار متفاوت نوع بشر، که در نسج اخوت عمومی بهائی بهم بافته و با قوه محرکه نظم اداری الهی مجذوب و ممزوج یکدیگر شده باشند و هریک از آن عناصر سهم خویش را در افزایش غنا و جلال حیات بهائی ادا کرده باشد، یقیناً موفقیتی خواهد بود که حتی تصورش باعث دلگرمی و سرور هریک از احباء خواهد شد. حضرت عبدالبهاء در لوحی چنین بیان فرموده‌اند:</p> <p>«ملاحظه نمائید گل‌های حدائق هرچند مختلف‌النوع و متفاوت‌اللون و مختلف‌الصور و الاشکالند ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت و ضیاء یک شمس پرورش نمایند آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد، اگر حدیقه‌ای را گل‌ها و ریاحین و شکوفه و اثمار و اوراق و اغصان و اشجار از یک نوع و یک لون و یک ترکیب و یک ترتیب باشد به هیچ‌وجه لطافتی و حلاوتی ندارد ولیکن چون الوان و اوراق و اثمار و گوناگون باشد هر یکی سبب تزیین و جلوه سائر الوان گردد و حدیقه انیقه شود و در نهایت لطافت و طراوت و حلاوت جلوه نماید و همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوه واحده و نفوذ کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود الیوم جز قوه کلمه‌الله که محیط بر حقایق اشیاء است عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظل شجره واحده جمع نتواند» و در مقام دیگر می‌فرماید:</p> <p>«امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید.» و در لوح مبارک دیگری می‌فرماید:</p> <p>«یکی از اصول مهمه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین افراد سیاه و سفید است*» و در الواح تبلیغی چنین آمده است:</p>

	<p>«اهاالی اصلی امریکا یعنی هندی‌ها را بسیار اهمیت دهید زیرا این نفوس مانند اهاالی قدیمه جزیره‌العرب هستند که پیش از بعثت حضرت محمد حکم و حوش داشتند چون نور محمدی در میان آنها طلوع نمود چنان روشن شدند که جهان را روشن کردند و همچنین این هنود اگر تربیت شوند و هدایت یابند شبهه‌ای نیست که به تعالیم آلهی چنان روشن گردند که آفاق را روشن نمایند». و نیز می‌فرماید:</p> <p>«اگر ممکن است مبلّغین به سایر ولایات کانادا ارسال دارید و همچنین به گرین‌لند و بلاد اسکیموها مبلّغین بفرستید» و در همان الواح مقدّسه مذکور:</p> <p>«بلکه انشاءالله نداء ملکوت‌الله به مسامع اسکیموها ... برسد... اگر همّتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات آلهی منتشر شود تأثیر شدید دارد» و همچنین می‌فرماید:</p> <p>«الحمدلله آنچه در الواح به اسرائیل تبشیر فرموده‌اند و در مکاتیب عبدالبهاء نیز تصریح شده جمیع در حیز تحقّق است بعضی وقوع یافته و بعضی وقوع خواهد یافت، جمال مبارک در الواح مقدّسه تصریح فرموده‌اند که ایام ذلّت اسرائیل گذشت ظلّ عنایت شامل گردد و این سلسله روز به روز ترقّی خواهد نمود و از خمودت و مذلّت هزاران سال خلاصی خواهد یافت».</p>
82	<p>Let those who are holding administrative positions in their capacity as members of either the National Spiritual Assembly, or of the national, the regional, or local teaching committees, continually bear in mind the vital and urgent necessity of insuring, within as short a time as possible, the formation, in the few remaining states of the North American Republic and the provinces of the Dominion of Canada, of groups, however small and rudimentary, and of providing every facility within their power to enable these newly formed nuclei to evolve, swiftly and along sound lines, into properly functioning, self-sufficient, and recognized Assemblies. To the laying of such foundations, the erection of such outposts—a work admittedly arduous, yet sorely needed and highly inspiring—the individual members of the American Bahá'í community must lend their unstinted, continual, and enthusiastic support. Wise as may be the</p>

کسانی که در تشکیلات به عنوان اعضاء محافل روحانیه ملیّه و لجنه‌های ملی، ناحیه‌ای یا محلی خدمت می‌کنند باید همواره این وظیفه خطیر و فوری را بیاد داشته باشند که در اندک زمانی ضروری است که در بقیه ایالات کشور امریکای شمالی و ولایات کانادا جمعیت‌های بهائی ولو آنکه ضعیف و ابتدائی و محدود باشند تشکیل شود و حتّی القوّه بکوشند این مراکز اساسی جدیدالتأسیس بسرعت و با اتقان به محافلی مستقل و کارآمد که رسمیت هم داشته باشد تبدیل گردد. چنین بنیانی را بنیاد نهادن و چنین پایگاهی را بنا کردن اگر چه بسیار صعب و مشکل است اما بسیار لازم و روح‌بخش است لهذا افراد جامعه بهائی امریکا باید در این سبیل به حمایت بلاوقفه و پرشور و بی‌درنگ خویش قائم گردند زیرا تصمیمات محافل ملیّه هر قدر حکیمانه و عملی و همراه با نقشه‌های دقیق باشد تا عده کافی مهاجرین حاضر به فداکاری نباشند و بر اجراء این طرح‌ها قیام

measures which their elected representatives may devise, however practical and well conceived the plans they formulate, such measures and plans can never yield any satisfactory results unless a sufficient number of pioneers have determined to make the necessary sacrifices, and to volunteer to carry these projects into effect. To implant, once and for all, the banner of Bahá'u'lláh in the heart of these virgin territories, to erect the structural basis of His Administrative Order in their cities and villages, and to establish a firm and permanent anchorage for its institutions in the minds and hearts of their inhabitants, constitute, I firmly believe, the first and most significant step in the successive stages through which the teaching campaign, inaugurated under the Seven Year Plan, must pass. Whereas the external ornamentation of the Mashriqu'l-Adhikár, under this same Plan, has now entered the final phase in its development, the teaching campaign is still in its initial stages, and is far from having extended effectively its ramifications to either these virgin territories, or to those Republics that are situated in the South American continent. The effort required is prodigious, the conditions under which these preliminary establishments are to be made are often unattractive and unfavorable, the workers who are in a position to undertake such tasks limited, and the resources they can command meager and inadequate. And yet, how often has the pen of Bahá'u'lláh assured us that *"should a man, all alone, arise in the name of Bahá, and put on the armor of His love, him will the Almighty cause to be victorious, though the forces of earth and heaven be arrayed against him."* Has He not written: *"By God, besides Whom is none other God! Should anyone arise for the triumph of our Cause, him will God render victorious though tens of thousands of enemies be leagued against him. And if his love for me wax stronger, God will establish his ascendancy over all the powers of earth and heaven."* *"Consider the work of former generations,"* 'Abdu'l-Bahá has written; *"During the lifetime of Jesus Christ the believing, firm souls were few and numbered, but the heavenly blessings descended so plentifully that in a number of years countless souls entered beneath the shadow of the Gospel. God has said in the Qur'án: 'One grain will bring forth seven sheaves, and every sheaf shall contain one hundred grains.' In other words, one grain will become seven hundred; and if God so wills He will double these also. It has often happened that one blessed soul has become the cause of the guidance of a nation. Now we must not consider our ability and capacity,*

نمایند آن همه تصمیمات و نقشه‌ها هرگز نتیجه‌ای نبخشند. به یقین چنین است که افراشتن علم حضرت بهاء‌الله در قلب این نواحی بکر و ارتفاع بنیان نظم اداریش در شهرها و قصبات و تأسیس لنگرگاهی مستحکم و دائم برای مؤسسات عالی‌اش در قلوب و ارواح ساکنان آن مناطق به منزله اولین و مشهودترین قدم لازم برای طی مراحل باقیه نهضت تبلیغی در ظل نقشه هفت ساله محسوب است و از طرف دیگر در حالیکه تزئینات خارجی مشرق‌الاذکار که از اهداف همان نقشه است به مرحله آخر رسیده جهاد تبلیغی هنوز در مراحل اولیه است و هنوز در نقاط بکر و کشورهای امریکای جنوبی نتوانسته است چنانکه باید مؤثر افتد. بلی همّت و مجاهدتی که در این سبیل لازم است بسیار صعب و دشوار است و شرایطی که لازمه بنای چنان تأسیسات اولیه است بسی نارسا است و نفوسی که قادر بر قیام به چنین خدمت عظیم‌اند بس قلیل و منابعشان بسیار محدود و غیر کافی اما مکرّر در مکرّر بیانات حضرت بهاء‌الله به امثال این بیانات مبارکه به ما اطمینان بخشیده که:

«لو يقوم واحد علی حبّ البهاء فی ارض الانشاء و یحارب معه کلّ من فی الارض و السماء لیغلبه الله علیهم اظهاراً لقدرته و ابرازاً لسلطنته» آیا این وعده صریح و اطمینان بلیغ از قلم ملهم جمال قدم جلّ اسم‌الاعظم نازل نشده که می‌فرماید: «فوالله الذی لا اله الا هو لو يقوم واحد منکم علی نصره امرنا لیغلبه الله علی مائة الف ولو ازداد فی حبه لیغلبه الله علی من فی السموات و الارض» در این مقام حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«دراسلاف ملاحظه نمایند که در ایام مسیح نفوس مؤمن ثابت معدود قلیلی بودند ولی چنان برکت آسمانی نازل شد در سنین معدوده جمّ عظیمی بظلّ انجیل درآمدند، در قرآن می‌فرماید که یک حبه هفت خوشه برآرد و هر خوشه صد دانه بدهد یعنی یکدانه هفتصد دانه گردد و خداوند اگر بخواهد مضاعف می‌فرماید چه بسیار واقع که نفس مبارکی سبب هدایت مملکتی شد حال نظر به استعداد و قابلیت خویش نباید نمائیم بلکه نظر به عنایت و فیوضات آلهیه در این ایام نمائیم که قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب جوید».

آنان که عزم راسخ دارند که اولین کسانی باشند که علم چنین امر عظیمی را در کشورهای مذکور بلند نمایند از این کلمات جانبخش زنده می‌شوند که فرموده «جوشن محبتش را در برکنند» محبتی که چون یکه و تنها قیام کنند شدتش بیشتر گردد و داستان اعمالشان صفحات تاریخ روحانی کشورشان را بیش از همیشه زینت بخشد.

	<p><i>may rather we must fix our gaze upon the favors and bounties of God, in these days, Who has made of the drop a sea, and of the atom a sun.</i>” Let those who resolve to be the first to hoist the standard of such a Cause, under such conditions, and in such territories, nourish their souls with the sustaining power of these words, and, “<i>putting on the armor of His love,</i>” a love which must “<i>wax stronger</i>” as they persevere in their lonesome task, arise to adorn with the tale of their deeds the most brilliant pages ever written in their country’s spiritual history.</p>	
83	<p>“<i>Although,</i>” ‘Abdu’l-Bahá, in the Tablets of the Divine Plan, has written, “<i>in most of the states and cities of the United States, praise be to God, His fragrances are diffused, and souls unnumbered are turning their faces and advancing toward the Kingdom of God, yet in some of the states the Standard of Unity is not yet upraised as it should be, nor are the mysteries of the Holy Books, such as the Bible, the Gospel, and the Qur’án, unraveled. Through the concerted efforts of all the friends the Standard of Unity must needs be unfurled in those states, and the Divine teachings promoted, so that these states may also receive their portion of the heavenly bestowals and a share of the Most Great Guidance.</i>” “<i>The future of the Dominion of Canada,</i>” He, in another Tablet of the Divine Plan, has asserted, “<i>is very great, and the events connected with it infinitely glorious. The eye of God’s loving-kindness will be turned towards it, and it shall become the manifestation of the favors of the All-Glorious.</i>” “<i>Again I repeat,</i>” He, in that same Tablet reaffirms His previous statement, “<i>that the future of Canada, whether from a material or a spiritual standpoint, is very great.</i>”</p>	<p>در این مقام حضرت عبدالبهاء در منشور ملکوتی تبلیغ می‌فرماید: «هر چند در اکثر مدائن ایالات متحده الحمدلله نفحات الله منتشر و جم غفیری به ملکوت الله متوجه و ناظر ولی در بعضی ایالات چنانچه باید و شاید علم توحید بلند نگشته و اسرار کتب الهیه منتشر نگردیده باید به همت یاران علم توحید در آن دیار موج زند و تعالیم الهیه انتشار یابد تا آنان را نیز از موهبت آسمانی و هدایت کبری بهره و نصیب داده شود». نیز در لوحی دیگر چنین فرموده: «اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف سبحانیه خواهد شد» و در همان لوح مبارک باز این وعده مبارکه را تأکید کرده می‌فرماید: «مستقبل کانادا بسیار عظیم است چه از حیثیت ملک و چه از حیثیت ملکوت».</p>
84	<p>No sooner is this initial step taken, involving as it does the formation of at least one nucleus in each of these virgin states and provinces in the North American continent, than the machinery for a tremendous intensification of Bahá’í concerted effort must be set in motion, the purpose of which should be the reinforcement of the noble exertions which only a few isolated believers are now making for the awakening of the nations of Latin America to the Call of Bahá’u’lláh. Not until this second phase of the teaching campaign, under the Seven Year Plan, has been entered can the campaign be regarded as fully launched, or the Plan itself as having attained the most decisive stage in its evolution. So powerful will be the effusions of Divine grace that will be poured forth upon a valiant community that has already in the administrative sphere erected, in all the glory of its</p>	<p>و چون این قدم اول که متضمن تشکیل اقلای یک هسته مرکزی در هر یک از ایالات و ولایات قاره امریکای شمالی است برداشته شد باید تشکیلاتی که برای تشدید و توسعه مساعی متحده بهائیان امریکا بوجود آمده متوجه تحکیم مجهودات مشکوره‌ای گردد که حال معدودی از افراد مهاجر در نقاط منفرد مبذول می‌دارند تا به هدایت ملت‌های امریکای لاتین به ندای حضرت بهاء‌الله توفیق یابند و تا این دوّمین مرحله نهضت تبلیغ در طی نقشه هفت ساله طی نشود نمی‌توان گفت که نقشه هفت ساله کاملاً آغاز گشته و به مرحله قاطع و مهمّ تکاملش رسیده است و اگر بر آن مهمّ قیام نمایند باران تأیید بر آن جامعه دلیر چنان شدید بارد و آنان را که در دایره تشکیلات اداریش به بنیان رفیع مشرق‌الاذکار توفیق یافته و به تزئینات پرشکوه خارجیش پرداخته و در میدان تبلیغ پرچم</p>

	<p>exterior ornamentation, its chief Edifice, and in the teaching field raised aloft, in every state and province, in the North American continent the banner of its Faith—so great will be these effusions that its members will find themselves overpowered by the evidences of their regenerative power.</p>	<p>امرالّٰه را در جميع ايالات امريكاي شمالي مواج ساخته چنان مؤيد سازد كه افراد آن جامعه خود از شواهد شامله تائيدات ملاء اعلى متعجب و حيران گردند.</p>
85	<p>The Inter-America Committee must, at such a stage, nay even before it is entered, rise to the level of its opportunities, and display a vigor, a consecration, and enterprise as will be commensurate with the responsibilities it has shouldered. It should not, for a moment, be forgotten that Central and Southern America embrace no less than twenty independent nations, constituting approximately one-third of the entire number of the world's sovereign states, and are destined to play an increasingly important part in the shaping of the world's future destiny. With the world contracting into a neighborhood, and the fortunes of its races, nations and peoples becoming inextricably interwoven, the remoteness of these states of the Western Hemisphere is vanishing, and the latent possibilities in each of them are becoming increasingly apparent.</p>	<p>لجنه تبليغ قاره امريكا در چنان مرحله خطيرى حتى قبل از آن بايد از فرصت‌هاى موجوده استفاده كند و به جد تمام و با توحيد مساعى و با همّتى مطابق با مسئوليت‌هاى كه بر دوش دارد در ايفاي وظائف خويش دليرانه سعى و كوشش نمايد و هرگز از خاطر نبرد كه ممالك امريكاي مركزى و جنوبى مشتمل بر بيش از بيست كشور مستقل يعنى تقريباً ثلث تعداد تمام ممالك مستقل جهان است كه به حكم تقدير مقرر است كه سهم روزافزون مهمّى را در سرنوشت آينده جهان ايفاء نمايند و حال كه جهان به سوى وحدت حركت مى‌كند و منافع و مقررات نژادها و ملل و مردمش به هم بافته و مرتبط و ممزوج مى‌گردد ديگر فواصل بين كشورهاي نيمكره غربى را وجهى نمى‌ماند و امكانات و استعدادات نهفته در هر يك از آن ممالك هر روز نمايان‌تر مى‌شود.</p>
86	<p>When this second stage in the progressive unfoldment of teaching activities and enterprises, under the Seven Year Plan, is reached, and the machinery required for its prosecution begins to operate, the American believers, the stout-hearted pioneers of this mighty movement, must, guided by the unfailing light of Bahá'u'lláh, and in strict accordance with the Plan laid out by 'Abdu'l-Bahá, and acting under the direction of their National Spiritual Assembly, and assured of the aid of the Inter-America Committee, launch an offensive against the powers of darkness, of corruption, and of ignorance, an offensive that must extend to the uttermost end of the Southern continent, and embrace within its scope each of the twenty nations that compose it.</p>	<p>و چون دوّمين مرحله فعاليت و مجهودات تحت نقشه هفت ساله طى جريان دائم التقدّمش تحقق پذيرد و چون تشكيلاتى لازم براى اجرايش به وجود آيد آن وقت است كه احبّاي امريكا كه پيشاهنگان غيور اين نهضت جليل‌اند بايد در پرتو هدايت انوار تابناك اسم اعظم و طبق نقشه ملكوتى حضرت عبدالبهاء و در سايه رهبرى محفل روحانى ملّى و مساعدت حتمى لجنه تبليغ قاره امريكا قيامى عاشقانه نمايند و بر صف قواى ظلمت و فساد و جهالت زنند و اين چهار روحانى به اقصى نقطه قاره امريكاي جنوبى در همه بيست كشور آن منطقه اتّسع دهند.</p>
87	<p>Let some, at this very moment, gird up the loins of their endeavor, flee their native towns, cities, and states, forsake their country, and, "<i>putting their whole trust in God as the best provision for their journey</i>," set their faces, and direct their steps towards those distant climes, those virgin fields, those unsundered cities, and bend their energies to capture the citadels of men's hearts—hearts, which, as Bahá'u'lláh has written, "<i>the hosts of Revelation and of utterance can subdue</i>." Let them not tarry until such time as their fellow-laborers will have passed the first stage in their campaign of teaching, but let them rather, from this very hour, arise to usher in the opening phase of what will come to be regarded as one of the most</p>	<p>سزاوار چنان است كه در اين لحظه خطير جمعى از ياران دامن همّت بركرم زنند و از شهر و ديار و كشور خويش هجرت نمايند و به مصداق آيه «ينبغى لهؤلاء ان يكون زادهم التوكّل على الله» با توشه توكل متوجه و عازم آن نقاط بعيده و بكر و غير مفتوحه گردند و مجاهدت نمايند تا قلعه‌هاى مستحكم قلوب مردمان را به مصداق «انّها يسّخر به جنود الوحى و البيان» بگشايند. منتظر ننشينند تا ياران و ياورانشان كه قبل از ايشان به تبليغ و مهاجرت قيام كرده‌اند مرحله نهضت تبليغى را اوّل طى نمايند بلكه از همين ساعت برخيزند تا مرحله دوم را كه درخشان‌ترين فصل تاريخ بين‌المللى امر مباركشان است آغاز نمايند و در اين رهگذر بايد اوّل به تبليغ خويش پردازند و به اين بيان حضرت بهاء‌الله</p>

	<p>glorious chapters in the international history of their Faith. Let them, at the very outset, <i>“teach their own selves, that their speech may attract the hearts of their hearers.”</i> Let them regard the triumph of their Faith as their <i>“supreme objective.”</i> Let them not <i>“consider the largeness or smallness of the receptacle”</i> that carries the measure of grace that God poureth forth in this age. Let them <i>“disencumber themselves of all attachment to this world and the vanities thereof,”</i> and, with that spirit of detachment which ‘Abdu’l-Bahá exemplified and wished them to emulate, bring these diversified peoples and countries to the remembrance of God and His supreme Manifestation. Let His love be a <i>“storehouse of treasure for their souls,”</i> on the day when <i>“every pillar shall tremble, when the very skins of men shall creep, when all eyes shall stare up with terror.”</i> Let their <i>“souls be aglow with the flame of the undying Fire that burneth in the midmost heart of the world, in such wise that the waters of the universe shall be powerless to cool down its ardor.”</i> Let them be <i>“unrestrained as the wind”</i> which <i>“neither the sight of desolation nor the evidences of prosperity can either pain or please.”</i> Let them <i>“unloose their tongues and proclaim unceasingly His Cause.”</i> Let them <i>“proclaim that which the Most Great Spirit will inspire them to utter in the service of the Cause of their Lord.”</i> Let them <i>“beware lest they contend with anyone, nay strive to make him aware of the truth with kindly manner and most convincing exhortation.”</i> Let them <i>“wholly for the sake of God proclaim His Message, and with that same spirit accept whatever response their words may evoke in their hearers.”</i> Let them not, for one moment, forget that the <i>“Faithful Spirit shall strengthen them through its power,”</i> and that <i>“a company of His chosen angels shall go forth with them, as bidden by Him Who is the Almighty, the All-Wise.”</i> Let them ever bear in mind <i>“how great is the blessedness that awaiteth them that have attained the honor of serving the Almighty,”</i> and remember that <i>“such a service is indeed the prince of all goodly deeds, and the ornament of every goodly act.”</i></p>	<p>ناظر باشند که می‌فرمایند: «وَمِنْكُمْ مَنْ ارَادَ انْ يَبْلُغَ امْرَ مَوْلَاهُ فَلْيَنْبَغِي لَهُ بِهِ انْ يَبْلُغَ نَفْسَهُ ثُمَّ يَبْلُغُ النَّاسَ لِيَجْذِبَ قَوْلُهُ قُلُوبَ السَّامِعِينَ» باید ظفر و نصرت امرالله را نصرت خویش دانند چنان که می‌فرماید «يَجْعَلُ هَمَّهُ نَصْرَةَ الْاَمْرِ فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ» باید به این بیانات مبارکه ناظر باشند که «اصل اليوم اخذ از بحر فيوضات است ديگر نبايد نظر به كوچك و بزرگي ظروف باشد». و نیز من اراد التبليغ ينبغي له ان ينقطع عن الدنيا» باید با همان روح انقطاعی که حضرت عبدالبهاء مثل اعلايش بود قیام نمود و مردم مختلف آن ممالک را به ذکر الهی و معرفت مظهر ظهورش جلب و جذب کرد.</p> <p>در آن روز که به فرموده مبارک «يوم ارتعشت الاركان و اقشعرت الجلود و شاخصت الابصار» باید نار موقده الهیه را در دل و جانیشان چنان فروزان دارند که دریاهاى عالم از اطفائش عاجز باشد. باید چون «هوا خفيف گردند» و به مثابه نسیم شوند «که بر خراب و معمور مرور می‌نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون» و در این سبیل آنچه را که روح القدس بر زبانشان جاری ساخت القاء نمایند»</p> <p>در تبليغ بايد از مجادله پرهيزند و به لسان شفقت جذاب قلوب گرديد. چنانکه می‌فرماید اياکم ان لاتجاد لوامع نفس بل ذکرها يا لبيان الحسنه الموعظة البالغة» و این بیان مبارک را همواره بخاطر آورند که «لله تبليغ امر نمائيد با عراض و اقبال ناظر نباشند بلکه ناظر به خدمتی که به آن ماموريد من لدن الله» و هرگز فراموش نکنيد که فرموده است «ان الدين هاجر ومن اوطانهم لتبليغ الامر يويدهم الروح الامين و يخرج معهم قبيل من الملائكة من لدن عزيز عليهم» و از این بیان مبارک مسرور باشند که «طوبى لمن فاز بخدمة الله» و اعظم خدمت تبليغ است که در باره‌اش فرموده «انه لسيد الاعمال و طرازها»</p>
88	<p>And, finally, let these soul-stirring words of Bahá'u'lláh, as they pursue their course throughout the length and breadth of the southern American continent, be ever ready on their lips, a solace to their hearts, a light on their path, a companion in their loneliness, and a daily sustenance in their journeys: <i>“O wayfarer in the path of God! Take thou thy portion of the ocean of His grace, and deprive not thyself of the things that lie hidden in its depths.... A dewdrop out of this ocean would, if</i></p>	<p>چه خوش است که این کلمات روح بخش حضرت بهاءالله را در خدمات تبليغی خویش در سراسر امريكای جنوبی ورد زبان و مرهم جانشان سازند که می‌فرماید: «ان يا ايها المسافر الى الله خذ نصيبك من هذا البحر و لاتحرم نفسك عما قدرفيه... و لو يرزقن كل من في السموات و الارض بقطرة منه ليغنين في انفسهم بغناء الله المقتدر العليم الحكيم خذ بيد الانقطاع غرقه من هذا البحر الحيوان ثم رشح منها على الكائنات ليطهرهم عن</p>

	<p>shed upon all that are in the heavens and on earth, suffice to enrich them with the bounty of God, the Almighty, the All-Knowing, the All-Wise. With the hands of renunciation draw forth from its life-giving waters, and sprinkle therewith all created things, that they may be cleansed from all man-made limitations, and may approach the mighty seat of God, this hallowed and resplendent Spot. Be not grieved if thou performest it thyself alone. Let God be all-sufficient for thee.... Proclaim the Cause of thy Lord unto all who are in the heavens and on the earth. Should any man respond to thy call, lay bare before him the pearls of the wisdom of the Lord, thy God, which His Spirit hath sent down upon thee, and be thou of them that truly believe. And should anyone reject thy offer, turn thou away from him, and put thy trust and confidence in the Lord of all worlds. By the righteousness of God! Whoso openeth his lips in this day, and maketh mention of the name of his Lord, the hosts of Divine inspiration shall descend upon him from the heaven of my name, the All-Knowing, the All-Wise. On him shall also descend the Concourse on high, each bearing aloft a chalice of pure light. Thus hath it been foreordained in the realm of God's Revelation, by the behest of Him Who is the All-Glorious, the Most Powerful.”</p>	<p>حدودات البشر و یقرّبهم بمنظرالله الاکبر هذا المقرّ المقدّس المنیر و ان وجدت نفسك وحيداً لاتخزن فاكف بربك...بلغ امر مولاك الى كلّ من في السموات و الارض ان وجدت نفسك وحيداً لاتخزن فاكف بربك...بلغ امر مولاك الى كلّ من في السموات و الارض ان وجدت مقبلاً فاطهر عليه لثالي حكمة الله ربك فيما القاك الروح وكن من المقبلين و ان وجدت معرضاً فاعرض عنه فتوكّل على الله ربك و رب العالمين تا لله الحق من يفتح اليوم شفتاه في ذكر اسم ربّه لينزل عليه جنود الوحي عن مشرق اسمي الحكيم العليم و ينزلن عليه اهل ملاء الاعلى بصحائف من النور كذلك قدر في جبروت الامر من لدن عزيز قدير».</p>
89	<p>Let these words of ‘Abdu’l-Bahá, gleaned from the Tablets of the Divine Plan, ring likewise in their ears, as they go forth, assured and unafraid, on His mission: “O ye apostles of Bahá’u’lláh! May my life be sacrificed for you!... Behold the portals which Bahá’u’lláh hath opened before you! Consider how exalted and lofty is the station you are destined to attain; how unique the favors with which you have been endowed.” “My thoughts are turned towards you, and my heart leaps within me at your mention. Could ye know how my soul gloweth with your love, so great a happiness would flood your hearts as to cause you to become enamored with each other.” “The full measure of your success is as yet unrevealed, its significance still unapprehended. Erelong ye will, with your own eyes, witness how brilliantly every one of you, even as a shining star, will radiate in the firmament of your country the light of Divine Guidance, and will bestow upon its people the glory of an everlasting life.” “I fervently hope that in the near future the whole earth may be stirred and shaken by the results of your achievements.” “The Almighty will no doubt grant you the help of His grace, will invest you with the tokens of His might, and will endue your souls with the sustaining power of His holy</p>	<p>و نیز چون قیام بر انتشار امرالله نمایند چه نیکو است که این بیانات حضرت عبدالبهاء را در منشور ملکوتی تبلیغ آویزه گوش هوش سازند که می فرماید، «ای حواریون بهاءالله روحی لكم الفداء... ملاحظه نمائید که حضرت بهاءالله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلی مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است»... الآن به یاد شما مشغولم و این قلب در نهایت هیجان اگر بدانید که این وجدان چگونه منجذب یاران است البتّه به درجهئی فرح و سرور یابید که کلّ مفتون یکدیگر گردید». «حال موفقیّت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره های درّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل آمریک شدید». «امیدوارم که به زودی موفّقیّت شما زلزله در آفاق اندازد». «البتّه عون و عنایت آلهیه به شما خواهد رسید و قوای آلهیه و نفثات روح القدس تأیید شما خواهد کرد». «نظر به قلّت خویش و کثرت اقوام ننمائید». «این کار عظیم است اگر به آن موفّق شویم. تا آمریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد».</p>

	<i>Spirit.” “Be not concerned with the smallness of your numbers, neither be oppressed by the multitude of an unbelieving world.... Exert yourselves; your mission is unspeakably glorious. Should success crown your enterprise, America will assuredly evolve into a center from which waves of spiritual power will emanate, and the throne of the Kingdom of God will, in the plenitude of its majesty and glory, be firmly established.”</i>	
90	<p>It should be remembered that the carrying out of the Seven Year Plan involves, insofar as the teaching work is concerned, no more than the formation of at least one center in each of the Central and South American Republics. The hundredth anniversary of the birth of the Faith of Bahá'u'lláh should witness, if the Plan already launched is to meet with success, the laying, in each of these countries, of a foundation, however rudimentary, on which the rising generation of the American believers may, in the opening years of the second century of the Bahá'í era, be able to build. Theirs will be the task, in the course of successive decades, to extend and reinforce those foundations, and to supply the necessary guidance, assistance, and encouragement that will enable the widely scattered groups of believers in those countries to establish independent and properly constituted local Assemblies, and thereby erect the framework of the Administrative Order of their Faith. The erection of such a framework is primarily the responsibility of those whom the community of the North American believers have converted to the Divine Message. It is a task which must involve, apart from the immediate obligation of enabling every group to evolve into a local Assembly, the setting up of the entire machinery of the Administrative Order in conformity with the spiritual and administrative principles governing the life and activities of every established Bahá'í community throughout the world. No departure from these cardinal and clearly enunciated principles, embodied and preserved in Bahá'í national and local constitutions, common to all Bahá'í communities, can under any circumstances be tolerated. This, however, is a task that concerns those who, at a later period, must arise to further a work which, to all intents and purposes, has not yet been effectively started.</p>	<p>باید به یاد آورد که هدف تبلیغ در نقشه هفت ساله جز این نیست که اقلاً در هر یک از ممالک امریکای مرکزی و جنوبی لااقل یک مرکز بهائی تشکیل شود.</p> <p>و موفقیت نقشه هفت ساله مستلزم آن است که چون زمان یکصدمین سال ظهور امر بهائی فرا رسد در هر یک از آن ممالک پایه و اساسی استوار شده باشد تا احباء امریکا بر آن اساس هر چند ناقص و ضعیف باشد بتوانند در سالهای اولیه قرن ثانی دور بهائی بنیان رفیعی را بنا کنند.</p> <p>و بر آنان است که طی عقود متتابعه یعنی ده سالهای آینده آن مراکز اساسیه را استحکام بخشند و هدایت و تشویق و اعانت نمایند تا جمعیت‌های پراکنده در آن نقاط بر تاسیس محفل روحانی مستقل محلی موفّق شوند ارکان نظم اداری بهائی را پی‌افکنند. بنای ارکان چنان بنیانی در وهله اول در مسئولیت بهائیان نورسیده و جدیدالاقبال در آن کشورها است و چنین اقدامی گذشته از اینکه جمعیت‌های بهائی را به محافل روحانی محلی تبدیل می‌کند مستلزم آن است که تشکیلات نظم اداری بهائی در همه جا طبق اصول روحانی و اداری که جزئی از حیات هر جامعه بهائی در سراسر عالم است به وجود آید و به کار افتد و از آن اصول مهمّه واضحی که در قانون اساسی محافل روحانی ملی و محلی مدوّن و در جمیع جامعه‌های بهائی معمول است هرگز عدول و تخطی روا ندارند و البته این امر مربوط به آینده یعنی وقتی است که آن محافل تأسیس شده و تمکین یافته باشد.</p>
91	To pave the way, in a more systematic manner, for the laying of the necessary foundation on which such permanent national and local institutions can be reared and securely established is a task that will very soon demand the concentrated attention of	<p>استقرار اساس و پایه‌های لازم متین به نحوی منظم و منسجم (سیستماتیک) و در کمال اتقان و استحکام برای بنای محافل روحانیه ملی و محلی امری است که به زودی توجّه</p>

	<p>the prosecutors of the Seven Year Plan. No sooner has their immediate obligation in connection with the opening up of the few remaining territories in the United States and Canada been discharged, than a carefully laid-out plan should be conceived, aiming at the establishment of such a foundation. As already stated, the provision for these vast, preliminary undertakings, the scope of which must embrace the entire area occupied by the Central and South American Republics, constitutes the very core, and must ultimately decide the fate, of the teaching campaign conducted under the Seven Year Plan. Upon this campaign must depend not only the effectual discharge of the solemn obligations undertaken in connection with the present Plan, but also the progressive unfoldment of the subsequent stages essential to the realization of 'Abdu'l-Bahá's vision of the part the American believers are to play in the worldwide propagation of their Cause.</p>	<p>مجریان نقشه هفت ساله را به خود جلب خواهد کرد و حال چون وظیفه فوری آنان یعنی فتح چند نقطه باقیه در امریکا و کانادا به انجام رسد باید طرحی دقیق تدبیر شود که هدفش تحقق چنان اساسی گردد. چنانکه مرقوم شد تعبیه وسائل چنین خدمت عظیم و مقدماتی وسیعی در سراسر جمهوریات امریکای مرکزی و جنوبی سرنوشت نهضت تبلیغی در طی نقشه هفت ساله را معین می‌سازد و توفیق در آن نهضت عظیم نه فقط موکول به قیام عاشقانه یاران در اجراء اهداف نقشه مذکور است بلکه بسته به آن نیز هست تا در مراحل آینده‌اش هر روز بیشتر آنچه را که حضرت عبدالبهاء برای بهائیان امریکا در انتشار امرالله در سراسر جهان آرزو فرموده است مجری و متحقق گردد.</p>
92	<p>These undertakings, preliminary as they are to the strenuous and organized labors by which future generations of believers in the Latin countries must distinguish themselves, require, in turn, without a moment's delay, on the part of the National Spiritual Assembly and of both the National Teaching and Inter-America Committees, painstaking investigations preparatory to the sending of settlers and itinerant teachers, whose privilege will be to raise the call of the New Day in a new continent.</p>	<p>جمیع آن اقدامات که نسبت به مساعی جلیله و مجهودات منظمه نسل‌های آینده بهائی در امریکای لاتین به منزله مقدمه‌ای بیش نیست، مستلزم آن است که محفل ملی امریکا و لجنه ملی تبلیغ قاره امریکا بی‌درنگ در باره اعزام مهاجرین و مبلغین سیار که مفتخر به ارتفاع ندای ظهور عصر جدید در آن قاره جدیدند تحقیق کنند و تدابیری بیندیشند.</p>
93	<p>I can only, in my desire to be of some service to those who are to assume such tremendous responsibilities, and to suffer such self-denial, attempt to offer a few helpful suggestions which, I trust, will facilitate the accomplishment of the great work to be achieved in the very near future. To this work, that must constitute an historical landmark of first-class importance when completed, the energies of the entire community must be resolutely consecrated. The number of Bahá'í teachers, be they settlers or travelers, must be substantially increased. The material resources to be placed at their disposal must be multiplied, and efficiently administered. The literature with which they should be equipped must be vastly augmented. The publicity that should aid them in the distribution of such literature should be extended, centrally organized, and vigorously conducted. The possibilities latent in these countries should be diligently exploited, and systematically developed. The various obstacles raised by the widely varying political and social conditions obtaining in these countries should be closely surveyed and determinedly surmounted. In a word, no</p>	<p>نظر به اشتیاقم در معاضدت آن خادمان فداکار جانفشان که مسئولیتی سنگین بر دوش دارند به ذکر چند نکته مفید می‌پردازم که امیدوارم کارهای بزرگی را که در آینده نزدیک در پیش دارند تسهیل نماید. در اجراء و اکمال آن خدمات مهمه تاریخی لازم و واجب است که قوای فرد فرد جامعه کاملاً متحداً تجهیز گردد بر تعداد مبلغین ساکن و سیار بسیار بیفزاید و منابع مادی تحت اختیارشان مضاعف و با کفایت اداره شود. آثار و نشریاتی که باید با آن مجهز باشند تکثیری وسیع یابد و اعلاناتی که یاران را در پخش و انتشار آثار مساعدت می‌نماید ازدیاد پذیرد و از طرف هیأتی مرکزی با سعی و مجاهدت اداره شود و از امکاناتی که در آن ممالک نهفته است با هوشیاری و فراست استفاده شود و آن امکانات منظم‌اً توسعه یابد. موانع و مشکلات متنوع سیاسی و اجتماعی موجود در آن ممالک باید مورد مطالعه قرار گیرد و از پیش راه برداشته شود. خلاصه کلام آنکه هیچ فرصتی را نباید از دست داد و از هیچ کوششی فروگذار نباید کرد تا برای ترقی و پیشرفت بزرگترین نهضت تبلیغی که تا به حال جامعه بهائی امریکا تعهد کرده‌اند پایه‌های وسیع و مستحکمی بر جای نهاده شود.</p>

	<p>opportunity should be neglected, and no effort spared, to lay as broad and solid a basis as possible for the progress and development of the greatest teaching enterprise ever launched by the American Bahá'í community.</p>	
94	<p>The careful translation of such important Bahá'í writings as are related to the history, the teachings, or the Administrative Order of the Faith, and their wide and systematic dissemination, in vast quantities, and throughout as many of these Republics as possible, and in languages that are most suitable and needed, would appear to be the chief and most urgent measure to be taken simultaneously with the arrival of the pioneer workers in those fields. <i>"Books and pamphlets,"</i> writes 'Abdu'l-Bahá in one of the Tablets of the Divine Plan, <i>"must be either translated or composed in the languages of these countries and islands, to be circulated in every part and in all directions."</i> In countries where no objections can be raised by the civil authorities or any influential circles, this measure should be reinforced by the publication, in various organs of the Press, of carefully worded articles and letters, designed to impress upon the general public certain features of the stirring history of the Faith, and the range and character of its teachings.</p>	<p>ترجمه دقیق آثار مهمه مربوط به تاریخ و تعالیم و نظم اداری بهائی و نشر و توزیع منظمشان باید به مقداری وسیع و در جمهوریات قاره امریکای لاتین صورت پذیرد و فوریت یابد تا با ورود مهاجرین در آن میدان مقارن و همزمان باشد. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح نقشه ملکوتی تبلیغ می فرماید «کتب و رسائلی به لسان های این ممالک و جزائر یا ترجمه نمایند و یا تألیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند». در کشورهایی که مصادر امور یا صاحبان نفوذ مخالف نباشند باید با نوشتن نامه ها و مقالات مناسب در انواع جرائد کار طبع کتب و آثار را تقویت نمود تا انتظار عامه و افکار عمومی را به برخی از جنبه های تاریخ هیجان انگیز امر بهائی و وسعت و عظمت مقامش جلب و متوجه ساخت.</p>
95	<p>Every laborer in those fields, whether as traveling teacher or settler, should, I feel, make it his chief and constant concern to mix, in a friendly manner, with all sections of the population, irrespective of class, creed, nationality, or color, to familiarize himself with their ideas, tastes, and habits, to study the approach best suited to them, to concentrate, patiently and tactfully, on a few who have shown marked capacity and receptivity, and to endeavor, with extreme kindness, to implant such love, zeal, and devotion in their hearts as to enable them to become in turn self-sufficient and independent promoters of the Faith in their respective localities. <i>"Consort with all men, O people of Bahá,"</i> is Bahá'u'lláh's admonition, <i>"in a spirit of friendliness and fellowship. If ye be aware of a certain truth, if ye possess a jewel, of which others are deprived, share it with them in a language of utmost kindness and goodwill. If it be accepted, if it fulfill its purpose, your object is attained. If anyone should refuse it, leave him unto himself, and beseech God to guide him. Beware lest ye deal unkindly with him. A kindly tongue is the lodestone of the hearts of men. It is the bread of the spirit, it clotheth the words with meaning, it is the fountain of the light of wisdom and understanding."</i></p>	<p>هر خادمی که قائم در میدان خدمت است، چه مهاجر و چه مبلغ سیار، باید همواره در نظر داشته باشد که با جمیع اهالی هر مملکتی از همه طبقات و مذاهب و نژادها با کمال الفت و محبت معاشر و محشور باشد و خویش را با افکار و ذوق و عاداتشان آشنا سازد و طریقی مناسب حال آن مردم را تفحص و تجسس کند و با صبر و حوصله و در نهایت حکمت قوای خود را صرف در معدودی از طالبان حقیقت نماید که دارای استعداد و قلبی طاهرند و با کمال مهربانی و محبت بکوشد نهال محبت و غیرت و انجذاب را در قلبشان بنشانند چنانکه خود از عهده امور خویش برآیند و مستقلاً به ترویج امرالله بین مردم مستعد هر محل پردازند. حضرت بهاءالله چنین نصیحت فرموده: «ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد شما کلمه و یا جوهری است که دون شما از آن محروم به لسان محبت و شفقت القاء نمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا او را به او گذارید و در باره او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذاب قلوب است و مائده روح و به مثابه معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی».</p>

96	<p>An effort, moreover, can and should be made, not only by representative Bahá'í bodies, but also by prospective teachers, as well as by other individual believers, deprived of the privilege of visiting those shores or of settling on that continent, to seize every opportunity that presents itself to make the acquaintance, and awaken the genuine interest, of such people who are either citizens of these countries, or are in any way connected with them, whatever be their interests or profession. Through the kindness shown them, or any literature which may be given them, or any connection which they may establish with them, the American believers can thereby sow such seeds in their hearts as might, in future circumstances, germinate and yield the most unexpected results. Care, however, should, at all times, be exercised, lest in their eagerness to further the international interests of the Faith they frustrate their purpose, and turn away, through any act that might be misconstrued as an attempt to proselytize and bring undue pressure upon them, those whom they wish to win over to their Cause.</p>	<p>همچنین باید که یاران چه اعضاء تشکیلات بهائی و چه نفوسی که قصد قیام به تبلیغ دارند بل جمیع افراد بهائی که از موهبت سفر و مهاجرت به آن ممالک محرومند کلّ مترصد باشند تا از هر فرصت استفاده نمایند که با نفوسی از اتباع آن ممالک یا با کسانی از هر ذوق و مشرب که به نحوی با آن کشورها مربوطند آشنائی حاصل کنند و آتش طلب را در دل آنان برافروزند احبّای امریکا با ابراز محبّت حقیقی و انتشار آثار و ایجاد هر رابطه دیگری می‌توانند در آن نفوس مستعدّه بذر هدایت بیفشانند، تا در آینده سرسبز شود و حاصلی غیر منتظره به بار آورد اما در این راه باید با نهایت دقّت مواظبت نمایند که مبادا از شوقی که در ترویج مصالح بین‌المللی امرالهی دارند کاری کنند مردم چنین سوءتفاهمی یابند که آن رفتارها و محبّت‌ها به نیت تبلیغ ایشان بوده است و از آن طریق فشاری بر آنان وارد ساخته‌اند که دینشان را تغییر دهند، اگر چنین گردد نقض غرض شود و متحرّیان حقیقت را به کلّی دور نماید.</p>
97	<p>I would particularly direct my appeal to those American believers, sore-pressed as they are by the manifold, the urgent, and ever-increasing issues that confront them at the present hour, who may find it possible, whatever be their calling or employment, whether as businessmen, school teachers, lawyers, doctors, writers, office workers, and the like, to establish permanently their residence in such countries as may offer them a reasonable prospect of earning the means of livelihood. They will by their action be relieving the continually increasing pressure on their Teaching Fund, which in view of its restricted dimensions must provide, when not otherwise available, the traveling and other expenses to be incurred in connection with the development of this vast undertaking. Should they find it impossible to take advantage of so rare and sacred a privilege, let them, mindful of the words of Bahá'u'lláh, determine, each according to the means at his or her disposal, to appoint a deputy who, on that believer's behalf, will arise and carry out so noble an enterprise. <i>"Center your energies,"</i> are Bahá'u'lláh's words, <i>"in the propagation of the Faith of God. Whoso is worthy of so high a calling, let him arise and promote it. Whoso is unable, it is his duty to appoint him who will, in his stead, proclaim this Revelation, whose power hath caused the foundations of the mightiest structures to quake, every mountain to be crushed into dust, and every soul to be dumbfounded."</i></p>	<p>در این مقام رجا و تقاضای خویش را متوجّه آن دسته از یاران امریکا می‌نمایم که با وجود آنکه تحت فشار امور متعدد و فوری و روزافزون‌اند که با شغل و حرفه‌ای که دارند: تاجران، معلم مدرسه‌اند، وکیل حقوق‌دانند، طبیب‌اند، نویسنده یا عضو اداره‌اند برایشان امکان دارد که برخیزند و محل سکونت خویش را در کشورهایی قرار دارند که در آن امکان معقولی در تأمین معاش و تدارک حوائجشان موجود باشد. اگر چنین کنند کمک و مساعدت فراوانی به مخارج روزافزون صندوق تبلیغ نموده‌اند زیرا از حساب آن صندوق است. که باید در جائی که به نحوی دیگر میسر نباشد هزینه سفر و مخارج خادمان میدان تبلیغ را تأمین نمود. و اگر اجرای پر افتخار چنان خدمتی برای آن نفوس ممکن نگردد چه نیکو است این بیان حضرت بهاء‌الله را بیاد آورده، هر کس به اندازه وسعش وکیلی را معین نماید که بالنیابه به امر عظیم و مبارک تبلیغ قائم گردد، می‌فرمایند: «جمیع همّت را در تبلیغ امر الاهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است به آن قیام نماید و الاّ له ان یاخذ وکیلاً منفسه فی اظهار هذا الامر الذی به ترعزع کلّ بنیان مرصوص و اندکّ الجبال و انصعقت النفوس».</p>

98	<p>As to those who have been able to leave their homes and country, and to serve in those regions, whether temporarily or permanently, a special duty, which must continually be borne in mind, devolves upon them. It should be one of their chief aims to keep, on the one hand, in constant touch with the National Committee specifically entrusted with the promotion of their work, and to cooperate, on the other, by every possible means and in the utmost harmony, with their fellow-believers in those countries, whatever the field in which they labor, whatever their standing, ability, or experience. Through the performance of their first duty they will derive the necessary stimulus and obtain the necessary guidance that will enable them to prosecute effectively their mission, and will also, through their regular reports to that committee, be imparting to the general body of their fellow-believers the news of the latest developments in their activities. By fulfilling their other duty, they will insure the smooth efficiency, facilitate the progress, and avert any untoward incidents that might handicap the development of their common enterprise. The maintenance of close contact and harmonious relationships between the Inter-America Committee, entrusted with the immediate responsibility of organizing such a far-reaching enterprise, and the privileged pioneers who are actually executing that enterprise, and extending its ramifications far and wide, as well as among these pioneers themselves, would set, apart from its immediate advantages, a worthy and inspiring example to generations still yet to be born who are to carry on, with all its increasing complexities, the work which is being initiated at present.</p>	<p>اما نفوسی که برای خدمت در آن اقالیم به ترک کشور و خانمان خویش موقتاً یا دائماً موفق گشته‌اند، باید همواره وظیفه اولیه خویش شمارند که از طرفی با لجنه ملی تبلیغ که به ترویج خدمتی که بر آن قائمند موظف است مرتبط و در تماس باشند و از طرف دیگر با کمال اتحاد به هر وسیله ممکن متشبث گردند که با افراد بهائی دیگر در کشور محل سکونت خود در هر میدان و در هر مقام و تجربه و هر استعداد و موقعیتی همکاری نمایند و با انجام وظیفه اول تشویق و هدایت لازم را کسب نمایند و از این راه بر ایفای وظائفشان بهتر موفق گردند. و نیز با ارسال گزارش‌ها به لجنه مذکور اخبار پیشرفت امرالله و شرح خدماتشان را به جمهور مؤمنین و مؤمنات برسانند.</p> <p>اما ایفای وظیفه دیگر سبب تسهیل جریان امور و باعث ترقی و پیشرفت شود. از بروز وقایع نامطلوب که باعث وقفه تقدّم و پیشرفت خدمات مشترکشان گردد جلوگیری نماید و حفظ ارتباط و همکاری نزدیک را بین لجنه تبلیغ قاره آمریکا و مهاجران جانفشان به وجود آورد زیرا آن دو عامل یکی وظیفه‌اش تنظیم و تمشیت امور آن نقشه عظیم تبلیغ است و دیگری مسئول اجرایش در جمیع جهات و نیز حفظ ارتباط بین خود مهاجرین، غیر از فوائد و نتایج فوریش سرمشق و نمونه گرانبهائی را برای نسل‌های آینده باقی می‌گذارد و آنان را وامیدارد تا به خدمات خویش با وجود معضلات پیچیده‌اش ادامه دهند و بر اثر اقدام مهاجران این زمان مشی نمایند.</p>
99	<p>It would, no doubt, be of exceptional importance and value, particularly in these times when the various restrictions imposed in those countries make it difficult for a considerable number of Bahá'í pioneers to establish their residence and earn their livelihood in those states, if certain ones among the believers, whose income, however slender, provides them with the means of an independent existence, would so arrange their affairs as to be able to reside indefinitely in those countries. The sacrifices involved, the courage, faith, and perseverance it demands, are no doubt very great. Their value, however, can never be properly assessed at the present time, and the limitless reward which they who demonstrate them will receive can never be adequately depicted. <i>"They that have forsaken their country,"</i> is Bahá'u'lláh's own testimony, <i>"for the purpose of teaching Our Cause—these shall the Faithful Spirit strengthen</i></p>	<p>در این ایام که مقررات دولتی مانع از این است که عده زیادی از مهاجرین بهائی بتوانند در آن کشورها مستقر گردند و جهت تأمین معاش اجازه کار و شغلی داشته باشند ملاحظه فرمائید چقدر ارزش و اهمیت دارد که تعدادی از احباء که درآمدی ثابت ولو مختصر داشته باشند قیام نمایند و در آن ممالک بالاستقلال استقرار جویند. و چنین خدمتی البته مستلزم فداکاری و شجاعت و ایمان و استقامتی عظیم است که قدرش را تخمین نتوان زد و اجر جزیش را احصاء نتوان کرد به شهادت قلم اعلی «ان الدین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الامر یوید هم الروح الامین ... عمل را من الاعمال الا ماشاء ربک المقتدر القدیر انه سید الاعمال و طرازها» چنین اجر و ثوابی را نمی‌توان فقط موهبتی معنوی شمرد که در عالم بالا نصیب احباء گردد بلکه در این جهان نیز برکات و فواید چنان شجاعت و ایمان و استقامتی عاید قیام کنندگان بر چنان خدماتی خواهد شد چنانکه توفیقات</p>

	<p><i>through its power.... By My life! No act, however great, can compare with it, except such deeds as have been ordained by God, the All-Powerful, the Most Mighty. Such a service is indeed the prince of all goodly deeds, and the ornament of every goodly act.”</i> Such a reward, it should be noted, is not to be regarded as purely an abstract blessing confined to the future life, but also as a tangible benefit which such courage, faith and perseverance can alone confer in this material world. The solid achievements, spiritual as well as administrative, which in the far-away continent of Australasia, and more recently in Bulgaria, representative believers from both Canada and the United States have accomplished, proclaim in terms unmistakable the nature of those prizes which, even in this world, such sterling heroism is bound to win. “Whoso,” Bahá’u’lláh, in a memorable passage, extolling those of His loved ones who have “<i>journeyed through the countries in His Name and for His praise,</i>” has written, “<i>hath attained their presence will glory in their meeting, and all that dwell in every land will be illumined by their memory.</i>”</p>	<p>روحانی و اداری که در نقاط بعیده استرالیا و اخیراً در بلغارستان نصیب مهاجرین امریکائی و کانادائی شده شاهد صادقی است بر اینکه چنان قیام تهورانگیزی چه اجر و ثمر و نتیجه‌ای حتی در این عالم شامل حال گرداند.</p> <p>حضرت بهاء‌الله در بیان مبارکی چنان نفوس عزیز را چنین ستایش می‌فرماید « و نفسه الحق سوف یزین الله دیاج کتاب‌الوجود به ذکر احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد با سمه و ذکره و یفتخر کل من فاز بلقائهم بین العباد و یستنیر بذکرهم من فی البلاد»</p>
100	<p>I am moved, at this juncture, as I am reminded of the share which, ever since the inception of the Faith in the West, the handmaidens of Bahá’u’lláh, as distinguished from the men, have had in opening up, single-handed, so many, such diversified, and widely scattered countries over the whole surface of the globe, not only to pay a tribute to such apostolic fervor as is truly reminiscent of those heroic men who were responsible for the birth of the Faith of Bahá’u’lláh, but also to stress the significance of such a preponderating share which the women of the West have had and are having in the establishment of His Faith throughout the whole world. “<i>Among the miracles,</i>” ‘Abdu’l-Bahá Himself has testified, “<i>which distinguish this sacred Dispensation is this, that women have evinced a greater boldness than men when enlisted in the ranks of the Faith.</i>” So great and splendid a testimony applies in particular to the West, and though it has received thus far abundant and convincing confirmation must, as the years roll away, be further reinforced, as the American believers usher in the most glorious phase of their teaching activities under the Seven Year Plan. The “<i>boldness</i>” which, in the words of ‘Abdu’l-Bahá, has characterized their accomplishments in the past must suffer no eclipse as they stand on the threshold of still greater and nobler accomplishments. Nay rather, it must, in the course of time and throughout the length and breadth of the vast</p>	<p>چه نیکو است در این مقام به ذکر و ستایش اماء‌الرحمن یعنی زنان بهائی بپردازم که بیش از مردان از بدایت استقرار امرالله در غرب فریداً و حیداً در فتح ممالک مختلفه و پراکنده در بسیط زمین سهم داشته‌اند و این ستایش فقط نه از این جهت است که خدماتشان قهرمانان صدرامرالله را که در پیدایش امرالهی مجاهدت فرموده‌اند به خاطر می‌آورد بلکه برای آن است که تاکید شود که سهم زنان در فتح کشورهای جهان از همه بیشتر بوده است. به شهادت قلم حضرت عبدالبهاء: «از جمله معجزاتی که مخصوص این دور مقدس است آنکه که زنان چون در ظل امرالله درآیند از مردان شجاعتی بیشتر نمایان سازند. (ترجمه)» چنین شهادت عظیم و مبارکی که از قلم میثاق صادرگشته مخصوصاً در حق احباء غرب صادق است و هر چند در عمل شواهد بسیاری آن را به اثبات رسانده است ولی احباء امریکا که حال وارد درخشان‌ترین مرحله خدمات تبلیغی خویش در طی نقشه هفت ساله شده‌اند باید آن را تقویت نمایند کلمه «شجاعت» در بیان حضرت عبدالبهاء که با آن خدمات گذشته زنان بهائی را توصیف فرموده‌اند هرگز نباید مخصوصاً در این ایام که در آستانه خدمات عظیم‌تر و لایق‌تری ایستاده‌ایم از جلوه و بروزش کاسته شود بلکه باید به مرور ایام و در سراسر نقاط وسیع و بکر امریکای لاتین مصداقی بیشتر یابد و امر عزیز الهی را به نصرت و ظفری فائز نماید که هیجان انگیزتر و بزرگتر از فتوحات گذشته باشد.</p>

[illegible]